

JARROD SANDERS

ELLIOTT WAVE FIBONACCI HIGH PROBABILITY TRADING

MASTER THE WAVE PRINCIPLE AND MARKET TIMING
WITH PROVEN STRATEGIES



<https://t.me/sanibabourse>

امواج الیوت فیبوناچی

معامله با احتمال بالا

تسلط بر اصل موج و زمان بندی بازار با استراتژی های اثبات شده

نویسنده: جارد سندرز

ترجمه: سانی بورس

<https://sanibourse.com/>

فهرست مطالب

مقدمهفصل ۱: مبانی امواج الیوتفصل ۲: امواج انگیزشیفصل ۳: امواج اصلاحیفصل ۴: رهنمودها و تکنیک‌های کانال‌کشی امواج الیوتفصل ۵: مبانی فیبوناچیفصل ۶: فیبوناچی و فاز ایمپالس (حرکتی)فصل ۷: فیبوناچی و فاز اصلاحیفصل ۸: استراتژی معاملاتی شماره ۱فصل ۹: استراتژی معاملاتی شماره ۲فصل ۱۰: استراتژی معاملاتی شماره ۳فصل ۱۱: استراتژی معاملاتی شماره ۴فصل ۱۲: استراتژی معاملاتی شماره ۵نتیجه‌گیری

در زندگی علم را از هر کسی میتوان آموخت، ولی وقار و متانت و شخصیت را باید فقط از کسی آموخت که دارای این شرایط باشد، به این جهت دوست داشتم ترجمه کتاب فوق را تقدیم کنم به جناب صالح فردوسی که ابتدا معلم اخلاق است و سپس استاد تکنیکال.

<https://t.me/salehferdosi>

اصل امواج الیوت و ابزارهای فیوناچی در میان معامله‌گران تکنیکال با سبک‌های معاملاتی مختلف بسیار محبوب شده‌اند، اما خبر بد این است که اکثر معامله‌گران هنوز در تلاش برای استفاده بهینه از آنها برای کسب سود مداوم هستند.

یکی از چالش‌برانگیزترین وظایف برای دانش‌آموزان امواج الیوت و فیوناچی، چگونگی ترکیب آنها برای ایجاد یک استراتژی معاملاتی منسجم است. اغلب اوقات، روشی که معامله‌گران این ابزارها را ترکیب میکنند، تنها در سطح ابتدایی است و نمیتواند تمام قدرتی را که در صورت نگاه کردن به آنها از جنبه‌های مختلف میتوان به دست آورد، آزاد کند.

در این کتاب، من قصد دارم هر آنچه را که برای استفاده مؤثر و سودآور از ابزارهای امواج الیوت و فیوناچی نیاز دارید، فاش کنم. به جای تکیه بر هر ابزار به صورت جداگانه، یاد خواهید گرفت که چگونه این دو ابزار قدرتمند را برای ایجاد استراتژی‌های معاملاتی بهینه و بی‌زمان ترکیب کنید. من تمام جنبه‌های مهم مربوط به موضوعات امواج الیوت و فیوناچی را با جزئیات زیاد و به روشی ساده پوشش داده‌ام تا بتوانید آنها را به راحتی و به طور سیستماتیک درک کنید.

من بیش از ۱۰ سال است که از طریق معامله‌گری امرار معاش میکنم و با موفقیت استراتژی‌های معاملاتی بلندمدت مؤثری را در بازارهای مالی ایجاد کرده‌ام. من مدتهاست که از طرفداران بزرگ ابزارهای امواج الیوت و فیوناچی بوده‌ام، تا حدودی به دلیل قدرت آنها در پیش‌بینی حرکت قیمت به جای عقب ماندن از واکنش‌های قیمت. این امر مرا بر آن داشت تا اولین کتاب خود را در مورد این زوج جادویی در تلاش‌های معاملاتی منتشر کنم. چه در فارکس، چه در کالاها، سهام یا ارزهای دیجیتال، استراتژی‌هایی که در این کتاب ارائه میدهم، به شما در فیلتر کردن تنظیمات معاملاتی با احتمال بالا کمک شایانی خواهد کرد. شما لحظات "آها"ی زیادی را تجربه خواهید کرد که مدت‌ها منتظرشان بوده‌اید. در پایان این کتاب، هر آنچه را که برای معامله با اصل امواج الیوت و چهار ابزار جادویی فیوناچی نیاز دارید، در اختیار خواهید داشت.

ارزشمندترین دارایی در زندگی ما زمان است. مگر اینکه گام‌های مصممی در تغییر روش رویکرد خود به معامله‌گری به شیوه‌ای جامع‌تر بردارید، به راحتی میتوانید تحت تأثیر بسیاری از شکست‌ها و احساسات منفی قرار بگیرید. اگر با این دو "ابزار محبوب" آشنا نیستید، میتوانید مطمئن باشید که اطلاعات درون آن را جذب خواهید کرد، زیرا من سعی کرده‌ام آنها را به روشی خاص با یادداشت‌های مفید فراوان ارائه دهم. از طریق بسیاری از مثال‌های واقعی با تجزیه و تحلیل دقیق، میتوانید به راحتی منظور من را درک کنید، حتی اگر کاملاً تازه‌کار باشید.

برای کسانی از شما که تا حدودی از این ابزارها استفاده کرده‌اید اما نتوانسته‌اید سود زیادی از آنها ببرید، یا سعی نکرده‌اید آنها را به مؤثرترین شکل ترکیب کنید، این کتاب به شما کمک میکند تا همه چیز را در مورد تشخیص و زمان‌بندی معاملات به طور سیستماتیک و مؤثر در بازارها بر اساس مدل‌های اثبات‌شده، مرتب کنید. به یاد داشته باشید که این کتاب فقط بر معاملات با احتمال بالا تمرکز دارد و هیچ جایی برای معاملات متوسط وجود ندارد.

در این کتاب، من شروع به معرفی هر جنبه از اصل امواج الیوت و ابزارهای فیبوناچی خواهیم کرد تا به شما در کسب درک جامعی از این موضوعات کمک کنم. در مرحله بعد، روابط جادویی بین آنها را در هر پیشرفت موج یاد خواهید گرفت. فصل‌های آخر همان‌هایی خواهند بود که بیشتر انتظارشان را دارید، جایی که من استراتژی‌های معاملاتی زیادی را در ارتباط با هر موضوع مهمی که در فصل‌های قبلی کتاب پوشش می‌دهیم، گنجانده‌ام. شما از اینکه چگونه این استراتژی‌ها میتوانند به شما در تسلط بر خواندن امواج و زمان‌بندی بازار کمک کنند، شگفت‌زده خواهید شد. همچنین، این فرصت را خواهید داشت که تعدادی از شاخص‌ها و ابزارهای مؤثر مورد استفاده در هر استراتژی را برای شناسایی بهترین تنظیمات معاملاتی یاد بگیرید.

حالا، اگر آماده‌اید، بیایید شروع کنیم.

فصل ۱: مبانی امواج الیوت

اصل امواج الیوت

رالف نلسون الیوت (۲۸ ژوئیه ۱۸۷۱ - ۱۵ ژانویه ۱۹۴۸) بنیانگذار نظریه امواج الیوت بود. در دوران کار خود در خارج از کشور، به دلیل بیماری مجبور به بازنشستگی زودهنگام شد. در همان دوران بود که او شروع به مطالعه حدود ۷۵ سال داده‌های بازار مالی، به ویژه بازار سهام ایالات متحده کرد. همانطور که میتوانید تصور کنید، در آن دوره، دسترسی به داده‌های قیمت به دلیل نبود اینترنت آسان نبود. اما او توانست برای جمع‌آوری آنها به اواسط دهه ۱۸۵۰ بازگردد. این قطعاً تلاش بزرگی از سوی رالف نلسون الیوت بود.

الیوت در طول مطالعه خود الگوهای پایدار و تکرارشونده‌ای را کشف کرد که بین سقف‌ها و کف‌ها ظاهر میشدند و سپس آنها را به صورت "امواج" نظریه‌پردازی کرد. تحلیل موج به تحلیلگران کمک میکند تا چرخش‌های بازار با احتمال بالا را پیش‌بینی کنند. پس از بیش از چهار سال آزمایش این نظریه، او تحقیقات خود را در کتابی با عنوان "اصل موج" خلاصه کرد.

به گفته الیوت، اگرچه حرکات قیمت در ظاهر تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به نظر میرسند، اما از قوانین طبیعی قابل پیش‌بینی پیروی میکنند و منعکس کننده روانشناسی سرمایه‌گذاران انبوه هستند. هنگامی که این مفهوم را درک کنیم و یاد بگیریم که الگوهای موجود در امواج چگونه رفتار میکنند، میتوانیم از آن در بازارها استفاده کنیم تا مزیت فوق‌العاده‌ای در معاملات خود به دست آوریم. همچنین، با "اصل موج"، او نه تنها اکتشافات عمیقی در مورد رفتارهای بازار معرفی کرد، بلکه توانست با همگرایی دنباله اعداد فیبوناچی در این نظریه، آن را یک قدم فراتر ببرد.

نکته آخر اینکه، اگرچه او از داده‌های بازار سهام ایالات متحده برای مطالعات خود استفاده کرد، اما اصول پشت مفهوم امواج الیوت را میتوان در هر بازار با معامله آزاد، از جمله سهام، کالاها، فارکس یا ارزهای دیجیتال، و نه محدود به آنها، اعمال کرد.

ساختار بازار

درک اساسی ما از ساختار بازار باید با معرفی مفهوم فراکتال‌ها آغاز شود. اساساً، یک فراکتال یک شکل هندسی است که الگوی خود را در مقیاس‌های مختلف تکرار میکند. آن را به عنوان یک الگو در یک الگو و غیره در نظر بگیرید. بنوا مندلبرو ریاضیدان مشهوری بود که در اواسط دهه ۱۹۷۰ تحلیل‌های فراکتالی زیادی انجام داد. او فراکتال را به عنوان یک شکل

هندسی توصیف می‌کند که وقتی به قسمت‌هایی تقسیم می‌شود، هر قسمت یک نسخه کوچکتر از کل شکل خواهد بود.

بیایید چند نمونه از فراکتال‌ها را بررسی کنیم که به درک بهتر این مفهوم کمک می‌کنند.

درختان یکی از بارزترین فراکتال‌های طبیعت هستند. با رشد آنها، شاخه‌ها از تنه منشعب میشوند و هر یک از این شاخه‌ها شاخه‌های کوچکتری ایجاد میکنند. اگر با دقت به هر درخت پیچیده‌ای نگاه کنید، میتوانید تکرار شکل Y را در سراسر درختان مشاهده کنید. این طرح‌های فراکتالی به شاخه‌های پایینی کمک میکنند تا میزان قرار گرفتن در معرض نور خورشید را افزایش دهند.

گل آفتابگردان نیز نمونه‌ای از فراکتال‌ها در محیط طبیعی ما است. گیاه آفتابگردان الگوی خود را از طریق یک فرآیند تکراری ایجاد میکند. با یک دانه شروع میشود، سپس با زاویه خاصی تغییر جهت میدهد و دانه دیگری ایجاد میکند و این فرآیند دوباره تکرار میشود.

کف روی قهوه لاتِه صبحگاهی شما نمونه دیگری از فراکتال‌ها در عمل است. در طبیعت، حباب‌ها میتوانند در جایی که قطرات باران افتاده‌اند یا زمانی که امواج اقیانوس میشکنند، ایجاد شوند و الگوهای خود-مشابهی را به وجود آورند. حباب‌های بزرگ با حباب‌های کوچکتر در هم می‌آیند که سپس با حباب‌های حتی کوچکتر در هم می‌آیند و همینطور ادامه میابد. این سه مثال تنها نوک کوه یخ هستند. دنیای طبیعی ما پر از فراکتال است. رودخانه‌های سراسر جهان از نظر ماهیت فراکتالی هستند. برگ‌ها فراکتالی هستند. یخ و برف فراکتالی هستند. حتی DNA ما نیز ویژگی‌های فراکتالی دارد.

حال ممکن است بپرسید: خب، این‌ها همه خوب هستند، اما همه اینها چه ارتباطی با بازارها دارند؟

شاید برایتان تعجب‌آور باشد، اما حتی بازارهای مالی نیز از نظر ماهیت فراکتالی هستند، و این مفهوم برای درک ساختار اساسی بازار بسیار مهم است. نظریه امواج الیوت این ساختار فراکتالی بازار را به شیوه‌ای بسیار واضح و مفصل بیان میکند.

بیایید در زیر به یک چرخه کامل امواج الیوت متشکل از هشت موج نگاهی بیندازیم.

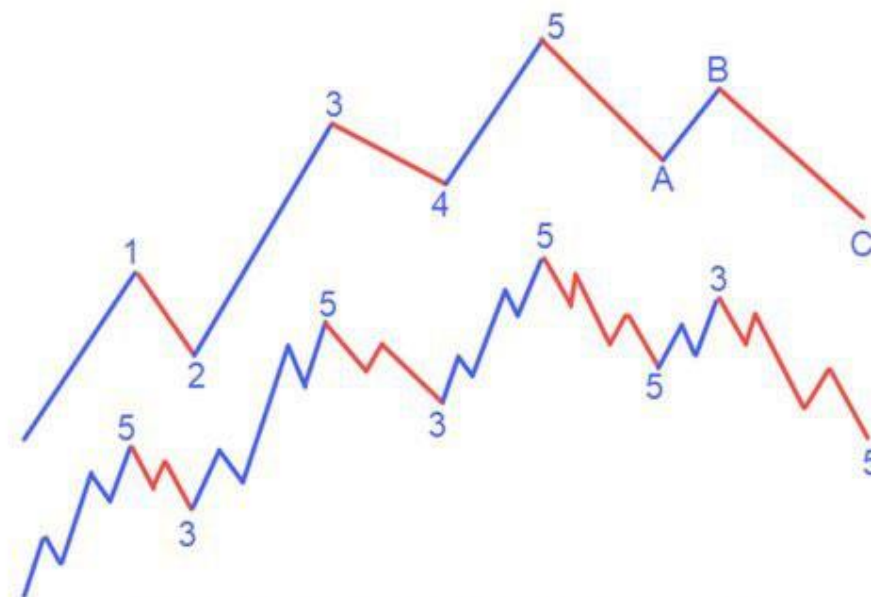


Figure 1-1: Fractals in the financial markets

همانطور که مشاهده میکنید، پنج موجی که در توالی انگیزشی رخ میدهند با اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ برچسب گذاری شده اند، و سه موجی که در توالی اصلاحی رخ میدهند با حروف A، B و C برچسب گذاری شده اند. در یک چرخه کامل، در مجموع هشت موج وجود دارد. این ساختار، بلوک ساختمانی برای همه امواج است. اساساً، این ساختار خود را در تمام درجات تکرار خواهد کرد. ما الگوهای تکرارشونده ای را میبینیم که در فرکانس ها یا بازه های زمانی مختلف به یکدیگر متصل هستند. امواج درون امواج جاسازی شده اند. به این ترتیب، ساختار بازار به صورت فراکتالی تنظیم شده است.

برای درک ساده تر این موضوع، به یک نمودار قیمت فکر کنید. اگر به هر نموداری نگاه کنید، آیا میتوانید تشخیص دهید که آیا این نمودار ماهانه، هفتگی، روزانه یا هر نوع نمودار دیگری است؟ نمیتوانید. پرایس اکشن به تنهایی در نمودار به دلیل ماهیت فراکتالی ساختارهای موج در بازار، نمیتواند بازه زمانی را به شما بگوید. اقدامات ما در بازار ردپایی از خود به جای میگذارد که در نمودارهای قیمت جاسازی شده است.

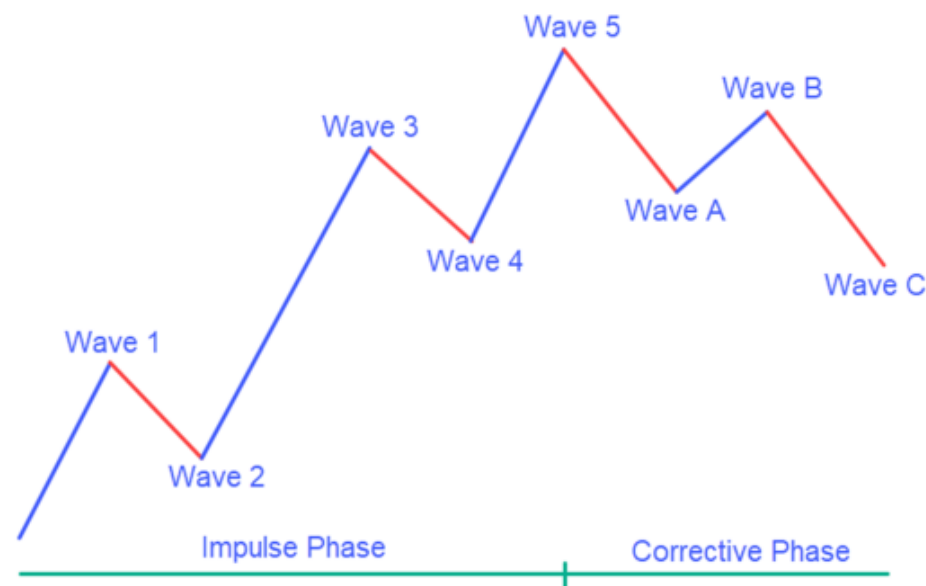


Figure 1-2: Impulse & Corrective Phase In An Uptrend

بیایید توجه خود را به یک ساختار موج اساسی معطوف کنیم. در این مثال، ما یک روند صعودی را مشاهده میکنیم. متوجه خواهید شد که در توالی امواج انگیزشی، امواج ۱، ۳ و ۵ در جهت روند صعودی حرکت میکنند، در حالی که امواج ۲ و ۴ اصلاحاتی را در خلاف جهت روند صعودی اصلی انجام میدهند. توالی اصلاحی پس از تکمیل موج ۵ رخ میدهد و در جهت مخالف حرکت میکند. این اصلاح با حروف A، B و C برچسبگذاری شده است. توجه داشته باشید که امواج A و C در خلاف جهت توالی انگیزشی حرکت میکنند، در حالیکه موج میانی (موج B) در خلاف جهت امواج A و C حرکت میکند. حال بیایید ببینیم این در یک روند نزولی چگونه کار میکند.

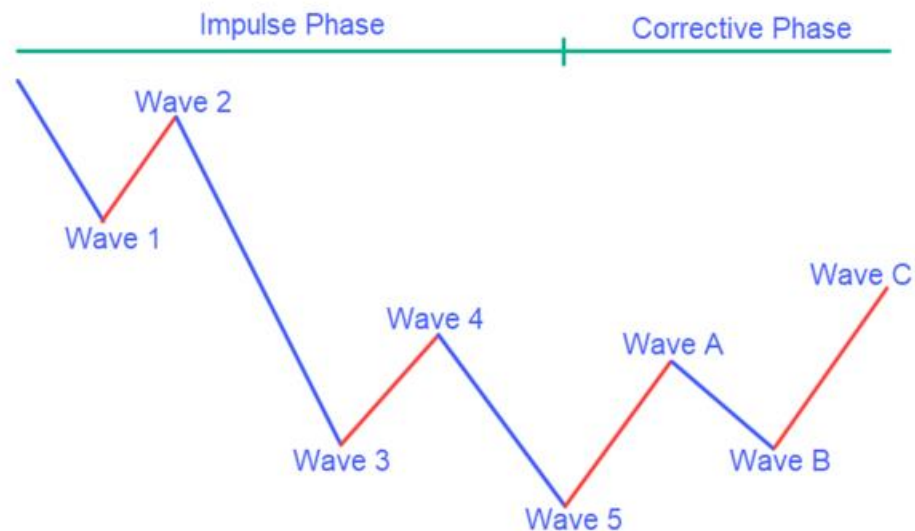


Figure 1-3: Impulse & Corrective Phase In A Downtrend

در این نمودار مشاهده میکنید که در توالی امواج انگیزشی، امواج ۱، ۳ و ۵ در جهت روند نزولی غالب حرکت میکنند، در حالی که امواج ۲ و ۴ این پیشرویها را قطع کرده و در خلاف جهت روند نزولی اصلی حرکت میکنند. توالی اصلاحی پس از تکمیل موج ۵ رخ میدهد و در جهت مخالف حرکت میکند. این اصلاح با حروف A، B و C برچسب گذاری شده است. توجه کنید که چگونه امواج A و C در خلاف جهت توالی انگیزشی حرکت میکنند، در حالیکه موج میانی (موج B) در خلاف جهت امواج A و C حرکت میکند. این ساختار اساسی زیربنایی بازارها بدون در نظر گرفتن بازه زمانی که شما تحلیل میکنید، میباشد. بسیار مهم است که ساختار بازار را به خوبی درک کنید زیرا تمام موارد دیگر بر اساس این بنا خواهند شد.

روانشناسی امواج

روانشناسی امواج

یک چرخه موج، رفتار جمعی توده مردم را در بازارهای مالی نشان میدهد. با مطالعه الگوهای موج، میتوانیم بهتر درک کنیم که قیمت در رابطه با چرخه کلی بازار در کجا قرار دارد تا بتوانیم در کسب سود از بازارها برتری پیدا کنیم. برخلاف فرضیه بازار کارا که اساساً بیان میکند نه تحلیل تکنیکال و نه تحلیل بنیادی نمیتوانند به طور مداوم در بازار کار کنند، ما به عنوان تحلیلگران تکنیکال میدانیم که معامله‌گران میتوانند با استفاده از ابزارهای زمان‌بندی مناسب، یک مزیت مداوم در بازار به دست آورند.

نظریه امواج الیوت از این ایده حمایت میکند که شرکت‌کنندگان بازار همیشه منطقی نیستند و تصمیمات آنها در بازار کاملاً ناشی از منطق نیست. به عبارت دیگر، احساسات نقش بزرگی در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری ایفا میکنند.

بیایید با مطالعه روانشناسی شرکت‌کنندگان بازار در امواج مختلف در طول چرخه، نگاهی به چگونگی تأثیر احساسات انسانی بر قیمت‌های بازار بیندازیم. به طور خاص، ما به آنچه پس از یک روند نزولی پایدار رخ میدهد، خواهیم پرداخت.

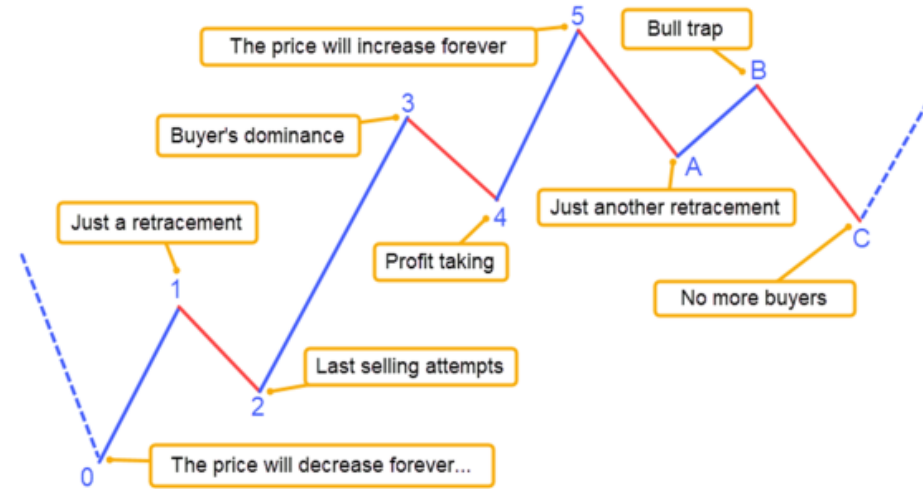


Figure 1-4: Wave personalities

امواج ۱ و ۲

شروع موج ۱ پس از آن آغاز میشود که بازار مدتی در یک روند نزولی پایدار بوده و چشم‌انداز بنیادی همچنان منفی است. در واقع، دیگر هیچ فروشنده‌ای برای پایین بردن بیشتر بازار وجود ندارد، و به همین دلیل، قیمت شروع به افزایش میکند. با این حال، بسیاری از معامله‌گران این حرکت را به عنوان یک اصلاح موقت در یک بازار نزولی تفسیر میکنند و معتقدند که روند نزولی به زودی ادامه خواهد یافت. به دلیل این جنبه روانشناختی، میتوان انتظار داشت که موج ۲ یک اصلاح نسبتاً تند و عمیق از موج ۱ باشد.

موج ۳

فشار فروش اکنون به نقطه اشباع خود رسیده و تقاضای خرید شروع به غلبه بر عرضه میکند. چشم‌انداز بنیادی کم‌کم بهتر به نظر میرسد و ممکن است در این مرحله اخبار یا رویدادهای اقتصادی مثبتی رخ دهد. در نتیجه، خوش‌بینی شروع به شکل‌گیری میکند. پس از شکسته شدن اوج موج ۱، سرمایه‌گذاران بیشتری از تغییر روند آگاه میشوند و به موج جدید می‌پیوندند. آنها شروع به بستن معاملات فروش خود کرده و موقعیت‌های خرید بیشتری اتخاذ میکنند. این افزایش علاقه به خرید در شیب تند و مومنتوم قوی که از ویژگی‌های پرایس اکشن موج ۳ است، مشهود است. موج ۳ معمولاً طولانی‌ترین موج در چرخه است که بهترین پتانسیل سود را ارائه میدهد.

موج ۴

در پایان موج ۳، دیگر هیچ شکی در روند صعودی وجود ندارد. خوشبینی شروع به نفوذ در بازار میکند. به دنبال آن موج ۴ می‌آید که معمولاً یک موج نسبتاً طولانی و کشیده است. در موج ۴، معامله‌گران/سرمایه‌گذارانی که در طول امواج ۱ و ۳ زود وارد شده‌اند، اکنون سود قابل توجهی دارند و شروع به نقد کردن بخشی از موقعیت‌های خود برای تثبیت این سودها میکنند. این فعالیت ردپای پرایس اکشن جانبی را به جا میگذارد که اغلب در موج ۴ دیده میشود. نوسانات نیز در این موج افزایش میابد. در طول موج ۴ است که بسیاری از سیستم‌های دنبال کننده روند توسط سیگنال‌های نادرست دچار ضررهای متوالی میشوند. قیمت در یک محدوده نوسان میکند و به نظر میرسد که بازار به این زودی‌ها به جایی نخواهد رسید.

موج ۵

برخلاف آنچه بسیاری از معامله‌گران ممکن است فکر کنند، با شروع موج ۵ و شروع به جهش قیمت‌ها، بازار آماده حرکت به سمت بالا است. عموم مردم خرده‌فروش بیشتر و بیشتر علاقه‌مند میشوند و این آخرین حرکت صعودی را تقویت میکنند. تیت‌های خبری پر از داستان‌های مثبت است و حتی سرمایه‌گذاران معمولی نیز در مهمانی‌های شام خود در مورد بازارها صحبت میکنند. نشانه‌های ذهنیت گله‌ای خوش‌بینانه در همه جا دیده میشود. پرایس اکشن در موج ۵ تمایل دارد کندتر از موج ۳ باشد و ممکن است یک الگوی واگرایی بین موج ۳ و موج ۵ وجود داشته باشد. دلیل این امر این است که مومنتوم افزایش قیمت در حال کاهش است و اکنون سرمایه‌گذاران کمتری در حاشیه نشسته‌اند. نهادها و معامله‌گران بزرگ در اوایل روند در طول امواج ۱ و ۳ وارد شده‌اند و عموم مردم خرده‌فروش بعداً در طول پیشرفت موج ۵ به آن پیوسته‌اند. اکنون، دیگر کسی برای افزایش بیشتر قیمت‌ها باقی نمانده است.

موج A

جریان در حال تغییر است. با پایان موج ۵، توالی انگیزشی به پایان میرسد و توالی موج اصلاحی آغاز میشود. موج A این توالی را با اصلاح بخش بزرگی از موج ۵ آغاز میکند. در بیشتر مواقع، پرایس اکشن در موج A تند است. با این حال، اکثر معامله‌گران در این مرحله نگران نیستند. آنها آن را صرفاً یک عقب‌نشینی دیگر میبینند - فرصتی برای افزودن به موقعیت‌های خرید خود.

موج B

این تقاضای خرید تازه، قیمت‌ها را در موج B به سمت بالا میبرد، اما موج B یک تله گاوی است که در نهایت جمعیت را جذب کرده و آنها را در طرف اشتباه بازار گرفتار میکند. حرفه‌ای‌ها شروع به دیدن تغییر جریان کرده و در طرف فروش قرار میگیرند. آنها طرف مقابل جریان سفارش را در مقابل عموم مردم خرده‌فروش که در این زمان در حالت سرخوشی هستند، میگیرند. موج B با از بین بردن امید بسیاری، یک رویداد کوتاه مدت خواهد بود و روند فعلی را بالاتر نخواهد برد. در عوض، منجر به ظهور موج C به سمت پایین خواهد شد.

موج C

این موج بسیاری از ویژگی‌های موج ۳ را دارد. این موج C است که گاوها را متقاعد میکند که روند صعودی بالاخره به پایان رسیده است. درک کامل این موضوع زمانی حاصل میشود که کف نوسانی موج A شکسته شود. هنگامی که این درک به وجود می‌آید، آن گاوهایی که در طرف اشتباه بازار گرفتار شده‌اند، برای جبران خود اقدام کرده و به سایر فروشندگان جدید میپیوندند. اکنون اکثر معامله‌گران بر این باورند که بازار صعودی قبلی به پایان رسیده است زیرا آنها به طور فزاینده‌ای در طرف فروش قرار میگیرند. فروشندگان ممکن است با پیشرفت موج C سودهایی کسب کنند. با این حال، درست زمانی که آنها شروع به اطمینان به موقعیت خود میکنند، بازار دوباره به سمت بالا برمیگردد زیرا موج C را تکمیل کرده و چرخه را دوباره تکرار میکند. متأسفانه، بی‌رحمی بازار برای بسیاری از معامله‌گران ناآگاه که ساختار اساسی بازار را درک نمیکنند، هرگز پایان نمیابد.

ما برخی از مفاهیم اساسی اما حیاتی نظریه امواج الیوت و امواج مختلف آن را در هر دو فاز انگیزشی و اصلاحی کشف کردیم. در مجموع، بازارها توسط احساسات انسانی هدایت میشوند و این یک ردپای خاص به جا میگذارد که چشم‌های آموزش‌دیده میتوانند آن را تشخیص داده و از آن بهره‌برداری کنند. هنگامی که میدانیم این چرخه در نمودار قیمت و روانشناسی بازار پشت آن چگونه به نظر میرسد، میتوانیم با اطمینان خود را در موقعیتی قرار دهیم که به جای قربانی شدن حرکات قیمت، از آن استفاده کنیم. در فصل بعد، به اولین نوع موج، یعنی موج انگیزشی، خواهیم پرداخت.

فصل ۲: امواج انگیزشی

چرخه امواج الیوت

برای شروع، بیایید در مورد چرخه‌های موج صحبت کنیم. چرخه‌های موج را میتوان به دو دسته مختلف طبقه‌بندی کرد: امواج انگیزشی و امواج اصلاحی. در حالیکه امواج انگیزشی در جهت روند بزرگتر حرکت میکنند، امواج اصلاحی در خلاف جهت روند بزرگتر حرکت میکنند.

دو نوع موج انگیزشی وجود دارد: ایمپالس‌ها (Impulses) و قطری‌ها (Diagonals)، و قطری‌ها میتوانند بیشتر به قطری‌های پیشرو (Leading) و پایانی (Ending) تقسیم شوند. امواج ایمپالس رایج‌ترین نوع امواج انگیزشی هستند. هم امواج ایمپالس و هم امواج قطری در جهت روند بزرگتر حرکت میکنند. با این حال، قوانین متفاوتی برای هر نوع اعمال میشود. در این فصل، ما بر قوانین مربوط به هر دوی این انواع تمرکز خواهیم کرد.

موج ایمپالس

الگوی موج ایمپالس نشان دهنده یک حرکت قیمت قوی در جهت روند غالب است. امواج ایمپالس به حرکات رو به بالا در یک روند صعودی و حرکات رو به پایین در یک روند نزولی اشاره دارند. در تصویر زیر به یک شکل موج ایمپالس نگاهی می‌اندازیم.



Figure 2-2: Impulse Wave in an uptrend

روی این نمودار، یک نمودار قیمت صعودی پوند/دلار آمریکا در بازه زمانی ۴ ساعته داریم. قیمت‌ها از پایین‌ترین سطح نوسان شروع به حرکت به سمت بالا میکنند تا موج ۱ را تشکیل دهند و سپس برای تشکیل موج ۲ اصلاح میشوند. پس از آن، میتوانیم شاهد مومنتوم قوی در موج ۳ باشیم که به دنبال آن یک عقب‌نشینی کم‌عمق در موج ۴ و یک فشار نهایی به اوج‌های بالاتر در موج ۵ قرار دارد. توجه داشته باشید که چگونه موج‌های ۳ و ۵ در این مثال، یک ساختار پنج موجی با درجه کوچکتر را نیز تشکیل میدهند. بیا بیا نگاهی به یک مثال از الگوی ایمپالس در یک نمودار قیمت نزولی بیندازیم.



Figure 2-3: Impulse Wave in a downtrend

این نمودار روزانه طلا است. قیمت از بالاترین سطح نوسان شروع به حرکت به سمت پایین میکند تا موج ۱ را تشکیل دهد. سپس، یک اصلاح عمیق در موج ۲ مشاهده میکنیم. پس از آن، قیمت به شدت شروع به حرکت نزولی در موج ۳ میکند و به دنبال آن، حرکت قیمت همپوشان در موج ۴ رخ میدهد. در نهایت، یک فشار دیگر به سمت پایین در موج ۵ وجود دارد که پایینترین سطح موج ۳ را شکسته و توالی ایمپالس را تکمیل میکند. در این مثال، موجهای ۳ و ۵ نیز یک ساختار پنج موجی با درجه کوچکتر را تشکیل میدهند.

اصل امواج الیوت سه قانون تخطی‌ناپذیر در ارتباط با امواج ایمپالس دارد:

موج ۲ نمی‌تواند بیش از ۱۰۰ درصد موج ۱ را اصلاح کند.

موج ۳ نمیتواند کوتاه‌ترین موج باشد.

موج ۴ نمی‌تواند وارد محدوده قیمتی موج ۱ شود.

اینها سه قانون قطعی و تغییرناپذیر در هنگام استفاده از اصل امواج الیوت در موج ایمپالس هستند.

اکنون بیایید ساختار ایمپالس را از منظر این سه قانون تخطی‌ناپذیر در نظریه امواج الیوت با دقت بیشتری بررسی کنیم.

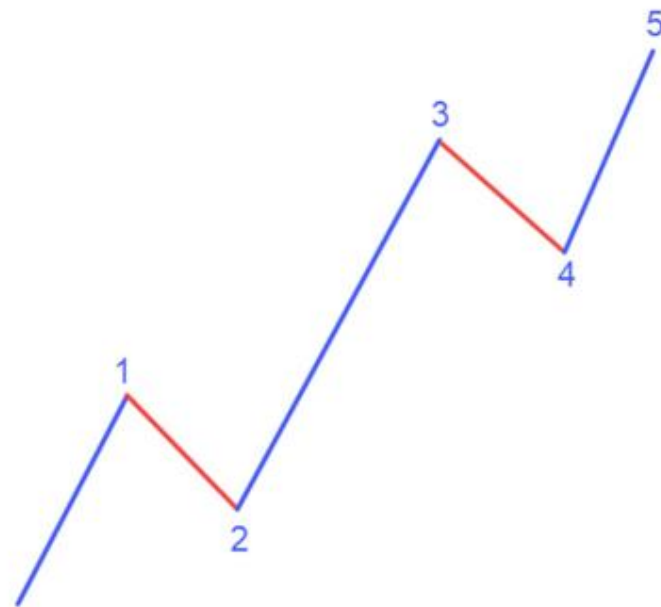


Figure 2-4: Impulse Wave

اولین قانون برای امواج ایمپالس این است که موج ۲ نمیتواند بیش از ۱۰۰ درصد موج ۱ را اصلاح کند. بدیهی است که میبینیم موج ۲ از ابتدای موج ۱ عبور نکرده است، بنابراین قانون اول رعایت شده است. در مرحله بعد، موج ۳ نمیتواند کوتاهترین موج باشد. توجه به این نکته مهم است که موج ۳ لازم نیست طولانیترین موج در توالی ایمپالس باشد، اما نمیتواند کوتاهترین باشد. ما میتوانیم از این نمودار تأیید کنیم که موج ۳ کوتاهترین موج در توالی ایمپالس نیست. در نهایت، موج ۴ نمیتواند وارد محدوده قیمتی موج ۱ شود. در این مثال، میبینیم که پایینترین سطح موج ۴ به طور قابل توجهی بالاتر از بالاترین سطح موج ۱ قرار دارد. بنابراین، میتوانیم تأیید کنیم که این شکل موج تمام شرایط یک موج ایمپالس معمولی را برآورده میکند.

تجربه من نشان میدهد که نقض هر یک از این سه قانون، حتی به جزئیترین شکل، میتواند منجر به معاملات نامطلوب شود.

رهنمودهایی در مورد امواج ایمپالس

اکنون که در مورد قوانین اصلی امواج الیوت صحبت کردیم، بیایید در مورد برخی از رهنمودها صحبت کنیم. اما ابتدا، درک تفاوت بین قوانین و رهنمودها مهم است. باز هم، یک قانون در چارچوب نظریه امواج الیوت قابل نقض نیست. از طرف دیگر، یک رهنمود یک گرایش است. این یک ویژگی بارز است که اغلب رخ میدهد اما هیچ الزامی برای وجود آن وجود ندارد. با این حال، رهنمودها در هدایت ساختار موج بسیار مفید هستند. بیایید سه رهنمود مهم در چارچوب موج ایمپالس را بررسی کنیم.

موج ۳ اغلب قویترین موج است

موج ۳ معمولاً قویترین موج با شیب تندتر و بیشترین مومنتوم در پشت آن خواهد بود. این رهنمود در بازارهای فارکس و سهام گرایش بسیار قوی دارد. با این حال، در بازارهای کالا، اغلب میبینیم که موج ۵ قویترین موج است.

امواج ۱ و ۵ تمایل به برابری دارند

اساساً، طول موج ۱ نسبتاً برابر با طول موج ۵ خواهد بود. هنگامی که موج ۳ طولانیترین موج باشد، که معمولاً در بازار فارکس و سهام چنین است، میتوانیم انتظار داشته باشیم که امواج ۱ و ۵ طول مشابهی داشته باشند. دانستن این موضوع بسیار مفید است زیرا میتواند بینشی در مورد نقطه پایانی احتمالی موج ۵ به ما ارائه دهد. اساساً، میتوانیم طول موج ۱ را از انتهای

موج ۴ برای به دست آوردن یک نقطه پایانی تقریبی برای موج ۵ ترسیم کنیم.

اگر موج ۲ یک اصلاح ساده و تند باشد، موج ۴ به احتمال زیاد یک اصلاح جانبی ساده یا یک اصلاح جانبی پیچیده خواهد بود.

پس از بررسی انواع مختلف ساختارهای اصلاحی در فصل بعد، درک بهتری از این رهنمود خواهیم داشت. با این حال، در حال حاضر، درک این نکته مهم است که امواج اصلاحی در توالی ایمپالس (امواج ۲ و ۴) تمایل به داشتن ویژگی‌های متفاوت دارند. گرایش قوی وجود دارد که موج ۲ یک اصلاح عمیق و تند باشد و موج ۴ یک اصلاح کم‌عمق‌تر و طولانی‌تر باشد. این امر به روانشناسی شرکت‌کنندگان بازار در موج ۲ در مقابل موج ۴ مربوط می‌شود. به یاد داشته باشید که در طول موج ۲، معامله‌گران و سرمایه‌گذاران انتظار فشار مداوم در جهت روند را دارند که منجر به یک اصلاح تند می‌شود. در حالیکه، در موج ۴ سودگیری بیشتری در جریان است و حرکت کمتر تهاجمی است، که منجر به یک اصلاح جانبی و کم‌عمق می‌شود. نکات جالب بسیاری در مطالعه اصل امواج الیوت وجود دارد. در زیر برخی دیگر از قوانین و رهنمودها آورده شده است که می‌تواند در تحلیل حرکت قیمت بسیار مفید باشد.

قوانین اضافی

- موج ۱ می‌تواند یا یک ایمپالس باشد یا یک دیاگونال پیشرو.
- موج ۵ می‌تواند یا یک ایمپالس باشد یا یک دیاگونال پایانی.
- نکته: در بخش بعدی بیشتر در مورد دیاگونال‌های پیشرو و پایانی صحبت خواهیم کرد.

رهنمودهای اضافی

- امواج ۱، ۳ و ۵ تمایل دارند به ۵ موج کوچکتر تقسیم شوند.
- در برخی موارد نادر، موج ۵ نمی‌تواند از موج ۳ فراتر رود. به این وضعیت ترانکیشن (ناقص شدن) گفته می‌شود (در بخش بعدی خواهیم آموخت).
- به احتمال زیاد موج ۳ گسترش می‌یابد و پس از آن موج ۵.
- طول موج ۳ اغلب ۱۶۱ درصد طول موج ۱ است.

- موج ۵ اغلب در خط روندی که از امواج ۱ یا ۳ ترسیم شده و موازی با خط روندی است که انتهای امواج ۲ و ۴ را به هم متصل میکند، به پایان میرسد.
- باز هم، ما هنوز باید برخی از این مفاهیم از جمله ترانکیشن، اکستنشن و خطوط روند موازی را بررسی کنیم. پس از انجام این کار، این رهنمودها برای شما بسیار واضح تر خواهند شد. اما مهم است که من آنها را به خاطر کامل بودن در اینجا قرار دهم.

امواج قطری (Diagonal Waves)

قطری‌های پیشرو (Leading Diagonals)

یک قطری پیشرو یک ساختار موجی است که میتواند در اولین موج در یک ایمپالس پنج موجی منظم (موج ۱) یا در ابتدای دنباله اصلاحی (موج A) یافت شود. یک قطری پیشرو برخی شباهت‌ها با یک موج ایمپالس دارد، از جمله ساختار پنج موجی. با این حال، در برخی نکات با یک موج ایمپالس متفاوت است. در اینجا دو تفاوت کلیدی آورده شده است:

- موج ۱ در یک قطری پیشرو تمایل دارد بزرگترین شاخه در ساختار باشد.
 - امواج ۲ و ۴ یک قطری پیشرو باید همپوشانی داشته باشند.
- اگر از بخش قبلی در مورد ساختار موج ایمپالس به خاطر داشته باشید، موج ۳ تمایل دارد بزرگترین موج در توالی ایمپالس باشد و امواج ۲ و ۴ نمیتوانند همپوشانی داشته باشند. این دو عامل متمایز کننده مهم بین ایمپالس‌ها و قطری‌ها هستند.

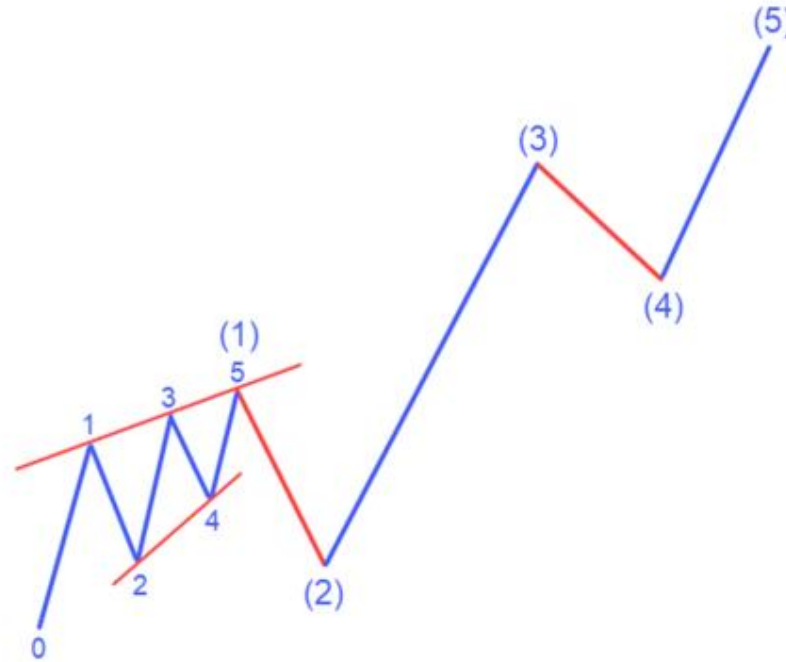


Figure 2-5: Leading Diagonal

در این نمودار، یک قطری پیشرو از نوع منقبض شونده را مشاهده میکنیم. اگر با دقت به این تصویر نگاه کنید و توجه خود را به امواج فرعی درون موج ۱ معطوف کنید، پنج شاخه‌ای را خواهید دید که قطری پیشرو را تشکیل میدهند. علاوه بر این، متوجه خواهید شد که اولین شاخه قطری پیشرو بزرگترین آنهاست و امواج ۲ و ۴ همپوشانی دارند. میتوان یک خط روند را برای اتصال امواج ۱ و ۳ در یک طرف و امواج ۲ و ۴ در طرف دیگر رسم کرد. هر دو خط در این مثال با پیشرفت، به هم نزدیک میشوند و یک قطری منقبض شونده ایجاد میکنند. اگر، با این حال، دو خط روند از یکدیگر دور میشدند، آنگاه آن را یک قطری گسترش‌یابنده مینامیدیم.

قطری‌های پیشرو همان معنای امواج ایمپالس را دارند و جهت روند بزرگتر را نشان می‌دهند. آنها معمولاً برای طی کردن مسیر خود زمان بیشتری نسبت به ایمپالس‌ها نیاز دارند، در حالیکه ایمپالس‌ها میتوانند در مدت زمان کوتاهی مسافت زیادی را پوشش دهند. پس از تکمیل شدن الگوی قطری پیشرو، حرکت قیمت برای تشکیل موج ۲ از دنباله ایمپالس یا موج B از دنباله اصلاحی پیش خواهد رفت.

اکنون، بیایید ببینیم یک قطری پیشرو در یک نمودار قیمت واقعی چگونه به نظر میرسد:



Figure 2-6: Leading Diagonal Structure

این نمودار روزانه جفت ارز دلار استرالیا/دلار آمریکا است. موج اول این روند نزولی ایمپالس ۵ موجی، یک قطری پیشرو است که از پنج موج فرعی با علامت‌های ۱-۲-۳-۴-۵ تشکیل شده است. توجه داشته باشید که ما یک کانال داریم که طبیعتاً منقبض میشود و به نظر میرسد هر موج درون کانال از موج بعدی کوچکتر است. پس از تکمیل این الگوی قطری، قیمت اوزی کمی اصلاح شد تا موج ۲ را تشکیل دهد و سپس در امواج ۳ و ۵ به شدت سقوط کرد.

قطری های پایانی:

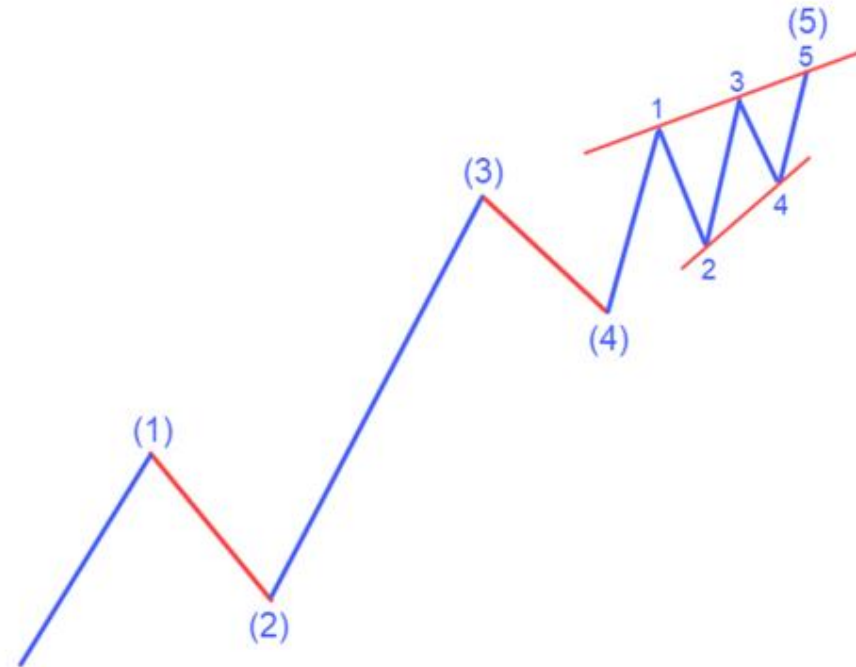


Figure 2-7: Ending Diagonal

اکنون بیاید توجه خود را به دسته دوم قطری ها معطوف کنیم: قطری پایانی. یک قطری پایانی، همانطور که از نامش پیداست، یک ساختار موجی است که میتواند در انتهای دنباله ایمپالس پنج موجی (موج ۵) یا در انتهای اصلاح A-B-C (موج C) یافت شود. قطری های پایانی شایع تر از قطری های پیشرو هستند. تحلیلگران فنی سنتی این الگو را به عنوان یک الگوی گوه که در مراحل پایانی یک روند رخ میدهد، میشناسند. قطری های پایانی یک فرصت معاملاتی عالی برای کسانی که میتوانند پیشرفت آن را در چرخه تشخیص دهند، ارائه میدهند. به طور معمول، پس از شکسته شدن خط روند ۲-۴ قطری، یک واکنش سریع در جهت مخالف روند کلی مشاهده خواهیم کرد. در آن زمان، ما میخواهیم از مومنتوم پس از آن شکست استفاده کنیم.

همانند قطری‌های پیشرو، قطری‌های پایانی نیز از پنج موج تشکیل شده‌اند که با اعداد ۱ تا ۵ برچسب‌گذاری میشوند. علاوه بر این، موج ۱ در قطری پایانی تمایل دارد بزرگترین شاخه در ساختار باشد، در حالی که امواج ۲ و ۴ قطری پایانی باید همپوشانی داشته باشند. اغلب، شاهد خواهیم بود که قیمت‌ها از خط روندی که امواج ۱ و ۳ را در قطری پایانی به هم متصل میکند، فراتر میروند. به این وضعیت "پرتاب‌شدگی" (throwover) گفته میشود. این زمانی است که بازار یک فشار نهایی وارد میکند قبل از اینکه روند نهایتاً تغییر کند و حرکت قیمت متعاقباً معکوس شود.

یک سوال که اغلب در مورد قطری‌ها مطرح میشود این است که "آیا قطری پیشرو یا پایانی باید در ساختار ۳-۵ وجود داشته باشد؟" پاسخ "نه" است.

همانطور که اشاره کردیم، قطری‌های پیشرو میتوانند در موج ۱ یا موج A رخ دهند. با این حال، هیچ الزامی برای وجود آن وجود ندارد و در واقع، در بیشتر موارد در ساختار کلی وجود نخواهد داشت. همین امر در مورد قطری‌های پایانی نیز صادق است.



Figure 2-8: Ending Diagonal Structure

در این مثال، نمودار قیمت جفت ارز دلار استرالیا/ین ژاپن در بازه زمانی ۴ ساعته را مشاهده میکنیم. توجه داشته باشید که پس از یک کاهش قوی در موج ۳ و یک اصلاح جزئی در موج ۴، قیمت‌ها با حرکت به سمت پایین شروع به تثبیت کردند. این نوع حرکت قیمت در مراحل پایانی روند اغلب میتواند ما را به احتمال وجود یک قطری پایانی در حال شکل‌گیری راهنمایی کند. میبینیم که موج ۱ قطری پایانی بزرگترین شاخه را در ساختار دارد و امواج ۲ و ۴ همپوشانی دارند. اندکی بعد، قیمت‌ها شروع به معکوس شدن کردند و با شکست رو به بالای خط روند قطری ۲-۴، یک فرصت خرید قوی ایجاد می‌شد.

زیربخش (Subdivision)

اکنون که تفاوت بین قطری پیشرو و پایانی را درک کردیم، بیایید نگاهی به ساختار داخلی هر یک بیندازیم.

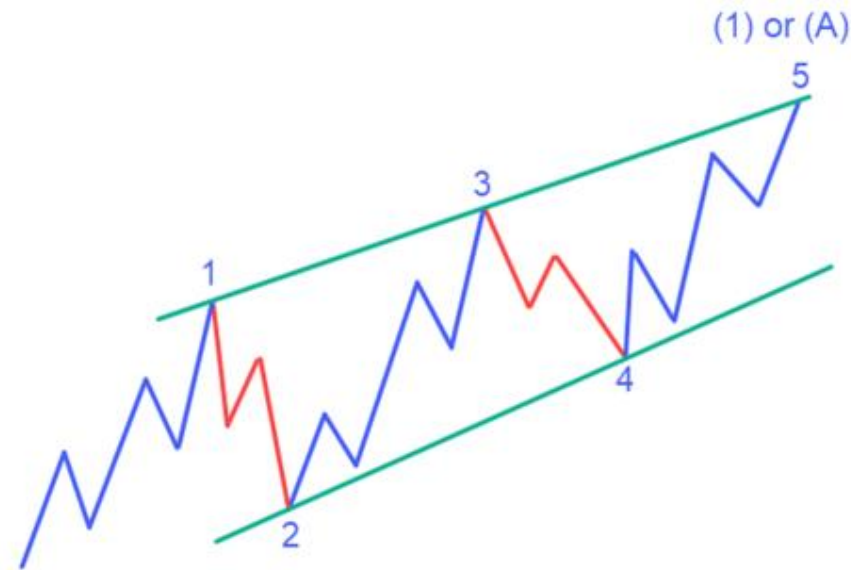


Figure 2-9: Leading diagonal subdivision

با قطری پیشرو شروع میکنیم. قطری پیشرو یک ساختار موجی داخلی ۵-۳-۵ دارد، به این معنی که:

- شاخه‌های اول، سوم و پنجم به پنج موج با درجه کوچکتر تقسیم میشوند.
 - شاخه‌های دوم و چهارم به سه موج با درجه کوچکتر تقسیم میشوند.
- ساختار موج ایمپالس که در بخش قبلی مورد بحث قرار دادیم نیز یک ساختار ۵-۳-۵ است. توجه داشته باشید که موج با درجه بالاتر با (۱) یا (A) برچسب‌گذاری شده است زیرا میدانیم که یک قطری پیشرو فقط میتواند در این دو موقعیت رخ دهد.

اکنون بیایید توجه خود را به زیربخش قطری پایانی معطوف کنیم.

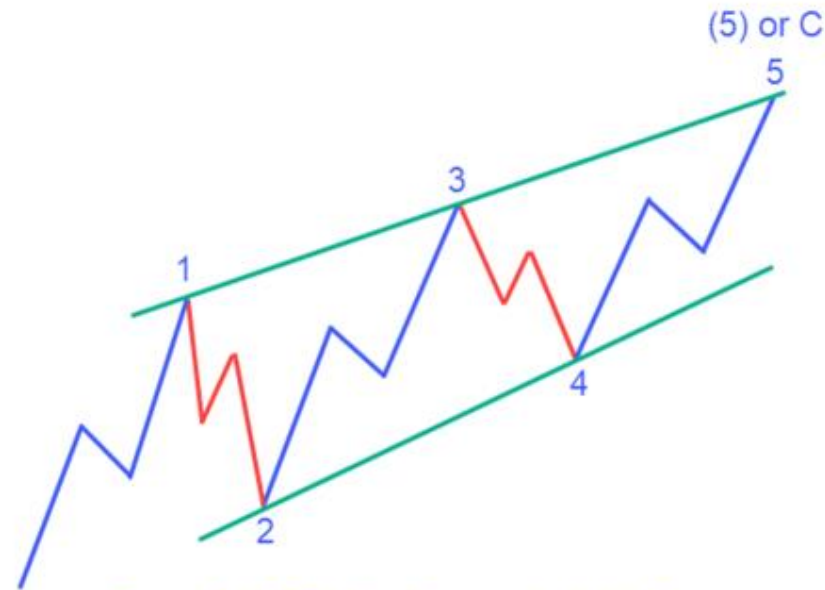


Figure 2-10: Ending diagonal subdivision

با مقایسه این ساختار با قطری پیشرو، چه چیزی بیشتر از همه به چشم میخورد؟ خب، اگر گفتید که زیربخش‌ها متفاوت به نظر میرسند، کاملاً درست گفته‌اید. قطری پایانی یک ساختار موجی داخلی ۳-۳-۳-۳-۳ دارد، به این معنی که هر شاخه در ساختار به سه موج کوچکتر تقسیم میشود. به طور معمول، هر یک از این زیربخش‌ها یک زیگزاگ ساده A-B-C است. توجه داشته باشید که موج با درجه بالاتر در این مورد با (۵) یا (C) برچسب‌گذاری شده است زیرا میدانیم که یک قطری پایانی فقط میتواند در موقعیت موج (۵) یا موج (C) رخ دهد. اکنون، بیایید برخی از قوانین و رهنمودهای مربوط به امواج قطری که تاکنون مورد بحث قرار داده‌ایم را خلاصه کنیم تا بتوانیم به تثبیت این مفاهیم در ذهن خود کمک کنیم.

قوانین امواج قطری:

- قطری‌های پیشرو میتوانند در موج (۱) یا موج (A) ظاهر شوند.
- قطری‌های پایانی میتوانند در موج (۵) یا موج (C) ظاهر شوند.
- قطری‌ها به ۵ موج فرعی تقسیم میشوند.
- هر موج از یک قطری پایانی به ۳ موج کوچکتر تقسیم میشود.
- امواج ۱ و ۴ همپوشانی دارند.

رهنمودهای امواج قطری:

- موج ۱ تمایل دارد بزرگترین موج در بین امواج ۱، ۳ و ۵ در هر دو قطری پیشرو و پایانی باشد.
- یک قطری پیشرو اغلب به ساختار ۵-۳-۵-۳-۵ تقسیم میشود.
- در یک قطری منقبض‌شونده، موج ۵ اغلب کمی فراتر از خط روندی که امواج ۱ و ۳ قطری را به هم متصل میکند، به پایان میرسد.
- در یک قطری گسترش‌یابنده، موج ۵ اغلب کمی قبل از خط روندی که امواج ۱ و ۳ قطری را به هم متصل میکند، به پایان میرسد.
- اگر موج ۱ یک قطری پیشرو یا موج ۵ یک قطری پایانی باشد، آنگاه به احتمال زیاد موج ۳ موج گسترش‌یافته خواهد بود.

ترانکیشن (ناقص شدن) و اکستنشن (گسترش)

ترانکیشن (ناقص شدن)

همانطور که از بخش مربوط به امواج ایمپالس آموختیم، موج ۵ یک ایمپالس معمولاً از اوج موج ۳ فراتر میرود. با این حال، گاهی اوقات موج ۵ در انجام این کار ناکام میماند. هنگامی که این اتفاق میافتد، به آن شکست موج ۵ یا به سادگی ترانکیشن گفته میشود.

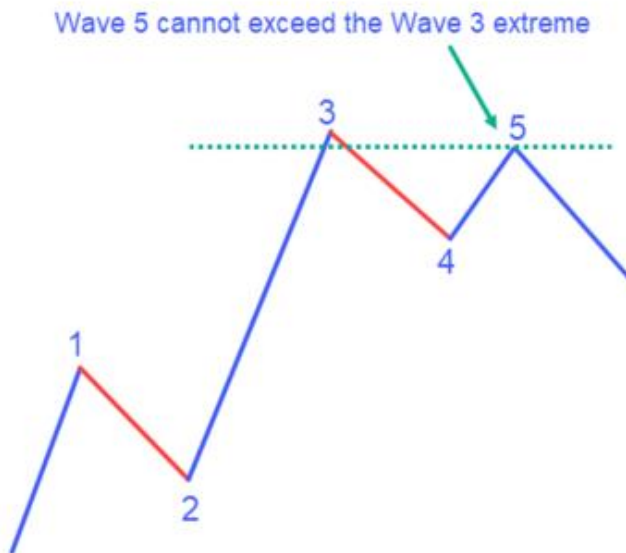


Figure 2-11: Truncation

این نمودار نشان میدهد که یک ترانکیشن چگونه به نظر میرسد. توجه داشته باشید که موج ۵ نمیتواند از بالای موج ۳ فراتر رود. در تحلیل تکنیکال سنتی، این اغلب شبیه یک سقف دوقلو در یک روند صعودی و یک کف دوقلو در یک روند نزولی است.

حتی اگر موج ۵ ناقص شده باشد، زیربخش‌های آن همچنان برقرار خواهند بود. منظورم این است که این موج ۵ هنوز به پنج موج کوچکتر تقسیم میشود. امواج پنج ناقص یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های اصل امواج الیوت هستند. بزرگترین چالش این است که شما نمیتوانید یک ترانکیشن را پیش‌بینی کنید. فقط میتوانید حدس بزنید. با این حال، این واقعیت که یک موج پنج ناقص از هر صد بار یک بار اتفاق میافتد، حدس زدن را بی‌معنی میکند. من میگویم که ۹ بار از ۱۰ بار، آنچه به نظر میرسد یک موج پنج ناقص باشد، در واقع فقط مراحل اولیه یک موج پنج معمولی است. از این رو، یک معامله‌گر باید در انجام این طبقه‌بندی بسیار مراقب باشد. در اینجا یک مثال واقعی از شکست موج پنج یا ترانکیشن، همانطور که معمولاً نامیده میشود، آورده شده است.



Figure 2-12: Truncation

این ترانکیشن در جفت ارز پوند استرلینگ/فرانک سوئیس در نمودار ۱ ساعته رخ داد. تا موج ۴، به نظر میرسد که حرکت قیمت در امتداد یک توالی موج ایمپالس معمولی پیش میرود. با شروع حرکت قیمت به سمت بالا در موج ۵، یک تلاش برای عبور از اوج موج ۳ بدون موفقیت انجام شد. به نوار بلند در آخرین کندل درون موج ۵ توجه کنید که توانست قبل از معکوس شدن قوی به سمت پایین، به اوج موج ۳ برسد. از این رو، ما میتوانیم یک موج ۵ ناقص را در این مثال تأیید کنیم.

اکستنشن (گسترش)

اکستنشن یکی دیگر از موضوعات مهم مربوط به امواج ایمپالس است. برخلاف ترانکیشن‌ها که از حداقل پیش‌بینی قیمت مورد انتظار خود کوتاه‌تر هستند، اکستنشن‌ها موج‌هایی هستند که به نظر میرسند طولانی یا بیش از حد طولانی هستند. اگرچه اکستنشن‌ها میتوانند در هر یک از امواج ایمپالس ۱، ۳ یا ۵ ظاهر شوند، رایج‌ترین موج گسترش‌یافته موج ۳ است. هنگامی که یک اکستنشن وجود دارد، اغلب به صورت یک ساختار ۹ موجی در دنباله ایمپالس ۵ موجی کلی ظاهر میشود. همچنین، موج ۳ از ۳ بالاترین مومنتوم را در ساختار کلی ثبت خواهد کرد.

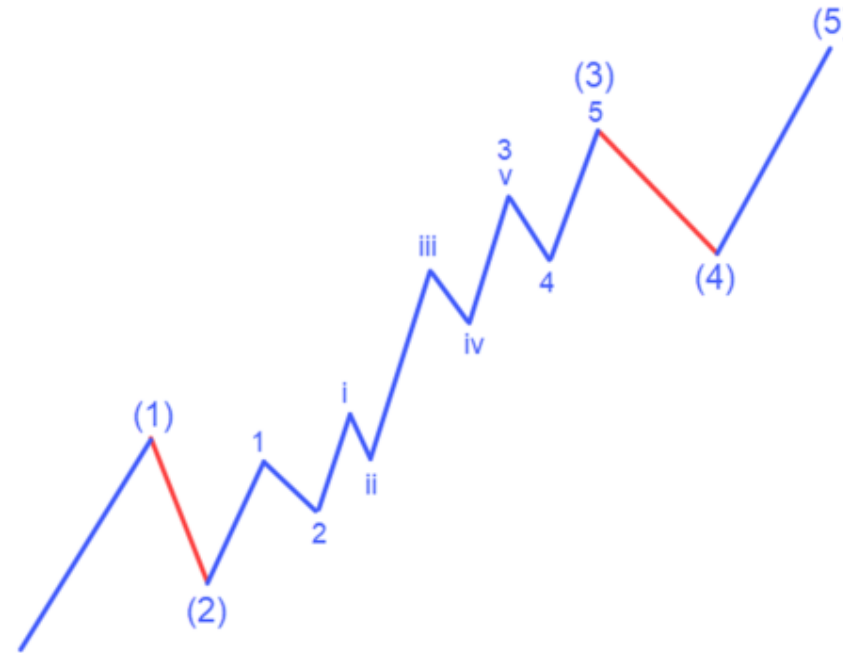
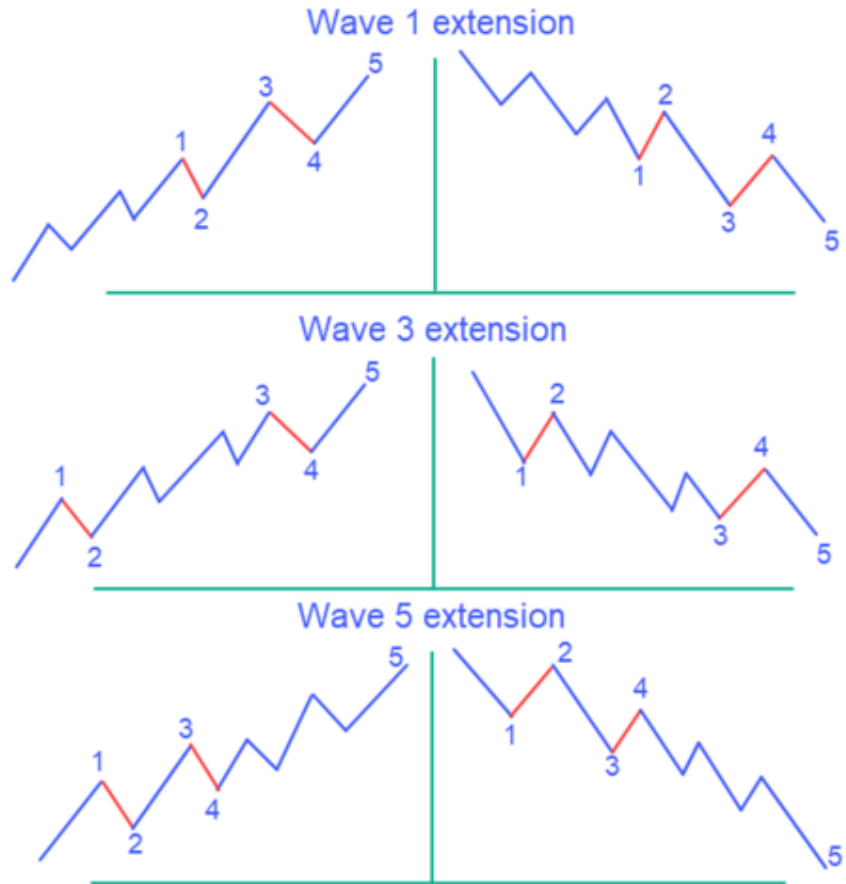


Figure 2-13: Extension

به این نمودار نگاهی بیندازید. این نمونه‌ای از اکستنشن موج سوم است. در این حالت، ما در کل ساختار ۱۳ موج داریم. اغلب میتوانید یک سری از یک‌ها و دوها را در ابتدای ساختار مشاهده کنید که برچسب‌گذاری شده‌اند.

اکنون، بیایید اکستنشن‌ها را در موقعیت‌های مختلف موج ایمپالس به صورت بصری مقایسه کنیم.



نمودار بالا نشان میدهد که اکستنشن موج اول در یک بازار صعودی و نزولی چگونه به نظر میرسد. توجه داشته باشید که چگونه موج اول به پنج موج کوچکتر تقسیم میشود و طولانیترین موج در توالی ایمپالس است. همچنین، موج اول کمترین احتمال گسترش را دارد.

نمودار دوم نشان میدهد که اکستنشن موج سوم چگونه به نظر میرسد. توجه داشته باشید که حداقل اکستنشن برای یک موج ۳ گسترش یافته، ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ است که به انتهای موج ۲ اضافه شده است. همانطور که چندین بار اشاره کردیم، موج ۳ به احتمال زیاد در فاز ایمپالس گسترش میابد. اگرچه نمیتوانیم این را دقیقاً به صورت درصد بیان کنیم، اما میگوییم بیش از ۷۰ درصد اکستنشنها در موقعیت موج ۳ رخ میدهند.

در نهایت، نمودار آخر یک اکستنشن موج پنجم را نشان میدهد. این دومین موجی است که به احتمال زیاد گسترش میابد. در این سناریو، قیمت در موج بعدی (موج A) اغلب حداقل ۶۱.۸ درصد طول موج پنجم را پس از تکمیل توالی ایمپالس اصلاح میکند. توجه داشته باشید که ساختار هر سه را میتوان به عنوان یک توالی نه موجی از ابتدا تا انتها مشاهده کرد.

اکنون بیایید به چند مثال واقعی از اکستنشنها نگاه کنیم.



Figure 2-15: Wave 3 extension

این نمودار یک اکستنشن موج سوم را در قیمت طلا نشان میدهد. توجه داشته باشید که چگونه موج (۳) بزرگترین موج در توالی درجه متوسط است. این موج گسترش یافته است و زیربخش آن به وضوح با اعداد ۱ تا ۵ مشخص شده است.

بیایید نگاهی به مثال دیگری از یک موج پنجم گسترش یافته بیندازیم. به یاد داشته باشید که اکستنشن در موج ۵ بیشتر در کالاها دیده میشود تا در سایر بازارها، به ویژه در نمودارهای روزانه و هفتگی.



در این مثال، یک نمودار هفتگی نفت خام را مشاهده میکنیم. اکستنشن موج پنجم در این نمودار کاملاً مشهود است. حرکت قیمت در مراحل پایانی این روند صعودی در موج ۵ به صورت سهموی درآمد. زیربخش‌ها در داخل موج (۵) مشخص شده‌اند. در واقع، اگر با دقت به موج ۵ در داخل موج بزرگتر (۵) نگاه کنید، متوجه خواهید شد که آن نیز موج گسترش‌یافته در توالی ایمپالس است.

نامگذاری امواج

بیایید کمی تغییر موضوع دهیم و در مورد برخی از قراردادهای نامگذاری مربوط به امواج الیوت صحبت کنیم. همانطور که تا الان میدانید، بازارها طبیعتی فراکتالی دارند و امواج با درجه بزرگتر از امواج با درجه کوچکتر تشکیل شده‌اند. این اتفاق در بازار در تمام درجات، از نمودارهای سالانه گرفته تا نمودارهای ساعتی و دقیقه‌ای رخ میدهد. همانطور که ممکن است تصور کنید، برای تحلیلگران امواج الیوت بدون استفاده از نوعی قرارداد نامگذاری، بیان درجه روند بسیار دشوار است. خوشبختانه، یک سیستم نامگذاری وجود دارد که بسیاری از کاربران امواج الیوت از آن استفاده میکنند. با شروع از بزرگترین درجه روند، ما نه نامگذاری به شرح زیر داریم:

Wave Degree	5s With the Trend					3s Against the Trend		
	(↑ next is Arabic symbols)					(↑ next is caps)		
Grand Supercycle	①	②	③	④	⑤	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Supercycle	(I)	(II)	(III)	(IV)	(V)	(a)	(b)	(c)
Cycle	I	II	III	IV	V	a	b	c
Primary	①	②	③	④	⑤	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Intermediate	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	(A)	(B)	(C)
Minor	1	2	3	4	5	A	B	C
Minute	①	②	③	④	⑤	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Minuette	(i)	(ii)	(iii)	(iv)	(v)	(a)	(b)	(c)
Subminuette	i	ii	iii	iv	v	a	b	c
	(↓ next is Arabic symbols)					(↓ next is caps)		

Figure 2-17: Wave naming (source: bullwaves.org)

در کنار هر نامگذاری، میتوانید برچسب‌های موج ایمپالس و موج اصلاحی را مشاهده کنید.

در نگاه اول، این سیستم نامگذاری ممکن است بسیار پیچیده به نظر برسد، اما خوشحال خواهید شد که بدانید واقعاً نیازی به حفظ کردن این سیستم نامگذاری ندارید. از نظر عملی، وقتی معامله میکنیم، نگران تمام درجات روند نیستیم. درک مفاهیم اساسی پشت امواج ایمپالس و اصلاحی مهم‌تر است. امواج ایمپالس با اعداد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و امواج اصلاحی با حروف A، B و C برچسب‌گذاری میشوند.

تاکنون، جنبه‌های زیادی را در مورد امواج حرکتی که شامل ایمپالس‌ها و قطری‌ها میشوند، پوشش داده‌ایم. در فصل بعد، به هر آنچه که برای دانستن در مورد امواج اصلاحی نیاز دارید، خواهیم پرداخت. امیدوارم برای آن آماده باشید.

فصل ۳: امواج اصلاحی

فاز اصلاحی

اصل امواج الیوت یک نقشه راه برای حرکات بازار ارائه میدهد. هنگامی که درک کنیم این نقشه راه چگونه به نظر میرسد، میتوانیم از این حرکات قیمت در چرخه‌های موج مختلف بهره ببریم. تاکنون، ما در مورد ساختار موج حرکتی صحبت کرده‌ایم که بیشتر به موج ایمپالس و موج قطری تقسیم میشود. همچنین باید بدانیم که هر دنباله حرکتی پنج موجی با یک دنباله اصلاحی سه موجی دنبال میشود.

به خاطر داشته باشید که اصطکاک و فشار ناشی از روند درجه بالاتر مانع از تبدیل شدن یک ساختار اصلاحی به یک ساختار ایمپالس میشود.

این را به عنوان یک طناب‌کشی در نظر بگیرید که در آن روند درجه بالاتر فشار بسیار بیشتری را نسبت به فاز اصلاحی بر قیمت‌ها وارد میکند. اگرچه فاز اصلاحی میتواند پیشرفت روند را کند کند، اما در نهایت تحت تأثیر فشار چرخه‌ای کلی روند درجه بالاتر قرار خواهد گرفت. بسیاری از انواع استراتژی‌های دنباله‌روی روند در فاز ایمپالس بسیار خوب عمل میکنند، اما تمایل دارند بخش بزرگی از سود خود را در فاز اصلاحی پس دهند. این استراتژی‌ها زمانی بیشترین سود را کسب میکنند که به اندازه کافی خوش شانس باشند که موج گسترش‌یافته را در دنباله ایمپالس شکار کنند. با این حال، این استراتژی‌ها ناگزیر در طول اصلاحات با دوران سختی روبرو میشوند زیرا تمایل دارند به شدت نوسان کنند و بیشتر یا تمام سود خود را پس دهند. چرا اینقدر برای دنباله‌روهای روند اتفاق میافتد؟ به یاد داشته باشید که روندهای قابل معامله فقط حدود ۳۰ درصد مواقع وجود دارند. بیشتر اوقات، بازارها فقط در یک فاز اصلاحی در حال تثبیت هستند. استراتژی‌های دنباله‌روی روند خالص بیشتر واکنشی هستند تا پیش‌بینی‌کننده. از این رو، تمایل دارند دیر وارد و دیر خارج شوند. از طرف دیگر، اصل امواج الیوت یک چارچوب ارزشمند برای درک حرکات پیش‌بینی‌کننده بازار ارائه میدهد. به ما میگوید چه زمانی باید در بازار باشیم و چه زمانی خارج شویم. ما میتوانیم یک مزیت ارزشمند کسب کنیم که ۹۰ درصد معامله‌گران از آن برخوردار نیستند.

در این فصل، شروع به بررسی ساختارهای اصلاحی خواهیم کرد. درک الگوهای مختلف اصلاحی بسیار مهم است. به خاطر داشته باشید که بیشتر فرصت‌های معاملاتی در پایان یک الگوی اصلاحی و در تلاش برای گرفتن حرکت ایمپالس بعدی رخ میدهند. با این حال، یافتن پایان دنباله اصلاحی در برخی مواقع چالش برانگیز است زیرا تغییرات مختلفی وجود دارد. با

پیشرفت، خواهیم دید که قوانین و رهنمودهای خاصی وجود دارد که میتوانند در این راه به ما کمک کنند. هرچه بیشتر در مورد ساختارهای اصلاحی بیاموزیم، برای قرار گرفتن در موقعیت مناسب برای حرکت بعدی در بازار آمادگی بهتری خواهیم داشت.

انواع الگوهای اصلاحی

اساساً، دو نوع ساختار اصلاحی وجود دارد: اصلاحات تند و اصلاحات جانبی. همانطور که از نامش پیداست، یک اصلاح تند زمانی رخ میدهد که قیمت به طور قابل توجهی به محدوده موج قبلی باز میگردد. از طرف دیگر، یک اصلاح جانبی زمانی اتفاق میافتد که اصلاح قیمت نسبتاً کم عمق و طولانی باشد. از نظر اصل امواج الیوت، سه نوع ساختار اصلاحی وجود دارد: زیگزاگها، فلتها و مثلثها. در حالیکه اصلاحات زیگزاگ در دسته اصلاحات تند قرار میگیرند، فلتها و مثلثها از نوع جانبی هستند. صرف نظر از نوع ساختار اصلاحی، همه آنها برای مختل کردن روند بزرگتر عمل میکنند. پس از تکمیل شدن شکل اصلاحی، قیمت به حرکت در جهت روند غالب ادامه خواهد داد.

الگوی زیگزاگ

الگوی زیگزاگ سادهترین و رایجترین نوع الگوهای اصلاحی در بازار است. این الگو در نمودار قیمت شبیه یک صاعقه به نظر میرسد. الگوی زیگزاگ در جهت مخالف روند کلی حرکت میکند و با حروف A، B و C برچسبگذاری میشود. این الگو اغلب در موقعیت موج ۲ پس از یک حرکت طولانی قیمت ظاهر میشود. معاملهگران متقاعد نشدهاند که تغییر روند قریب الوقوع است و آن را به عنوان یک اصلاح جزئی در روند بزرگتر میبینند. به دلیل این اصل روانشناختی، موج ۲ تمایل دارد یک اصلاح تند را به شکل الگوی زیگزاگ تشکیل دهد. بیایید برخی از ویژگیهای الگوی زیگزاگ را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم.

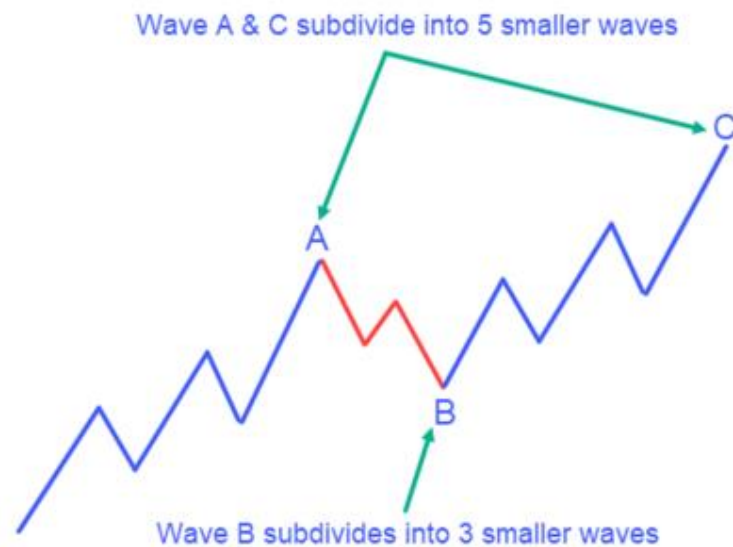


Figure 3-1: Zigzag pattern

الگوی زیگزاگ از سه شاخه تشکیل شده است که با حروف A، B و C برچسب گذاری میشوند. الگوی A-B-C در یک زیگزاگ یک ساختار موجی داخلی ۵-۳-۵ را تشکیل میدهد. علاوه بر این، امواج A و C یک زیگزاگ تمایل به برابری دارند و موج B بیش از ۶۱.۸ درصد موج A را اصلاح نخواهد کرد. این ویژگی‌ها برای پیش‌بینی هم شروع و هم پایان موج C یک زیگزاگ بسیار مفید هستند. بیا بیا ببینیم یک زیگزاگ در نمودار قیمت چگونه به نظر می‌رسد.



Figure 3-2: Zigzag pattern

در مثال بالا، بازار برای مدتی در یک روند صعودی بوده است. شما میتوانید یک زیگزاگ اصلاحی نزولی را مشاهده کنید که از موج ۱ به موج ۲ حرکت میکند. به امواج A-B-C ساختار زیگزاگ توجه کنید و دقت کنید که چگونه امواج A و C از نظر طول نسبتاً قابل مقایسه هستند. هنگامی که موج C به طول موج A رسید، انتظار داریم قیمت‌ها معکوس شده و در جهت روند بلندمدت، که در این مورد صعودی است، حرکت کنند.

الگوهای فلت (Flat Patterns)

دومین نوع ساختار اصلاحی، فلت نامیده میشود.

سه نوع اصلاح فلت وجود دارد: فلت منظم، فلت گسترده و فلت رونده. از این انواع، فلت منظم و فلت گسترده تمایل بیشتری به وقوع دارند، در حالیکه فلت رونده کمترین شیوع را دارد.

نوع فلت بر اساس نحوه حرکت امواج B و C در ساختار کلی تعیین میشود. اصلاحات فلت ظاهراً شباهتهایی با زیگزاگها دارند، اما تفاوت‌های مشخصی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، برخلاف زیگزاگ که یک شکل موج داخلی ۵-۳-۵ دارد، فلت دارای یک شکل موج داخلی ۵-۳-۳ است، از این رو الگوی فلت به عنوان یک الگوی اصلاحی-اصلاحی-ایمپالس معامله میشود. علاوه بر این، در حالی که زیگزاگها اغلب در موقعیت موج ۲ ایمپالس یافت میشوند، فلتها بیشتر در موقعیت موج ۴ ایمپالس یافت میشوند.

مشابه زیگزاگها، فلتها نیز از سه موج تشکیل شده‌اند که با حروف A، B و C برچسب‌گذاری میشوند. به نحوه تقسیم امواج A و B به سه موج توجه کنید. شاخه‌هایی در فلت - موج C - به پنج موج تقسیم میشود. اگر متوجه شوید که اولین شاخه در ساختار اصلاحی (موج A) به صورت یک زیربخش پنج موجی در حال شکل‌گیری است، میتوانید انتظار یک الگوی زیگزاگ کلی را داشته باشید. از طرف دیگر، اگر متوجه شوید که موج A یک زیربخش سه موجی است، میتوانید نسبتاً مطمئن باشید که ساختار اصلاحی یا یک فلت خواهد بود یا یک مثلث (به زودی در مورد مثلثها خواهیم آموخت).

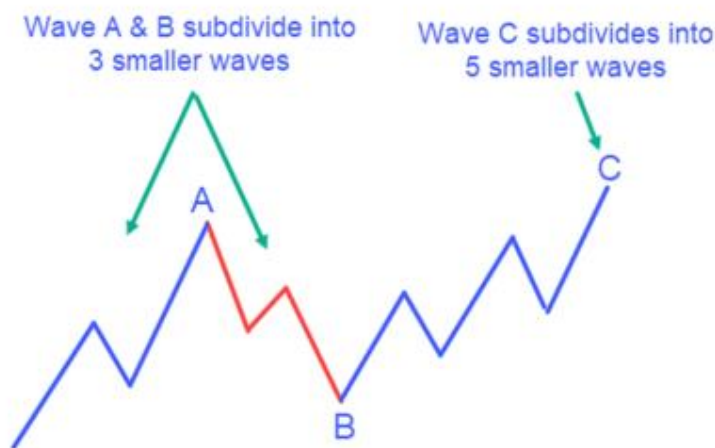


Figure 3-3: Flat pattern

فالت منظم

اکنون، بیایید در مورد اولین نوع اصلاح فالت - فالت منظم - صحبت کنیم.

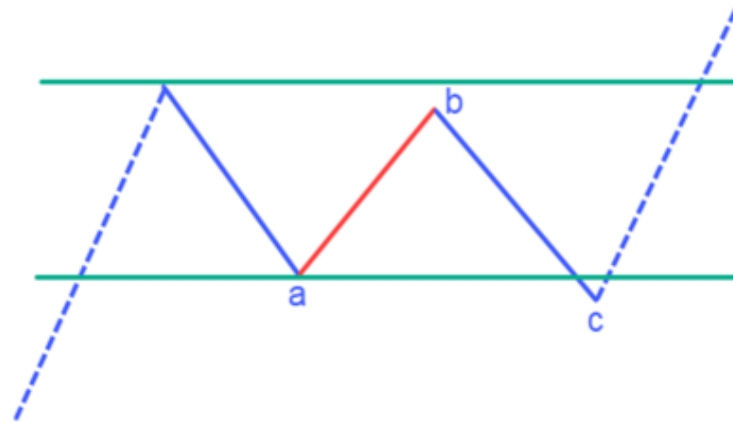


Figure 3-4: Regular flat

فالت منظم یک نوع رایج از فالت است. با توجه به نمودار بالا که یک روند صعودی و به دنبال آن یک ساختار اصلاحی فالت منظم را نشان میدهد، متوجه برخی از ویژگی‌های مهم فالت منظم خواهید شد. پس از تکمیل موج A، به نظر میرسد که موج B فاقد مومنتوم خلاف جهت روند است و نزدیک به ابتدای موج A به پایان میرسد. یک اصلاح معمولی موج B حداقل ۸۰ درصد اما نه بیشتر از ۱۰۰ درصد موج A خواهد بود. علاوه بر این، موج C کل موج B را اصلاح میکند و کمی پایین‌تر از آن به پایان میرسد، نه به طور قابل توجهی پایین‌تر مانند زیگزاگ‌ها.

فلت منظم

اکنون، بیایید در مورد اولین نوع اصلاح فلت - فلت منظم - صحبت کنیم.



Figure 3-5: Regular flat pattern

در اینجا نموداری نشان داده شده است که نمونه‌ای از یک اصلاح فلت منظم را در یک بازار نزولی کلی نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که چگونه موج B در این ساختار فلت منظم بیش از ۸۰ درصد اما کمتر از ۱۰۰ درصد موج A را اصلاح می‌کند. همچنین، موج C در این مثال کمی فراتر از انتهای موج A به پایان می‌رسد.

فالت گسترده

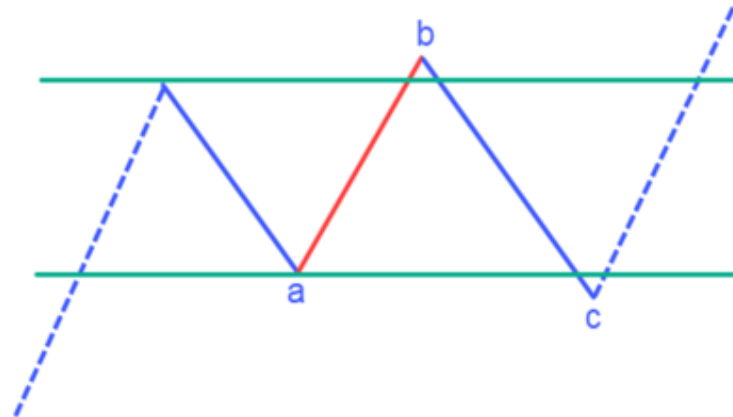


Figure 3-6: Expanding flat

بیایید به فالت گسترده بپردازیم. در این نوع فالت، موج B بیش از ۱۰۰ درصد موج A را اصلاح میکند. این تفاوت اصلی بین یک فالت منظم و یک نوع گسترده است. موج C، مشابه فالت منظم، پایین‌تر از انتهای موج A حرکت میکند.

فالت‌های گسترده در یک بازار نسبتاً قوی رخ میدهند. قدرت پشت روند کلی به قدری زیاد است که اینرسی آن قیمت را مجبور میکند در طول تشکیل موج B از اوج موج A فراتر رود. بیایید توجه خود را به این اصلاح فالت گسترده در یک روند نزولی معطوف کنیم.



Figure 3-7: Expanding flat pattern

این مثال یک فلت گسترده را در یک روند نزولی نشان میدهد. توجه کنید که چگونه موج B از پایین موج A فراتر میرود و سپس برای تشکیل موج C بالاتر میرود، که اوج موج A را میشکند. اگر با دقت به زیرساختار موج C نگاه کنید، پنج موج داخلی را در آن شاخه خواهید یافت. پس از تکمیل موج C، میتوانیم انتظار داشته باشیم که قیمت‌ها در جهت روند کلی، که در این مورد نزولی است، به حرکت خود ادامه دهند.

فلت رونده

فالت رونده

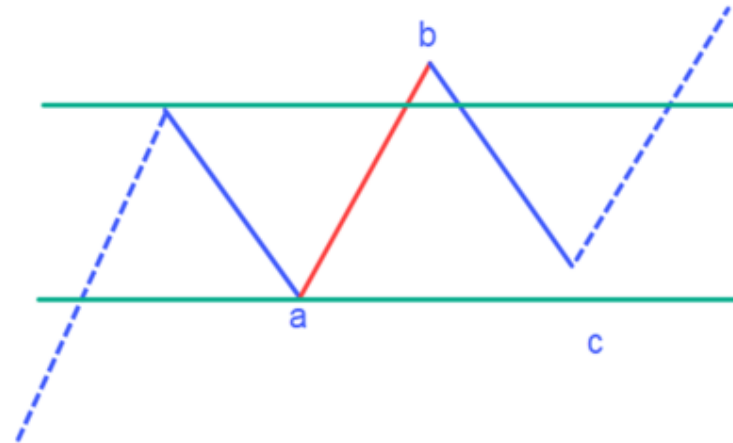


Figure 3-8: Running flat

آخرین نوع در این فهرست، فالت رونده است. فالت رونده کمترین نوع رایج اصلاح فالت است.

در یک فالت رونده معمولی، موج B به یک اوج جدید میرسد و از نقطه شروع موج A فراتر میرود. با این حال، برخلاف فالت گسترده، موج C در یک فالت رونده نمیتواند به نقطه پایانی موج A برسد. اساساً، در یک روند صعودی، موج C کف بالاتری نسبت به موج A خواهد داشت، و در یک روند نزولی، موج C سقف پایینتری نسبت به موج A خواهد داشت.

این به ما چه میگوید؟ میتوانیم بگوییم بازار بسیار پرانرژی است و آماده شروع حرکت است.

مشکل فالت‌های رونده این است که در بسیاری از موارد، آنچه به نظر میرسد یک فالت رونده باشد، اغلب منجر به تشکیل یک فالت گسترده میشود. هنگامی که یک فالت رونده تأیید میشود، سیگنال قوی از یک روند سالم در حال پیشرفت ارائه میدهد.

بیایید ببینیم یک فالت رونده در نمودار قیمت چگونه به نظر میرسد.



Figure 3-9: Running flat pattern

در این مثال، خواهید دید که موج B از موج A فراتر میرود و سپس برای تشکیل موج C پایین‌تر میرود، که به پایین‌ترین سطح موج A نمیرسد. باز هم، همانطور که اشاره کردم، تشخیص تکمیل یک فلت رونده در زمان واقعی دشوار است، و در واقع، بسیاری از الگوهایی که شبیه یک فلت رونده هستند، در نهایت گسترش میابند و یک فلت گسترده را تشکیل میدهند. شما باید مطمئن شوید که زودتر از موعد اقدام نکرده و یک فلت را به عنوان نوع رونده برچسب‌گذاری نکنید. در این مورد، حرکت قیمت داده‌های کافی برای ما فراهم کرده است تا این را به عنوان یک فلت رونده طبقه‌بندی کنیم. پس از تکمیل موج C، میتوانیم انتظار داشته باشیم که قیمت‌ها در جهت روند غالب به حرکت خود ادامه دهند. بنابراین، ما تمام ویژگی‌های سه نوع الگوی فلت را بررسی کردیم. در بخش بعدی، آخرین نوع الگوی اصلاحی را کشف خواهیم کرد: مثلث‌ها.

الگوهای مثلث

مثلث‌ها الگوهای اصلاحی پنج موجی هستند که در خلاف جهت روند حرکت میکنند و با حروف A، B، C، D و E برچسب‌گذاری میشوند. آنها یک حرکت قیمت جانبی دارند که تمایل به طولانی کردن فاز اصلاحی دارد. نوسانات در طول شکل‌گیری آن به طور چشمگیری کاهش میابد زیرا به نظر میرسد قیمت‌ها در یک محدوده تنگ قفل شده‌اند.

مثلث‌ها میتوانند به دو دسته منقبض‌شونده و گسترش‌یابنده طبقه‌بندی شوند. یک مثلث منقبض‌شونده، همانطور که از نامش پیداست، با پیشرفت منقبض میشود. از طرف دیگر، یک مثلث گسترش‌یابنده با پیشرفت گسترش میابد. مثلث منقبض‌شونده شایع‌تر از مثلث گسترش‌یابنده است.

در حالی که فقط یک نوع مثلث گسترش‌یابنده وجود دارد، سه نوع ساختار مثلث منقبض‌شونده وجود دارد که شکل اصلاحی به خود میگیرند، از جمله مثلث متقارن، مثلث صعودی و مثلث نزولی. از نظر فنی، مثلث‌های صعودی و نزولی در چارچوب قوانین امواج الیوت به عنوان مثلث‌های سدی طبقه‌بندی میشوند. با این حال، به خاطر سادگی و از آنجایی که آنها اساساً از نظر ماهیت منقبض‌شونده هستند، من آنها را در نوع منقبض‌شونده قرار میدهم.

اکثر مثلث‌ها قبل از آخرین موج یک دنباله بزرگتر رخ میدهند. به عبارت دیگر، آنها نشان میدهند که قبل از وقوع یک معکوس، تنها یک حرکت نهایی در جهت روند غالب باقی مانده است. به عنوان مثال، یک مثلث اصلاحی اغلب در موقعیت موج ۴ رخ میدهد که قبل از موج ۵ نهایی در فاز ایمپالس قرار دارد. آنها همچنین میتوانند به طور منظم در موقعیت موج B قبل از موج C نهایی تشکیل زیگزاگ یافت شوند. بیایید نگاهی به ساختار داخلی یک مثلث بیندازیم.

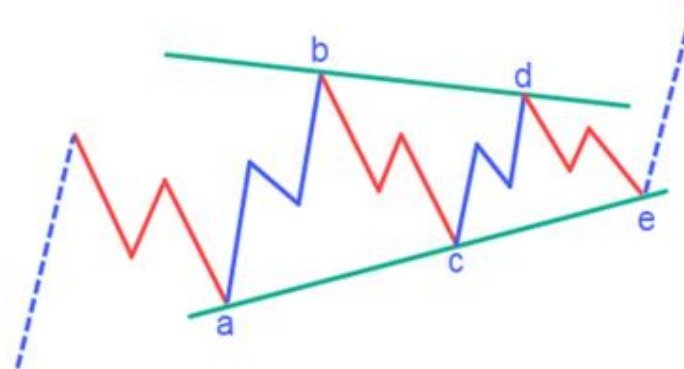


Figure 3-10: Triangle pattern

این زیرساختار برای تمام انواع مختلف الگوهای مثلث اصلاحی که مورد بحث قرار خواهیم داد، اعمال میشود. مثلث‌ها پنج موج دارند که با حروف A، B، C، D و E برچسب‌گذاری میشوند. هر یک از این امواج به سه موج کوچکتر تقسیم میشوند، از این رو مثلث‌ها الگوهای ۳-۳-۳-۳-۳ در نظر گرفته میشوند. حداقل چهار موج در داخل مثلث الگوهای زیگزاگ خواهند بود. ما میتوانیم یک خط روند را برای اتصال امواج B و D در یک طرف و A و C در طرف دیگر رسم کنیم. با انجام این کار، میتوانیم ببینیم که آیا الگوی مثلث از نوع منقبض‌شونده است یا گسترش‌یابنده. در این مورد، از نوع منقبض‌شونده است.

خط روند B-D در داخل مثلث اهمیت ویژه‌ای در ساختار مثلث دارد، به این معنی که وقتی تشکیل موج E نهایی خود را به پایان رساند، شکست خط B-D در داخل مثلث میتواند یک فرصت قوی برای معامله شکست ارائه دهد.

اکنون، بیایید نگاهی به این نمودار مثلث متقارن بیندازیم.

مثلث متقارن

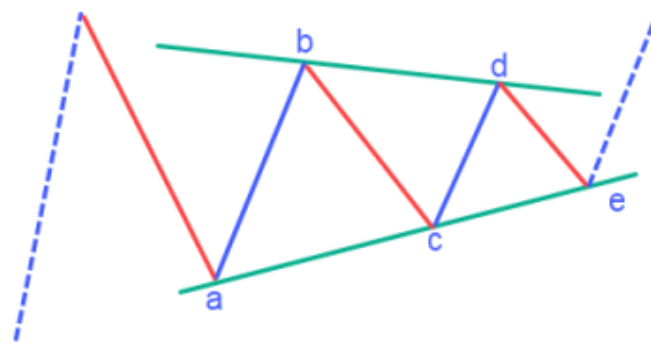


Figure 3-11: Symmetrical triangle

همانطور که میبینید، ویژگی متمایز کننده مثلث متقارن این است که از هر دو طرف منقبض میشود و با پیشرفت الگو، امواج کوچکتر میشوند. در مثلث متقارن، هر موج کوتاهتر از موج قبلی است، به این معنی که موج B از ابتدای موج A عبور نمیکند، موج C از نقطه شروع موج B عبور نمیکند و غیره. توجه داشته باشید که چگونه این قوانین در این ساختار ایده آل اعمال میشوند. همچنین، به یاد داشته باشید که مثلث‌های متقارن میتوانند هم در روندهای صعودی و هم در روندهای نزولی رخ دهند. اکنون بیایید نگاهی سریع به یک مثلث متقارن در نمودار قیمت بیندازیم.



Figure 3-12: Symmetrical triangle

مثلت متقارن را با برچسب‌های A، B، C، D و E و ماهیت انقباضی آشکار آن مشاهده میکنید. توجه داشته باشید که چگونه اوج موج D پایین‌تر از اوج موج B، کف موج C بالاتر از کف موج A و کف موج E بالاتر از کف موج C است. این مثال در یک بازار صعودی ظاهر میشود و میتوانیم انتظار داشته باشیم که قیمت پس از تکمیل موج E و شکست خط روند B-D به سمت بالا حرکت کند.

مثلث صعودی

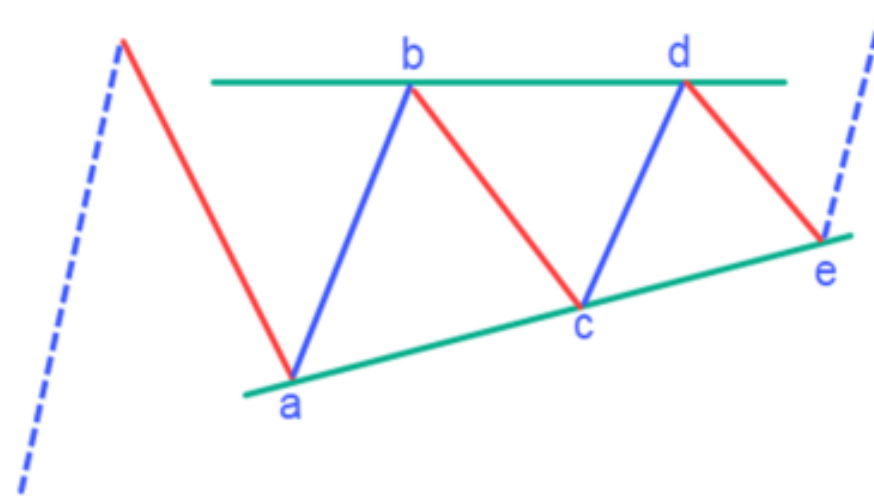


Figure 3-13: Ascending Triangle

اکنون، بیایید به مثلث صعودی نگاهی بیندازیم. یک مثلث صعودی دارای خطوط همگرا با یک سقف صاف و یک کف با شیب رو به بالا است. اساساً، مرز بالایی یک خط مقاومت افقی را تشکیل میدهد در حالیکه خط روند پایینی به طور پیوسته بالاتر میرود. این الگو نشان میدهد که تقاضا در کف امواج A، C و E در حال افزایش است زیرا بازار به طور مداوم کفهای بالاتری را ایجاد میکند. مثلثهای صعودی عمدتاً در یک روند صعودی رخ میدهند. به نمودار زیر نگاهی بیندازید.



Figure 3-14: Ascending triangle

در این مثلث صعودی، خط روند A-C به سمت بالا شیب دارد در حالیکه خط روند B-D افقی است. خریداران قادرند کف‌های بالاتر و بالاتر ایجاد کنند که نشان دهنده افزایش تقاضا است. این افزایش تقاضا به شیب رو به بالای خط روند A-C کمک میکند. انتظار داریم قیمت پس از تکمیل موج E و شکست خط روند B-D به سمت بالا حرکت کند.

مثلث نزولی

اکنون بیایید به خلاف مثلث صعودی نگاه کنیم: مثلث نزولی.

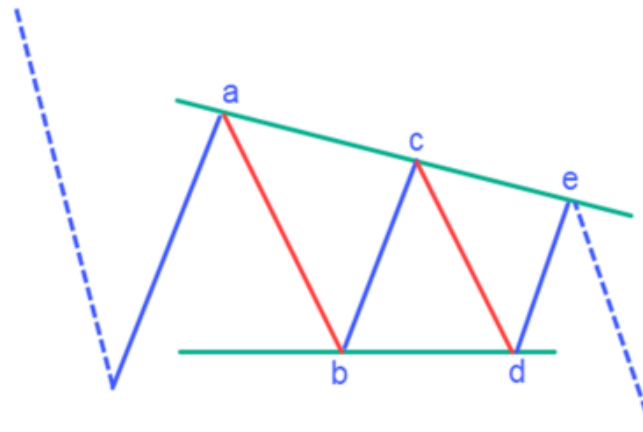


Figure 3-15: Descending triangle

یک مثلث نزولی یک ساختار همگرا با یک کف صاف و یک سقف با شیب رو به پایین دارد. اساساً، مرز بالایی یک خط روند با شیب رو به پایین را تشکیل میدهد در حالیکه مرز پایینی در داخل یک خط حمایت افقی قرار دارد. حرکت قیمت در داخل یک الگوی مثلث نزولی به ما میگوید که عرضه یا فشار فروش در اوج امواج A، C و E در حال افزایش است زیرا بازار به طور مداوم سقف‌های پایین‌تری را ایجاد میکند. مثلث‌های نزولی عمدتاً در یک روند نزولی رخ میدهند.



Figure 3-16: Descending triangle

در این مثلث نزولی، خط روند A-C به سمت پایین شیب دارد در حالی که خط روند B-D افقی است. فروشندگان قادرند قیمت را به سقف‌های پایین‌تر و پایین‌تر برسانند که نشان دهنده افزایش عرضه است. این افزایش عرضه باعث شیب رو به پایین خط روند A-C میشود. انتظار داریم قیمت پس از تکمیل موج E و شکست خط روند B-D به سمت پایین حرکت کند.

مثلث گسترش یابنده

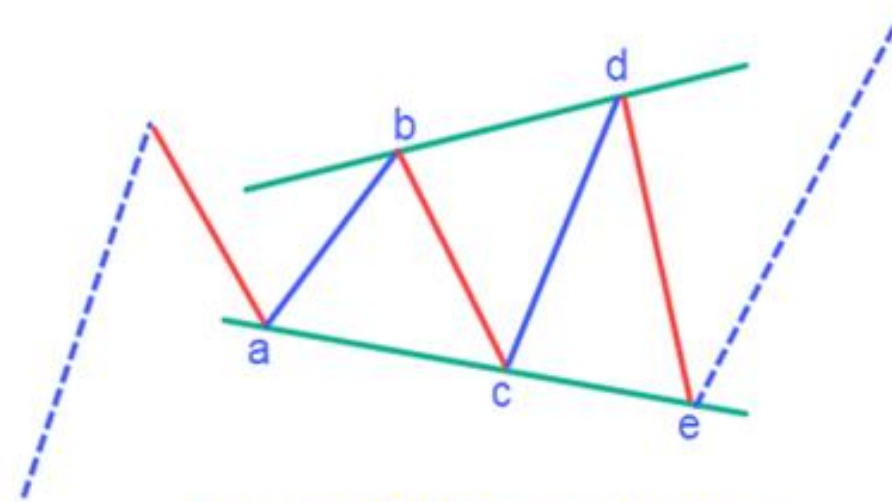


Figure 3-17: Expanding triangle

آخرین نوع الگوی مثلث، مثلث گسترش یابنده است. به آن مثلث متقارن معکوس نیز گفته میشود. مثلث های گسترش یابنده میتوانند هم در روندهای صعودی و هم در روندهای نزولی رخ دهند. همانطور که از این تصویر یک مثلث گسترش یابنده مشاهده میکنید، با پیشرفت امواج، خطوط روند از هم دور میشوند. در نتیجه، دامنه کلی گسترش میابد. این نوع ساختار برای معامله گران شکست بسیار فریبنده است زیرا ذاتاً منجر به سناریوهای شکست کاذب میشود.



Figure 3-18: Expanding triangle

این نمونه‌ای از یک مثلث گسترش‌یابنده در نمودار قیمت است. توجه داشته باشید که چگونه خط روند A-C به سمت بالا و خط روند B-D به سمت پایین شیب دارند و با پیشرفت مثلث، یک دامنه گسترش‌یابنده ایجاد میکنند. مثلث‌های گسترش‌یابنده بسیار نادر هستند، از این رو انتظار نداریم آنها را خیلی زیاد ببینیم. در هر صورت، هنگامی که تشکیل میشوند، اغلب یک موقعیت ورود عالی درست قبل از خط روند A-C وجود دارد، جایی که احتمالاً موج E تکمیل میشود.

مثلث رونده

اکنون که انواع مختلف ساختارهای مثلث را بررسی کردیم، می‌خواهم به یک تغییر که می‌تواند در بین تمام این ساختارهای مثلث رخ دهد، بپردازم: مثلث رونده.

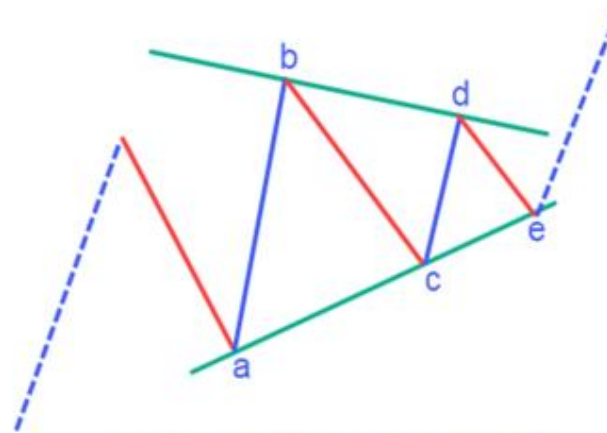


Figure 3-19: Running triangle

این تصویر یک مثلث متقارن را نشان می‌دهد، اما آیا می‌توانید چیز متفاوتی در مورد این ساختار متوجه شوید؟ بیایید با دقت به ابتدای موج A مثلث و محل پایان موج B نسبت به ابتدای موج A نگاه کنیم. آیا می‌بینید که موج B از ابتدای موج A فراتر رفته است؟ وقتی این اتفاق می‌افتد، ما آن مثلث را یک مثلث رونده می‌نامیم. اساساً، ما یک مثلث متقارن رونده داریم. مثلث‌های رونده اغلب رخ می‌دهند، از این رو مهم است که مراقب این تغییر باشید. با انجام این کار، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که برچسب‌گذاری موج به درستی انجام شده است. اکنون، بیایید ببینیم یک مثلث رونده در یک نمودار قیمت واقعی چگونه به نظر می‌رسد.

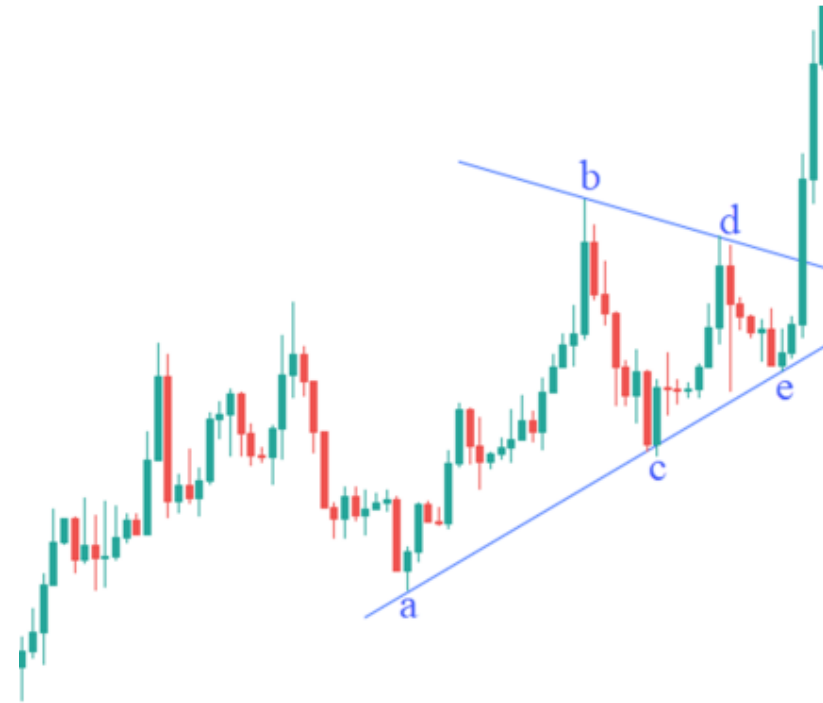


Figure 3-20: Running triangle

در این نمودار، میبینیم که چگونه موج B از ابتدای موج A فراتر میرود. بدیهی است که برچسب‌گذاری موج B در زمان شکل‌گیری موج B دشوار خواهد بود، اما شما همچنان باید این احتمال را در ذهن خود باز نگه دارید. با پیشرفت بیشتر تشکیل مثلث، به طور فزاینده‌ای آشکار شد که ساختار احتمالاً یک نوع مثلث رونده است. همچنین، توجه داشته باشید که چگونه هر یک از امواج فرعی به زیبایی به سه موج تقسیم میشوند که شبیه الگوهای زیگزاگ هستند.

وجود مثلث رونده اغلب نحوه نهایی معامله ما با الگو را تغییر نمیدهد، اما آگاهی از وجود آن به ما در برچسب‌گذاری صحیح امواج کمک زیادی خواهد کرد.

ترکیبات

تا به حال، ما در مورد سه نوع الگوی اصلاحی ساده بحث کرده‌ایم: زیگزاگ‌ها، فلت‌ها و مثلث‌ها. علاوه بر این، تغییرات مختلف هر یک را بررسی کرده‌ایم. اکنون، با یادگیری نحوه ترکیب این ساختارهای اصلاحی منفرد برای تشکیل الگوهای ترکیبی، یک قدم جلوتر خواهیم رفت. به طور خاص، یک ترکیب اصلاحی زمانی رخ می‌دهد که دو یا سه الگوی اصلاحی برای تشکیل یک ساختار اصلاحی بزرگتر ترکیب شوند.

همانطور که در بحث قبلی خود در مورد الگوهای اصلاحی منفرد اشاره کردیم، دو نوع حرکت قیمت وجود دارد: اصلاحات تند و جانبی. همین مفهوم را میتوان برای ترکیبات اصلاحی نیز به کار برد. ممکن است به یاد داشته باشید که زیگزاگ یک اصلاح تند در نظر گرفته میشود، در حالیکه فلت‌ها و مثلث‌ها متعلق به نوع جانبی هستند.

زیگزاگ‌ها میتوانند برای تشکیل یک ساختار بزرگتر ترکیب شوند. هنگامی که دو زیگزاگ برای تشکیل یک ساختار بزرگتر ترکیب میشوند، اغلب به آن زیگزاگ دوتایی گفته میشود. هنگامی که سه زیگزاگ با هم ترکیب میشوند، به آن زیگزاگ سه‌تایی گفته میشود. یک زیگزاگ سه‌تایی حد نهایی خواهد بود، به این معنی که هر ترکیب زیگزاگ بیش از سه زیگزاگ را شامل نخواهد شد. زیگزاگ‌های دوتایی بسیار رایج‌تر از زیگزاگ‌های سه‌تایی هستند.

دسته دوم ترکیبات شامل سه‌تایی‌های دوتایی و سه‌تایی‌های سه‌تایی است که تمایل به حرکت قیمت جانبی دارند. یک سه‌تایی دوتایی یک ترکیب جانبی از دو الگوی اصلاحی است، در حالیکه یک سه‌تایی سه‌تایی ترکیبی از سه الگوی اصلاحی است. همانند زیگزاگ سه‌تایی، یک ترکیب سه‌تایی حد نهایی خواهد بود، به این معنی که هیچ ساختاری بیش از سه الگو را ترکیب نخواهد کرد. همچنین، سه‌تایی‌های دوتایی بسیار رایج‌تر از سه‌تایی‌های سه‌تایی هستند.

زیگزاگ دوتایی

بیایید نگاهی به الگوی زیگزاگ دوتایی بیندازیم.

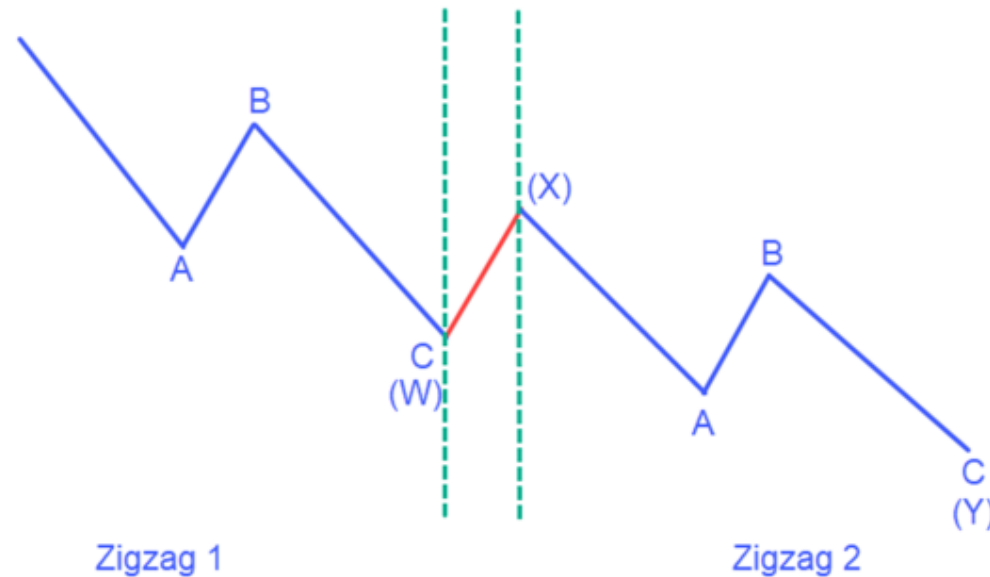


Figure 3-21: Double Zigzag

یک زیگزاگ دوتایی به شدت در خلاف جهت روند حرکت میکند و از دو الگوی زیگزاگ تشکیل شده است. در هر دو زیگزاگ بالا، امواج فرعی با حروف A، B و C نشان داده شده‌اند. الگوی زیگزاگ اول با (W) و الگوی دوم با (Y) برچسب‌گذاری شده است. موج میانی که این دو را به هم متصل میکند با (X) برچسب‌گذاری شده است. از این رو، الگوی زیگزاگ دوتایی یک ساختار (W)-(X)-(Y) را تشکیل می‌دهد. زیگزاگ‌های دوتایی معمولاً زمانی رخ می‌دهند که اولین زیگزاگ اصلاح کافی نسبت به روند را انجام ندهد، بنابراین اغلب یک تکرار برای نشان دادن یک اصلاح قیمت کافی مورد نیاز است. بیایید یک زیگزاگ دوتایی را در یک نمودار قیمت مشاهده کنیم.



Figure 3-22: Double Zigzag pattern

در این نمودار، یک روند صعودی و یک الگوی زیگزاگ دوتایی را مشاهده میکنیم که حرکت قبلی را اصلاح میکند. میبینیم که زیگزاگ اول با (W)، زیگزاگ دوم با (Y) و موج اتصال دهنده با (X) برچسب گذاری شده است. همانطور که انتظار میرود، زیگزاگ دوتایی یک اصلاح تند انجام میدهد و سپس قیمت در جهت روند کلی از سر گرفته میشود. نکته: موج (X) میتواند هر الگوی اصلاحی باشد اما تمایل دارد یک زیگزاگ باشد.

زیگزاگ سه تایی

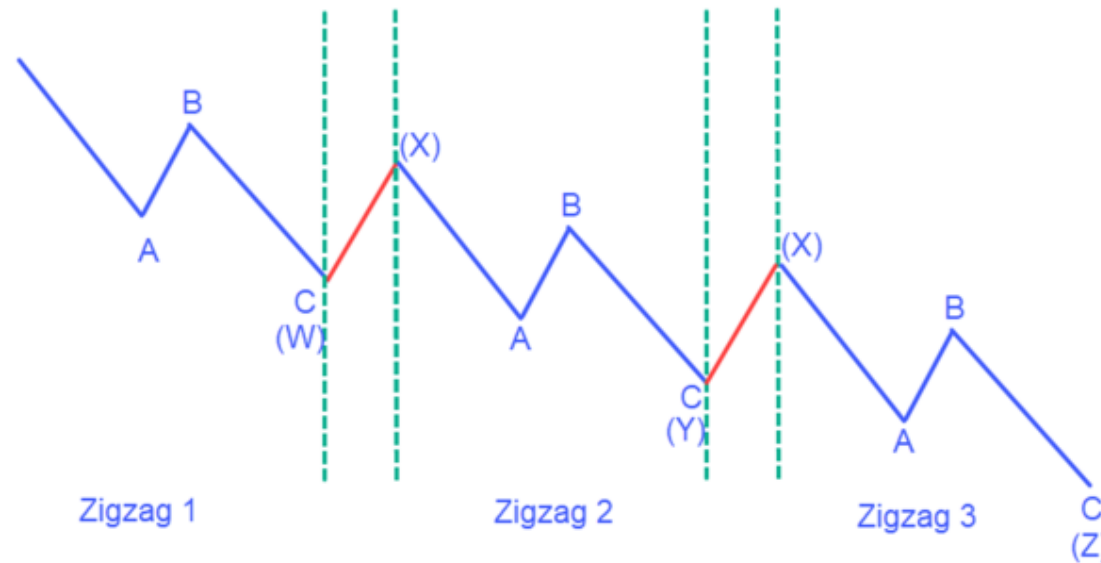


Figure 3-23: Triple Zigzag

اکنون، بیاید توجه خود را به این تصویر معطوف کنیم که الگوی زیگزاگ سه تایی را نشان میدهد. زیگزاگ سه تایی به شدت در خلاف جهت روند حرکت میکند و از سه الگوی زیگزاگ تشکیل شده است. همانند ساختار زیگزاگ دوتایی، اولین زیگزاگ در ساختار کلی با (W) و دومی با (Y) برچسب گذاری میشود. از آنجایی که یک زیگزاگ اضافی در ساختار داریم، باید آن را با حرف (Z) نیز برچسب گذاری کنیم. دو موج مداخله گر وجود دارد که سه الگوی زیگزاگ را به هم متصل میکنند و با (X) برچسب گذاری شده اند و به ساختار کلی قرارداد نامگذاری (W)-(X)-(Y)-(X)-(Z) میدهند. زیگزاگ های سه تایی چندان رایج نیستند. همانند زیگزاگ های دوتایی، آنها معمولاً زمانی رخ میدهند که اولین زیگزاگ اصلاح کافی از حرکت قبلی را انجام ندهد. در زیر یک نمودار قیمت واقعی آورده شده است که یک الگوی زیگزاگ سه تایی را تشکیل داده است.



در این مثال، سه زیگزاگ با برچسب‌های (W)، (Y) و (Z) داریم. دو موج اتصال‌دهنده که این سه را به هم وصل میکنند با (X) برچسب‌گذاری شده‌اند. یکی از ویژگی‌های زیگزاگ‌های دوتایی و سه‌تایی این است که تمایل دارند در داخل خطوط کانال مشخص معامله شوند و حرکت قیمت تمایل به همپوشانی دارد. هنگامی که یک حرکت طولانی با هر دوی این ویژگی‌ها دارید، احتمال اینکه ساختار یک زیگزاگ دوتایی یا سه‌تایی باشد بیشتر است.

سه‌تایی دوتایی و سه‌تایی سه‌تایی

اکنون، بیایید در مورد ترکیبات سه‌تایی دوتایی و سه‌تایی سه‌تایی بحث کنیم. سه‌تایی دوتایی و سه‌تایی سه‌تایی مدت زمان حرکت قیمت را در طول اصلاح افزایش می‌دهند. قرارداد نامگذاری برای سه‌تایی‌های دوتایی همانند زیگزاگ‌های دوتایی و برای سه‌تایی‌های سه‌تایی همانند زیگزاگ‌های سه‌تایی است. به طور خاص، یک سه‌تایی دوتایی با $(W)-(X)-(Y)$ و یک سه‌تایی سه‌تایی با $(W)-(X)-(Y)-(X)-(Z)$ برچسب‌گذاری می‌شود.

به طور معمول، در ترکیبات سه‌تایی دوتایی و سه‌تایی سه‌تایی، موج اولیه عمیق‌ترین اصلاح از نظر قیمت خواهد بود. به نظر می‌رسد سایر اجزای ساختار اصلاحی طول اصلاح را بدون ایجاد اصلاح قیمت قابل توجه افزایش می‌دهند. نوسانات در این دوران تمایل به کاهش دارند و معامله را بسیار دشوار می‌کنند، به ویژه برای معامله‌گرانی که صبر چندانی ندارند. بنابراین، بهتر است در طول پیشرفت آن در حاشیه بمانید.

با این حال، به خاطر داشته باشید که هیچ اصلاحی برای همیشه دوام نمی‌آورد، به همین دلیل باید از احتمال وجود یک سه‌تایی دوتایی یا سه‌تایی سه‌تایی آگاه باشیم. تشخیص این الگوهای ترکیبی در نمودار، ما را در موقعیت بهتری برای معامله حرکت ایمپالس بعدی پس از تکمیل اصلاح قرار می‌دهد.

سه‌تایی دوتایی

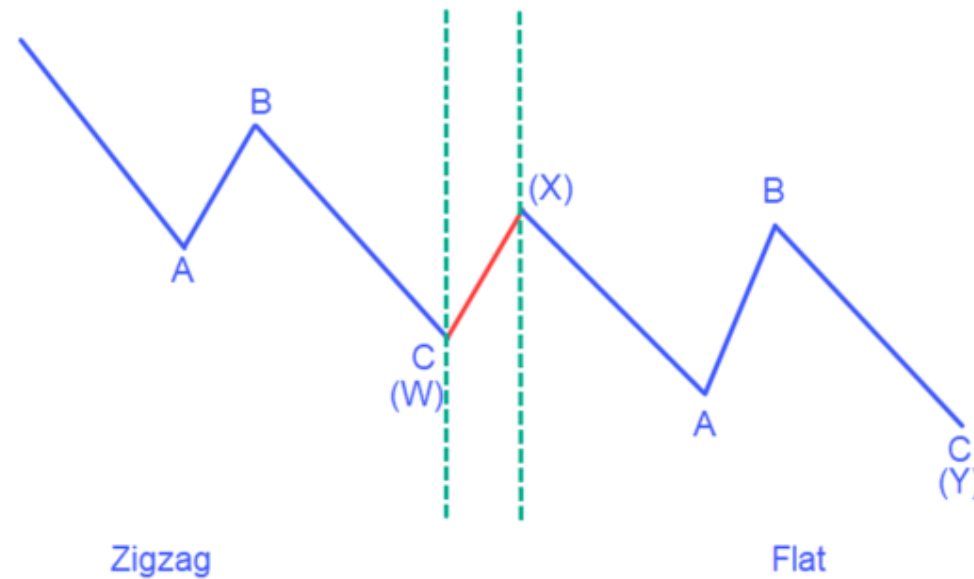


Figure 3-25: Zigzag - Flat

در این نمودار، می‌توانیم یک ترکیب سه‌تایی دوتایی را مشاهده کنیم. این تغییر شامل یک زیگزاگ و یک فلت است. قسمت اول این ساختار یک زیگزاگ است و با (W) برچسب‌گذاری شده است. امواج فرعی موج (W) با A، B و C برچسب‌گذاری شده‌اند. قسمت دوم ساختار یک فلت - یک فلت منظم - است. ما فلت را با حرف (Y) برچسب‌گذاری کرده‌ایم و امواج داخلی آن را با A، B و C مشاهده می‌کنید. موج میانی که زیگزاگ و فلت را به هم متصل می‌کند در این مورد صعودی است و با (X) برچسب‌گذاری شده است. بیا بیا به برخی دیگر از تغییرات سه‌تایی دوتایی بپردازیم.

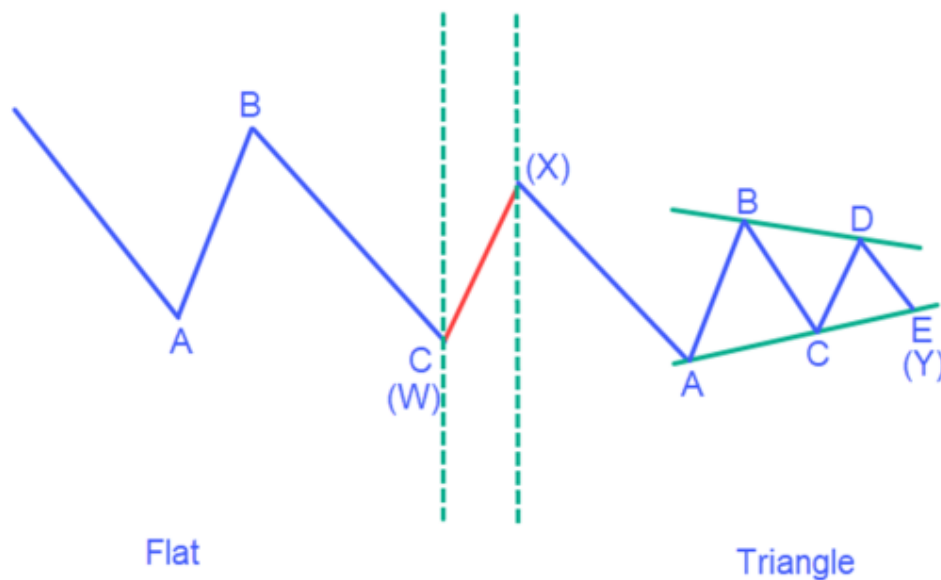


Figure 3-26: Flat - Triangle

در این شکل، ترکیب فلت-مثلث را مشاهده میکنیم. الگوی اصلاحی اولیه یک فلت منظم است که با (W) برچسبگذاری شده است. امواج فرعی موج (W) با A، B و C برچسبگذاری شده‌اند. الگوی اصلاحی دوم یک مثلث متقارن است. ما مثلث را با حرف (Y) برچسبگذاری کرده‌ایم و امواج فرعی مثلث را با A، B، C، D و E مشاهده میکنید. موج اتصال‌دهنده که فلت را با مثلث پیوند میدهد با (X) برچسبگذاری شده است. توجه به این نکته مهم است که وقتی یک مثلث در یک ترکیب جانبی وجود دارد، معمولاً آخرین الگوی اصلاحی خواهد بود. علاوه بر این، فقط یک مثلث میتواند در ترکیب وجود داشته باشد. بیایید به نوع دیگری از سه‌تایی دوتایی بپردازیم.

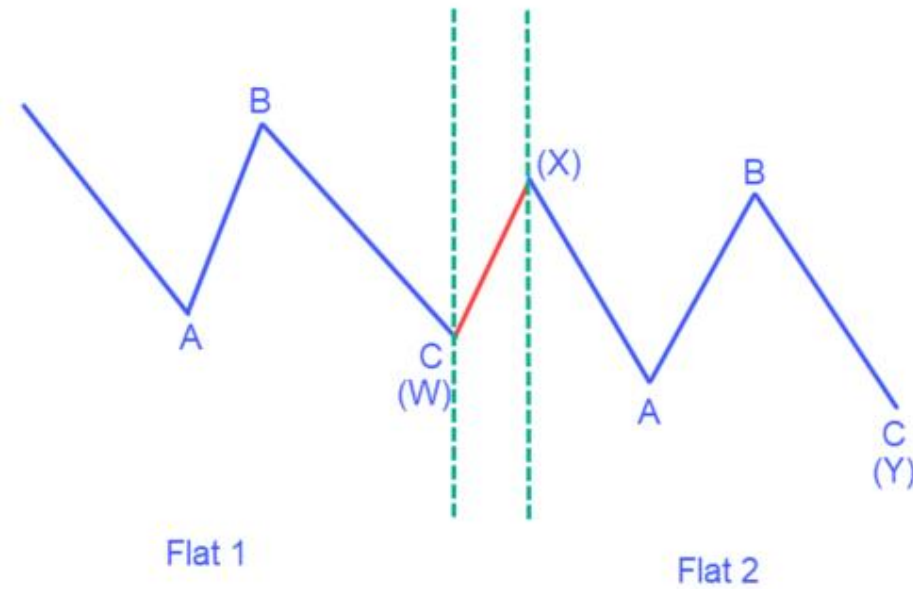


Figure 3-27: Flat - Flat

این مثال ترکیب فلت-فلت را نشان میدهد. هر دو الگوی اصلاحی در این ستهایی دوتایی، فلت هستند. فلت اول با (W) و فلت دوم با (Y) برچسب گذاری شده است. امواج فرعی در الگوهای فلت با A، B و C برچسب گذاری شده اند. موج میانی با (X) برچسب گذاری شده است.

ستهایی ستهایی

ما برخی از تغییراتی که ستهایی های دوتایی میتوانند داشته باشند را شناختیم، اما در مورد ستهایی های ستهایی چطور؟ ستهایی های ستهایی چه اشکالی میتوانند داشته باشند؟ اکنون، بیایید نگاهی به چند ساختار بیندازیم، با شروع یک ترکیب ستهایی ستهایی که از یک زیگزاگ، یک فلت و یک مثلث تشکیل شده است.

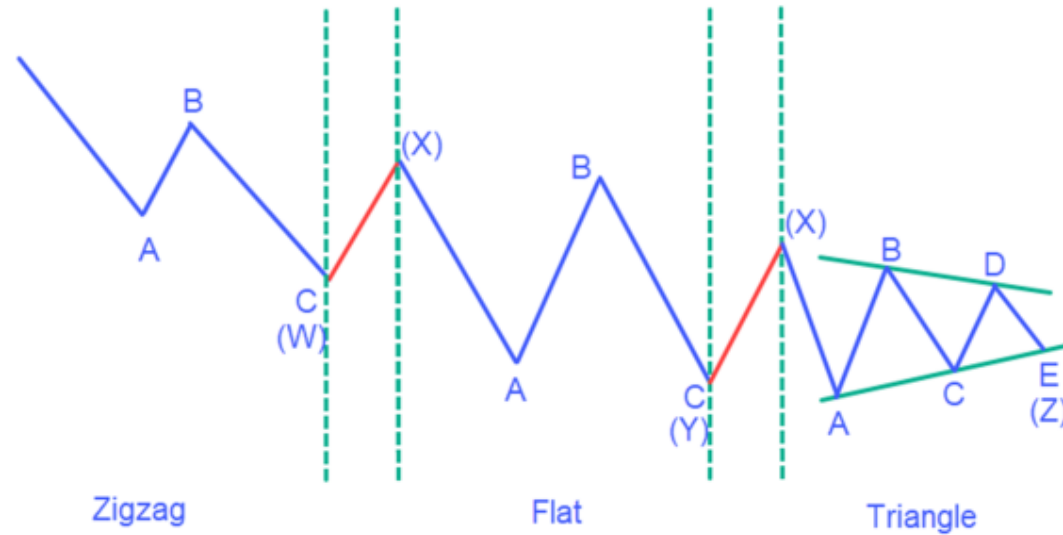


Figure 3-28: Zigzag - Flat - Triangle

اگر با دقت به نمودار بالا نگاه کنید، سه الگوی اصلاحی را خواهید دید: اولی یک زیگزاگ، دومی یک فلت و سومی یک مثلث است. این سه الگوی اصلاحی به ترتیب با (W)، (Y) و (Z) برچسب‌گذاری شده‌اند، در حالیکه دو موجی که الگوهای اصلاحی را به هم متصل می‌کنند با (X) برچسب‌گذاری شده‌اند.

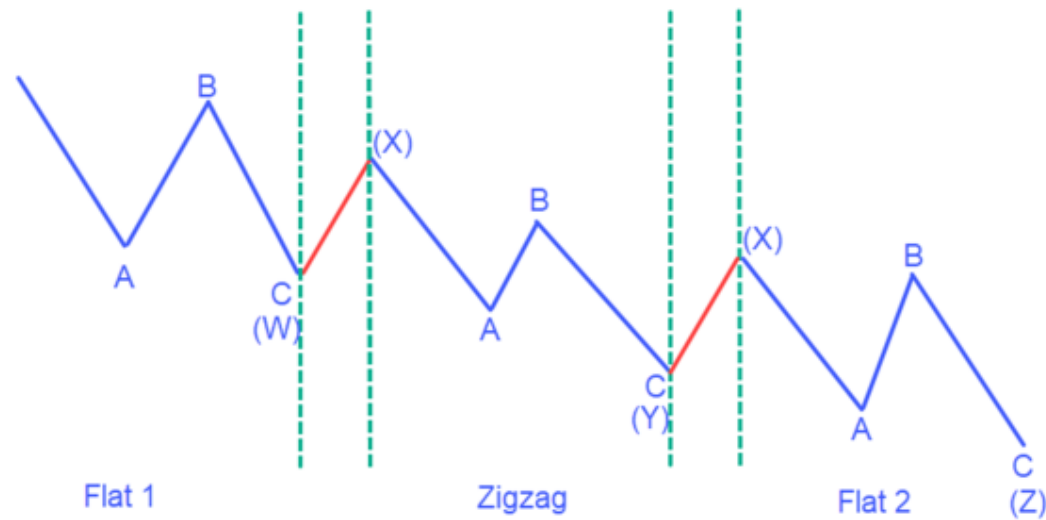


Figure 3-29: Flat - Zigzag - Flat

در این تصویر، ترکیب فلت-زیگزاگ-فلت را داریم. الگوهای اصلاحی اول و سوم فلت هستند و دومی یک زیگزاگ است. این الگوها به ترتیب با (W)، (Y) و (Z) برچسب گذاری شده اند و (X) موج اتصال دهنده است. در چارچوب سه تایی های سه تایی، توجه به این نکته مهم است که نمیتوان بیش از یک زیگزاگ وجود داشته باشد. در نهایت، بیاید به ترکیب فلت-فلت-فلت در نمودار زیر نگاهی بیندازیم.

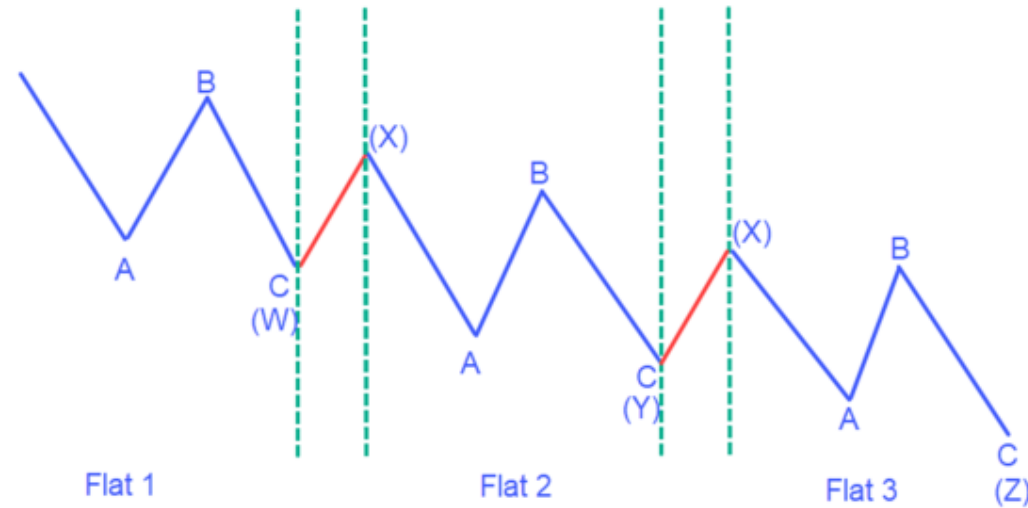


Figure 3-30: Flat - Flat - Flat

همانطور که از نامش پیداست، این ساختار از سه فلت تشکیل شده است. به طور خاص، هر سه الگو در نوع فلت منظم قرار میگیرند. این سه الگوی اصلاحی فلت به ترتیب با (W)، (Y) و (Z) برچسب گذاری شده اند و دو موجی که این سه فلت را به هم متصل میکنند با (X) برچسب گذاری شده اند.

به این ترتیب فصل مربوط به امواج اصلاحی به پایان میرسد. ما دانش زیادی در مورد سه نوع الگوی اصلاحی و ترکیبات مختلف بین آنها به دست آوردیم. میدانم که جذب همه آنها به طور همزمان دشوار است. اما نگران نباشید، با تمرین کافی با نمودارهای واقعی با آنها آشنا خواهید شد. در فصل بعد، بر روی رهنمودهای مفید و تکنیک های کانال کشی تمرکز خواهیم کرد که به ما در اجرای استراتژی های معاملاتی خود با اصل امواج الیوت کمک زیادی خواهد کرد.

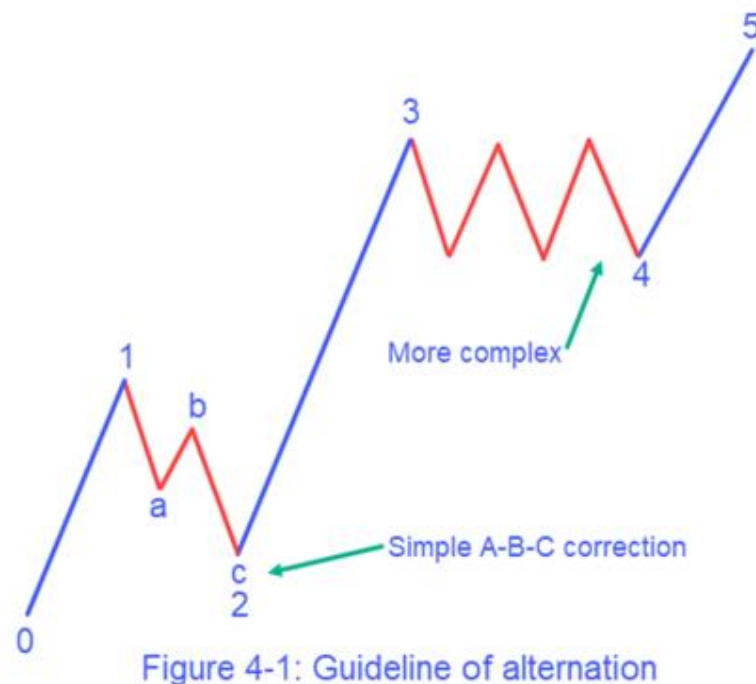
فصل ۴: رهنمودها و تکنیک‌های کانال‌کشی امواج الیوت

رهنمود تناوب و عمق امواج

ما به طور خلاصه در یکی از بخش‌های قبلی در مورد رهنمود تناوب صحبت کردیم. در این بخش، کمی بیشتر به این مفهوم خواهیم پرداخت. همچنین، رهنمود عمق امواج و تکنیک‌های کانال‌کشی را در چارچوب معامله‌گری با امواج الیوت کشف خواهیم کرد. اما ابتدا، مهم است که بدانید رهنمود تناوب یک قانون سخت و سریع نیست. تمایل به وقوع دارد اما یک الزام نیست که باید برآورده شود.

رهنمود تناوب

اساساً، رهنمود تناوب بیان میکند که در دنباله ایمپالس پنج موجی، امواج ۲ و ۴ اغلب از نظر شکل متناوب خواهند بود. به طور خاص، اگر موج ۲ یک اصلاح تند ساده باشد، موج ۴ به احتمال زیاد یک اصلاح جانبی ساده یا یک اصلاح جانبی پیچیده خواهد بود، و بالعکس. در بیشتر موارد، موج ۲ یک الگوی زیگزاگ ساده است و موج ۴ یک اصلاح جانبی ساده است. اگرچه این رهنمود الگوی اصلاحی دقیق را به ما نمیگوید، اما باید انتظار داشته باشیم که از اطلاعات موج ۲ برای حذف احتمالات خاص برای موج ۴ استفاده کنیم. بیا به تصویر زیر نگاهی بیندازیم تا این مفهوم را کمی بهتر تجسم کنیم.



در این مثال، توجه کنید که چگونه موج ۲ یک اصلاح تند ساده است در حالی که موج ۴ یک اصلاح جانبی است. این امر رهنمود تناوب را برآورده میکند، جایی که امواج ۲ و ۴ انواع مختلف حرکت قیمت اصلاحی را دارند.

احتمال دیگر این است که موج ۲ پیچیده‌تر باشد در حالی که موج ۴ یک اصلاح تند ساده است. این امر نیز به برآورده شدن رهنمود تناوب کمک میکند. با این حال، این سناریو عموماً در بازارهای مالی غیرمعمول است. اگر می‌پرسید چرا، فقط مربوط به روانشناسی شرکت‌کنندگان بازار در موج ۲ در مقابل موج ۴ است. در طول موج ۲، معامله‌گران انتظار فشار مداوم در جهت روند قبلی را دارند، که منجر به یک اصلاح عمیق میشود. در همین حال، موج ۴ بیشتر با سودگیری مرتبط است، بنابراین اصلاح تمایل به طولانی و کم عمق بودن دارد.

رهنمود عمق امواج

در مرحله بعد، بیایید در مورد یک رهنمود مهم دیگر به نام عمق امواج اصلاحی صحبت کنیم.

این رهنمود به ما چه میگوید؟

رهنمود عمق امواج اصلاحی بیان میکند که وقتی بازار در یک اصلاح قرار دارد، اغلب به محدوده قیمت موج چهارم قبلی با درجه کوچکتر باز میگردد. به خاطر داشته باشید که برای این رهنمود، ما در مورد یک نقطه خاص در نمودار صحبت نمیکنیم، بلکه در مورد یک منطقه مورد علاقه صحبت میکنیم. بازار اغلب در اطراف این منطقه قبل از از سرگیری روند، حمایت یا مقاومت پیدا میکند.

بیایید برای درک بهتر به یک تصویر بصری از این رهنمود برویم.

در این تصویر، امواج (۱) تا (۴) با درجه متوسط را مشاهده میکنید. امواج با درجه کوچکتر در داخل موج ایمپالس (۳) مشخص شدهاند. میبینید که موج (۴) در محدوده موج ۴ با درجه کوچکتر، که با دایره سبز مشخص شده است، به پایان میرسد. این رهنمود زمانی بیشترین کاربرد را دارد که موج با درجه بزرگتر مورد نظر، خود موج چهارم باشد.

اکنون که رهنمود تناوب و رهنمود عمق امواج اصلاحی را بررسی کردیم، وقت آن رسیده است که به یکی از کاربردهای مورد علاقه من در معامله‌گری با امواج الیوت بپردازیم: تکنیک کانال‌کشی.

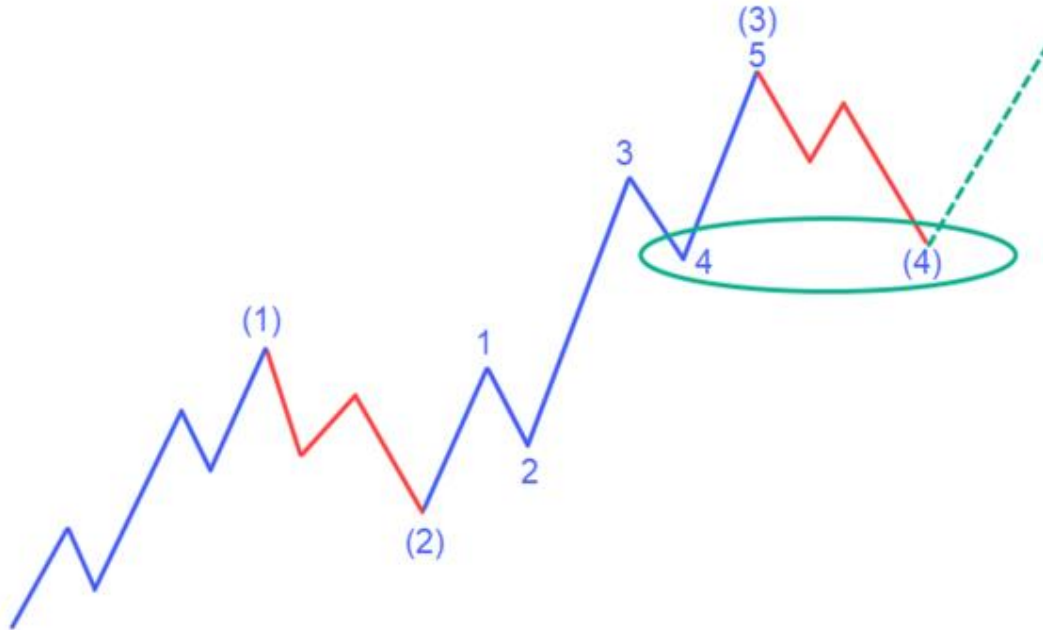


Figure 4-2: The depth of waves

تکنیک کانال کشی

یکی از کاربردی ترین کاربردها در چارچوب تحلیل امواج الیوت، استفاده از کانال های قیمت است. اساساً، یک کانال قیمت امواج الیوت از دو خط موازی تشکیل شده است. حرکت قیمت اغلب در داخل این کانال های موازی حرکت میکند و در عین حال مرزهای بالا و پایین کانال ها را مشخص میکند. بنابراین، این کانال های موازی باید در مراحل خاصی در طول توسعه قیمت رسم شوند تا بینشی در مورد نقطه پایانی احتمالی موج فعلی مورد نظر به دست آید. با این حال، برخلاف کانال های قیمتی که بسیاری از تحلیلگران فنی دیگر به شکلی ظاهراً تصادفی روی نمودار رسم میکنند، کانال های امواج الیوت قوانین مشخصی را ارائه میدهند که ساخت کانال موازی مناسب را در هر مرحله از ساختار ۳-۵ هدایت میکند.

پنج نوع کانال قیمت وجود دارد که باید از آنها آگاه باشیم. تکنیک کانال کشی اعمال شده برای هر یک از اینها یکسان است، با این حال، نام آنها از موقعیت آنها در چرخه کلی گرفته شده است. علاوه بر این، همانطور که به زودی خواهیم دید، هر یک از اینها پیامدهای متفاوتی دارند. همچنین، باید توجه داشته باشیم که نام های هر نوع کانال قیمت کمی با اصطلاحات اصلی الیوت متفاوت است. من اصطلاحات مورد استفاده جفری کندی را اتخاذ کرده ام زیرا معتقدم که این اصطلاحات مناسب تر و خاص تر برای تجزیه و تحلیل پیشرفت موج فعلی مورد نظر هستند.

پنج نوع کانال در نظریه امواج الیوت عبارتند از:

کانال پایه (Base channel): برای تأیید حرکت قیمت موج ۳.

کانال شتاب (Acceleration channel): برای یافتن پایان موج ۴.

کانال کاهش سرعت (Deceleration channel): برای ارائه یک ورود به موقع به موج ۵.

کانال پایانی (Termination channel): برای پیش بینی پایان موج ۵.

کانال اصلاحی (Corrective channel): برای یافتن پایان ساختار ۳-۵.

اکنون، بیایید هر یک از این کانال های قیمت مهم را کشف کنیم.

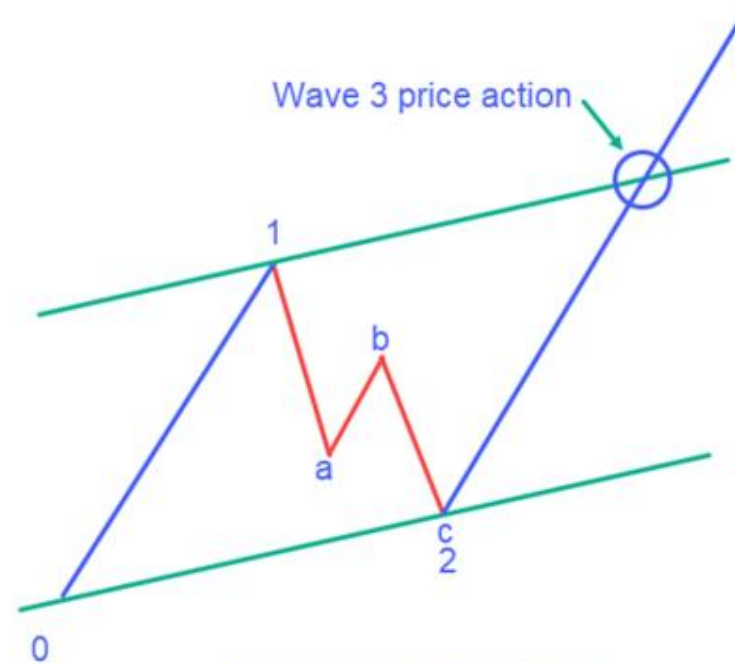


Figure 4-3: Base channel

یک کانال پایه پس از تکمیل موج ۲ قابل رسم است. برای این کار به سه نقطه مرجع نیاز است: شروع موج ۱، پایان موج ۱ و پایان موج ۲. اگر با دقت به این تصویر نگاه کنید، این سه نقطه مرجع را به ترتیب با ۰، ۱ و ۲ برچسب‌گذاری شده خواهید یافت. برای رسم کانال پایه، ابتدا یک خط روند از شروع موج ۱ به پایان موج ۲ رسم میکنید. پس از آن، یک خط روند موازی ایجاد کرده و آن را در اوج موج ۱ قرار میدهید و به این ترتیب کانال پایه ایجاد میشود. هدف اصلی کانال پایه تأیید حرکت قیمت موج ۳ است. به عبارت دیگر، اگر حرکت قیمت به خط موازی رسم شده از پایان موج ۱ نفوذ کند، این مشخصه حرکت قیمت موج ۳ خواهد بود. اما اگر قیمت در آن سطح رد شود یا در جهت مخالف جهش کند، احتمال بیشتری وجود دارد که برچسب‌گذاری موج نادرست باشد و آنچه ممکن است مشاهده کنیم یک ساختار اصلاحی باشد نه یک ساختار ایمپالس. بیایید ببینیم این در یک نمودار قیمت چگونه به نظر میرسد.



Figure 4-4: Base channel

پس از پایان موج دوم، میتوانیم پایه کانال (خط پایین) را با اتصال ابتدای موج ۱ به انتهای موج ۲ رسم کنیم. پس از آن، خط بالایی کانال را از انتهای موج ۱ شروع میکنیم. منتظر میمانیم تا ببینیم قیمت در خط موازی بالایی چگونه واکنش نشان میدهد. در این حالت، میبینیم که قیمت به راحتی این خط را شکسته است. این تأیید میکند که به احتمال زیاد شاهد موج ۳ در حال پیشرفت هستیم، زیرا موج ۳ اغلب قویترین موج با شیب تند در دنباله ایмпالس است.

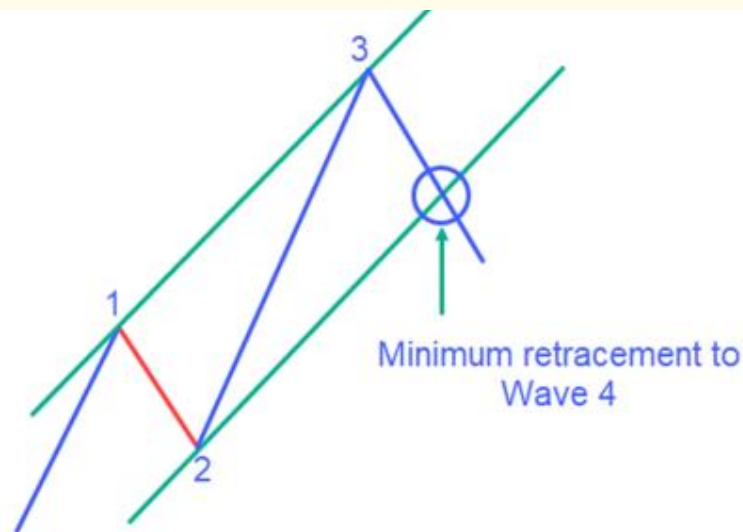


Figure 4-5: Acceleration channel

اکنون بیایید در مورد دومین نوع کانال قیمت صحبت کنیم: کانال روند یا کانال شتاب. یک کانال شتاب پس از تکمیل امواج ۱، ۲ و ۳ قابل رسم است. برای این کار به سه نقطه مرجع نیاز است: پایان موج ۱، پایان موج ۲ و پایان موج ۳. برای رسم کانال شتاب، ابتدا باید یک خط روند از پایان موج ۱ به پایان موج ۳ رسم کنید. به خاطر داشته باشید که در طول پیشرفت موج ۳، رسم مجدد این خط چند بار با پیشرفت مداوم قیمت در جهت موج ۳ کاملاً رایج است. با این حال، در نقطه‌ای مشخص خواهد شد که موج ۳ به پایان رسیده است و قرارگیری خط روند ۱-۳ میتواند نهایی شود. پس از رسم خط روند ۱-۳، خط روند موازی آن را از پایان موج ۲ رسم میکنید و به این ترتیب کانال شتاب ایجاد میشود. کانال شتاب میتواند سرخ‌هایی در مورد نقطه پایانی احتمالی موج ۴ در اختیار ما قرار دهد. به طور معمول، خط موازی پایین حداقل هدف از نظر قیمت و زمان برای تکمیل موج ۴ خواهد بود. کانال شتاب مستلزم این است که ما صبور باشیم و منتظر بمانیم تا زمانی که حرکت قیمت از حداقل هدف قیمت برای موج ۴ کوتاه‌تر باشد.

یک سوال ممکن است مطرح شود که آیا این خط روند همیشه حداقل هدف قیمت برای موج ۴ است؟ پاسخ "خیر" است. همیشه اینطور نخواهد بود. با این حال، در معامله‌گری، ما فقط با احتمالات کار میکنیم و سناریوی ذکر شده در درصد زیادی از موارد، به ویژه زمانی که موج ۲ یک اصلاح زیگزاگ ساده و تند باشد، صادق خواهد بود.



Figure 4-6: Acceleration channel

در این نمودار، یک کانال شتاب رسم کرده‌ایم. انتظار داریم حداقل پیش‌بینی قیمت و زمان برای پایان موج ۴ زمانی رخ دهد که حرکت قیمت به خط موازی پایین برخورد کند. در این مثال، قیمت کمی به انتهای پایین کانال شتاب برخورد کرد و اصلاح موج ۴ را قبل از پیشروی به موج ۵ نهایی تکمیل کرد. در بسیاری از موارد، زمانی که الگوی اصلاحی در موج ۴ یک زیگزاگ یا فلت ساده باشد، حرکت قیمت ممکن است صرفاً خط موازی را لمس کند و سپس در مسیر خود حرکت کند. اما در موارد دیگر، به ویژه زمانی که یک مثلث یا ترکیب در حال شکل‌گیری باشد، حرکت قیمت ممکن است اغلب از مرز کانال شتاب فراتر رود.

وقتی این اتفاق می‌افتد، می‌توانیم هوشیار باشیم و احتمال یک فاز اصلاحی طولانی‌تر را در نظر بگیریم.

کانال کاهش سرعت

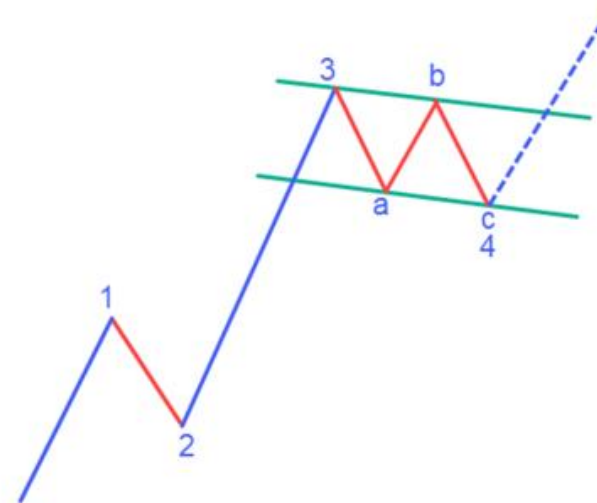


Figure 4-7: Deceleration channel

نوع بعدی کانال موازی، کانال کاهش سرعت نامیده میشود. یک کانال کاهش سرعت پس از تکمیل موج ۳ و امواج فرعی A و B از موج ۴ قابل رسم است. برای رسم کانال کاهش سرعت، ابتدا باید یک خط روند از پایان موج ۳ به پایان موج B رسم کنید. پس از آن، خط موازی این خط روند را از اوج موج A رسم میکنید و به این ترتیب کانال قیمت کاهش سرعت ایجاد میشود. کانال کاهش سرعت معمولاً برای محدود کردن حرکت قیمت اصلاحی در داخل موج ۴ عمل میکند.

تا الان باید بدانید که امواج چهارم تمایل دارند یک حرکت قیمت جانبی را ایجاد کنند که اغلب میتواند از نظر ماهیت طولانی باشد. در نتیجه، در برخی مواقع برچسب‌گذاری دقیق امواج فرعی در داخل موج چهارم میتواند بسیار چالش برانگیز باشد. کانال کاهش سرعت میتواند در این شرایط که شمارش واضح نیست به ما کمک کند. وقتی نمیتوانید به طور قطعی امواج A و B را در داخل موج ۴ مشخص کنید، رسم کانال کاهش سرعت میتواند بسیار مفید باشد. هنگامی که قیمت به طور قاطع و در جهت روند کلی از کانال کاهش سرعت خارج شود، میتوانیم نسبتاً مطمئن باشیم که ساختار اصلاحی موج ۴ به پایان رسیده و موج ۵ ایмпالس در حال شروع است. در زیر یک نمودار قیمت واقعی با یک کانال کاهش سرعت آورده شده است.



Figure 4-8: Deceleration channel

در این مثال، میبینیم که یک روند صعودی در حال پیشرفت بوده است. کانال کاهش سرعت با اتصال انتهای موج ۳ به انتهای موج فرعی B و سپس رسم یک خط موازی از انتهای موج فرعی A رسم میشود. با رسم کانال کاهش سرعت، منتظر میمانیم تا قیمت به طور قاطع از این کانال در جهت روند، که در این مورد صعودی است، خارج شود. اگر با دقت به حرکت قیمت در نقطه شکست نگاه کنید، شمع قوی شکست را مشاهده خواهید کرد که فراتر از انتهای بالایی کانال کاهش سرعت امتداد یافته و بسته میشود. این یک نشانه قوی است که موج ۴ احتمالاً به پایان رسیده و موج ۵ در حال پیشرفت است.

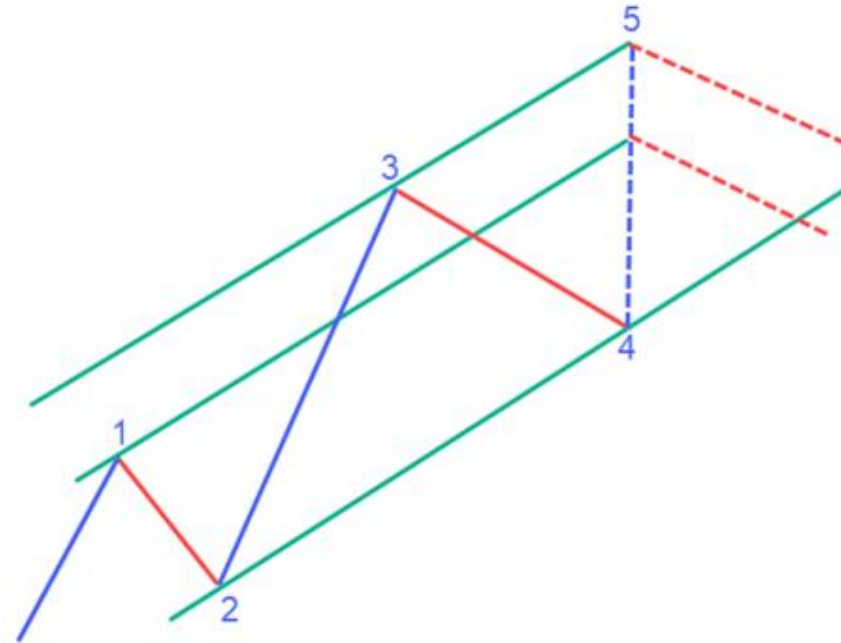


Figure 4-9: Termination channel

نوع بعدی کانال قیمت، کانال پایانی است. کانال پایانی به ما کمک میکند تا انتهای موج ۵ را در دنباله ایمپالس مشخص کنیم. این کانال پس از تکمیل امواج ۲، ۳ و ۴ قابل رسم است. برای ایجاد کانال پایانی، ابتدا یک خط روند از انتهای موج ۲ به انتهای موج ۴ رسم میکنید. پس از آن، یک خط موازی با این خط روند رسم کرده و آن را از انتهای موج ۳ امتداد میدهید. با این حال، اگر شیب حرکت قیمت موج ۳ بسیار تند باشد، رسم خط روند موازی از انتهای موج ۱ مؤثرتر خواهد بود. اگر در مورد اینکه کدام یک از این دو خط بهتر عمل میکند شک دارید، رسم هر دو و مشاهده تعامل قیمت در اطراف هر منطقه میتواند یک گزینه مناسب باشد.

یک پدیده مهم که معمولاً در کانال‌های پایانی رخ میدهد، چیزی به نام «پرتاب بیش از حد» (throwover) است. پرتاب بیش از حد سناریویی است که در آن قیمت به خط روند موازی نفوذ میکند، اما سپس به سرعت به داخل کانال باز میگردد. این نشان میدهد که بازار قبل از ایجاد تغییر روند، یک فشار نهایی دیگر وارد میکند. بیایید نگاهی به یک کانال پایانی رسم شده روی نمودار قیمت بیندازیم.



Figure 4-10: Termination channel

کانال پایانی با علامت‌گذاری خط روند از انتهای موج ۲ به انتهای موج ۴ و سپس قرار دادن دو خط روند موازی در انتهای موج ۳ و موج ۱ رسم میشود. اکنون، با پیشرفت موج ۵، انتظار واکنش قیمت را در هر یک از این خطوط روند به عنوان یک نقطه پایانی احتمالی داریم. با مراجعه به سمت راست پایین این نمودار، میبینید که قیمت به خط روند رسم شده از انتهای موج ۱ نفوذ کرده است، که به نظر میرسد یک پرتاب بیش از حد باشد، و سپس به سرعت به داخل کانال بازگشته است. به این ترتیب، اگر در موقعیت فروش بودید، این زمان مناسبی برای خروج خواهد بود. علاوه بر این، فرصت‌های خرید را در نظر میگیریم زیرا وزن شواهد اکنون شروع به اشاره به یک تغییر روند احتمالی میکند.

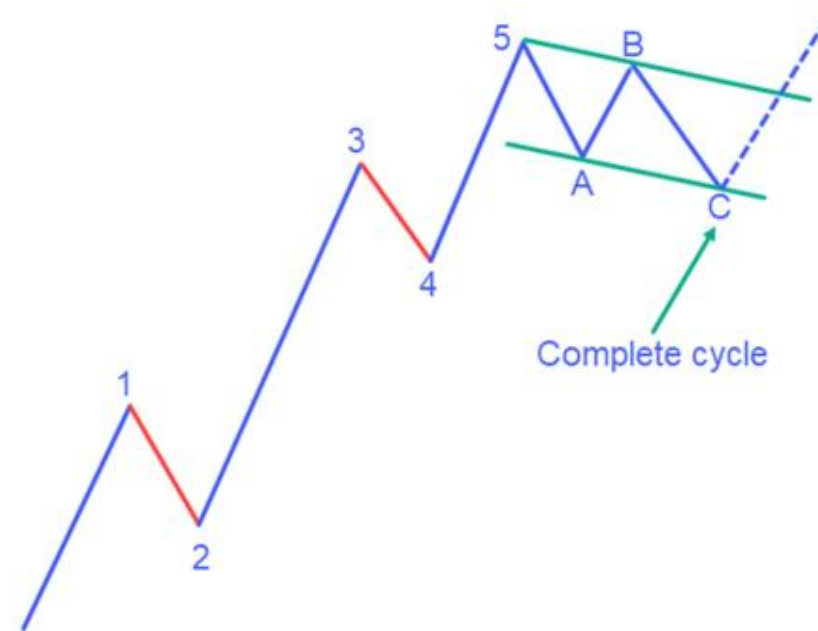


Figure 4-11: Corrective channel

آخرین نوع کانال قیمت در فهرست، کانال اصلاحی است. این کانال مشابه کانال کاهش سرعت است که کمی قبل‌تر در مورد آن بحث کردیم. با این حال، همانطور که از نامش پیداست، برای فاز اصلاحی دنباله ۳-۵ اعمال میشود. یک کانال اصلاحی پس از تکمیل موج ۵، موج A و موج B از دنباله اصلاحی قابل رسم است. ابتدا باید یک خط روند از انتهای موج ۵ به انتهای موج B رسم کنید. پس از آن، خط موازی این خط را رسم کرده و آن را در اوج موج A امتداد دهید. دو ناحیه برای نظارت دقیق در داخل کانال اصلاحی وجود دارد. اولین مورد، توسعه موج C است. به طور معمول، در طول پیشرفت موج C، با نزدیک شدن قیمت به خط روند موازی پایین، انتظار داریم کاهش مومنتوم را در مقایسه با موج A مشاهده کنیم. در بسیاری از موارد، این کاهش مومنتوم به عنوان یک واگرایی مومنتوم ثبت میشود و نشان میدهد که دنباله اصلاحی ممکن است به نقطه پایانی خود نزدیک شده باشد. سناریوی دوم مورد توجه، شکست خط روند B-۵ است. هنگامی که قیمت از این خط روند خارج شود، میتوانیم نسبتاً مطمئن باشیم که فاز اصلاحی به پایان رسیده است و ما در مراحل اولیه دنباله ایمپالس بعدی قرار داریم. بیا به توجیه خود را به نمودار قیمت زیر معطوف کنیم.



Figure 4-12: Corrective channel

میبینیم که بازار در یک روند صعودی کلی قرار دارد و دنباله ایمپالس پنج موجی صعودی تشکیل شده است. همراه با فاز اصلاحی A-B-C متناظر آن، کانال اصلاحی پس از تکمیل موج ۵، موج A و موج B رسم میشود. ابتدا، یک خط روند را برای اتصال انتهای موج ۵ به انتهای موج B رسم میکنیم. سپس، یک خط موازی را در اوج موج A رسم میکنیم. هنگامی که قیمت از مرز بالایی کانال عبور کند، میتوانیم نسبتاً مطمئن باشیم که روند صعودی در حال از سرگیری است و یک دنباله ایمپالس پنج موجی جدید به سمت بالا در مراحل اولیه قرار دارد.

تکنیک کانالکشی امواج الیوت یکی از روشهای مورد علاقه من برای تحلیل حرکت قیمت است. من از آن تقریباً در هر مرحله از دنباله ۳-۵ استفاده میکنم. این تکنیک بسیار قدرتمند است و چیزی است که من شما را تشویق میکنم به طور منظم تمرین و اجرا کنید.

در فصل بعد، قصد داریم به تجزیه و تحلیل فیبوناچی بپردازیم و ببینیم چگونه با امواج الیوت در هم تنیده شده است. شما خواهید فهمید که چگونه نمیتوان از امواج الیوت به طور مؤثر بدون کمک تحلیل قدرتمند فیبوناچی استفاده کرد.

فصل ۵: مبانی فیوناچی

دنباله فیوناچی

یکی از بااستعدادترین ریاضیدانان غربی قرون وسطی، لئوناردو پیزانو بیگولو است که به فیوناچی نیز شهرت دارد. او در قرن دوازدهم در پیزا، ایتالیا به دنیا آمد. فیوناچی پسر یک تاجر ثروتمند بود. در جوانی، او به همراه پدرش به سراسر شمال آفریقا سفر کرد. در آن دوره، او با ریاضیات باستانی هندو-عربی آشنا شد و به ترویج این دانش در اروپا، عمدتاً از طریق نوشته‌هایش، کمک کرد.

اساساً، اعداد هندو-عربی مجموعه‌ای از ده نماد - صفر تا نه - هستند که اعداد را در سیستم مبتنی بر ده نشان می‌دهند. در سال ۱۲۰۲، او کتاب مشهور خود به نام لیبر آباچی را منتشر کرد که حاصل دو سال مطالعه اهرام جیزه بود. در این کتاب، او ایده سیستم اعداد هندو-عربی را پیش برد. او معتقد بود که این سیستم نسبت به سیستم اعداد رومی سنتی که در آن زمان در اروپا استفاده میشد، برتر است، اما چندین قرن پس از انتشار آن طول کشید تا این سیستم جدید در اروپا رایج شود.

فیوناچی به دلیل کشف یک دنباله خاص از اعداد که به درستی به نام او نامگذاری شده است، شناخته میشود. جالب اینجاست که این سری پاسخ این سؤال بود که در یک سال چند خرگوش میتوان از دو خرگوش اولیه که در یک منطقه بسته قرار داده شده‌اند، تولید کرد.

بنابراین، دنباله فیوناچی چیست؟ اساساً، سری فیوناچی ۰ و ۱ را به عنوان دو عدد اول در نظر میگیرد، و هر عدد متوالی در این دنباله، مجموع دو عدد مجاور قبلی است، همانطور که در زیر نشان داده شده است.

۰, ۱, ۱, ۲, ۳, ۵, ۸, ۱۳, ۲۱, ۳۴, ۵۵, ۸۹, ۱۴۴, ۲۳۳, ۳۷۷, ...

ویژگی‌های منحصر به فرد بسیاری برای دنباله فیوناچی وجود دارد که اغلب به عنوان کد مخفی طبیعت از آن یاد میشود. نمونه‌های بی‌شماری از اعداد فیوناچی در جهان طبیعی، از درختان گرفته تا منظومه‌های سیاره‌ای و حتی DNA خودمان وجود دارد.

اولاً، با تقسیم هر عدد فیوناچی بر عدد قبلی خود، عدد حاصل به فی یا نسبت طلایی، تقریباً ۱.۶۱۸، نزدیک میشود. فی یک عدد گنگ است اما اغلب به ۱.۶۱۸ گرد میشود. هرچه جفت

اعداد فیوناچی بزرگتر باشد، نتیجه به ۱.۶۱۸ نزدیکتر میشود. بیا بیا چند مثال را بررسی کنیم.

۱۳ تقسیم بر ۸ برابر است با ۱.۶۲۵،

۲۱ تقسیم بر ۱۳ برابر است با ۱.۶۱۵،

۳۴ تقسیم بر ۲۱ برابر است با ۱.۶۱۹،

۵۵ تقسیم بر ۳۴ برابر است با ۱.۶۱۸،

۸۹ تقسیم بر ۵۵ برابر است با ۱.۶۱۸، و غیره.

این نسبت در بسیاری از مکان‌های باستانی معماری، از جمله اهرام بزرگ جیزه، دیده میشود. نسبت هر ضلع قاعده به ارتفاع هرم تقریب بسیار نزدیکی به نسبت طلایی ۱.۶۱۸ دارد. طبیعت نیز نمونه‌های بسیاری از نسبت طلایی را به نمایش میگذارد. بدن حیوانات، انگشتان، شاخه‌های درختان و گلبرگ‌های گل تنها چند نمونه از نسبت طلایی هستند که در دنیای طبیعی دیده میشوند.

ثانیاً، با تقسیم هر عدد فیوناچی بر عدد بعدی آن، عدد حاصل به ۰.۶۱۸ نزدیک میشود. با افزایش اعداد، این تقریب به ۰.۶۱۸ نزدیکتر میشود. برای مثال:

۸ تقسیم بر ۱۳ برابر است با ۰.۶۱۵،

۱۳ تقسیم بر ۲۱ برابر است با ۰.۶۱۹،

۲۱ تقسیم بر ۳۴ برابر است با ۰.۶۱۸،

۳۴ تقسیم بر ۵۵ برابر است با ۰.۶۱۸، و غیره.

توجه: وقتی صحبت از بازارهای مالی میشود، ۰.۶۱۸ یکی از مهم‌ترین، اگر نگوییم مهم‌ترین، نسبت‌های فیوناچی است که معامله‌گران باید از آن آگاه باشند.

ثالثاً، با تقسیم هر عدد فیوناچی بر عدد دوم و سوم بعد از آن، اعداد حاصل به ترتیب به ۰.۳۸۲ و ۰.۲۳۶ نزدیک می‌شوند، و با افزایش اعداد، این تقریب‌ها به این مقادیر نزدیکتر میشوند

بازارها نیز، در کنار سایر جنبه‌های جهان طبیعی، از روابط مختلف فیوناچی پیروی میکنند. دلیل این امر در انعکاس روانشناسی جمعی انسان نهفته است که تحت تأثیر قوانین جهانی طبیعت قرار دارد.

امواج درون ساختار بازار، نسبت‌ها و روابط خاص فیوناچی را نشان میدهند. تحلیل فیوناچی دست در دست تئوری امواج الیوت کار میکند. تئوری امواج الیوت به تعیین ساختار درون حرکت قیمت کمک میکند، در حالی که فیوناچی به تعیین اهداف قیمتی برای الگوهای ایمپالس و اصلاحی کمک میکند. آنها از نظر ماهیت مکمل یکدیگر هستند و باید به عنوان بخشی از یک کل منسجم در نظر گرفته شوند.

چهار ابزار اصلی فیوناچی در زمینه معاملات وجود دارد: بازگشت‌های فیوناچی، گسترش‌های فیوناچی، پروجکشن‌های فیوناچی و نسبت‌های زمانی فیوناچی. در بخش‌های بعدی، هر یک از ابزارهای فیوناچی را که در معاملات مبتنی بر تئوری امواج الیوت به آنها تکیه خواهیم کرد، بررسی خواهیم کرد.

اصلاحات فیوناچی

ابزار اصلاح فیوناچی یک ابزار بسیار پرکاربرد در بین معامله‌گران فنی است. این ابزار اصلاحات داخلی را در یک حرکت قیمتی اندازه‌گیری میکند. برای رسم آن، دو نقطه انتهایی - یک سقف نوسان بزرگ و یک کف نوسان بزرگ - انتخاب میشوند. ابزار اصلاح، ناحیه بین این دو نقطه انتخاب شده را با نسبت‌های تعیین شده فیوناچی، که معمولاً شامل سطوح اصلاحی ۲۳.۶ درصد، ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد و ۷۸.۶ درصد است، تقسیم میکند. این سطوح نشان‌دهنده حمایت و مقاومت پنهان در بازار هستند. معامله‌گران میتوانند از سطوح اصلاح فیوناچی به عنوان راهی برای یافتن نقاط ورود با احتمال بالا و قرار دادن دستورات حد ضرر منطقی استفاده کنند.

توجه: سطوح ۵۰ درصد و ۷۸.۶ درصد از دنباله فیوناچی به دست نیامده‌اند، با این حال، به عنوان سطوح اصلاحی کلیدی فیوناچی در نظر گرفته میشوند. سطح ۵۰ درصد نیمی از اصلاح قیمت را نشان میدهد، از این رو واکنش‌های روانی خاصی را در بین معامله‌گران برمی‌انگیزد. از سوی دیگر، ۷۸.۶ درصد جذر ۰.۶۱۸ است، و افزودن این سطح به لیست، با قرار گرفتن سطح ۵۰ درصد در وسط، دو سطح بالاتر و دو سطح پایین‌تر، حس تعادل را به وجود می‌آورد.

همانند تمام ابزارهای مبتنی بر فیوناچی، تعیین اینکه به کدام سطوح اصلاحی بیشترین توجه را نشان دهیم به عوامل متعددی بستگی دارد. مهم‌ترین آنها ساختار موج فعلی است. بارها،

هنگام استفاده از ابزار اصلاح فیبوناچی، ما شروع و پایان یک ایمپالس را به عنوان دو نقطه مرجع انتخاب میکنیم. از آنجا، سعی میکنیم میزان احتمالی پولبک در مرحله اصلاحی را پیش‌بینی کنیم.

سطح ۲۳.۶ درصد کم عمق‌ترین اصلاح است و میتواند در بازارهای با روند قوی مانند اکستنشن‌ها در موقعیت موج ۳ دیده شود. سطح ۳۸.۲ درصد یک نوع رایج‌تر از سطح اصلاحی است و در شرایط روند عادی رخ میدهد. بسیاری از اصلاحات موج ۴ به سطح اصلاحی ۳۸.۲ درصد پایبند هستند. همانطور که اشاره کردم، مانند اصلاح ۵۰ درصد، اغلب یک اثر روانی وجود دارد که معامله‌گران هنگام بازگشت قیمت به نصف حرکت قبلی قیمت، بر اساس آن عمل میکنند. سطح اصلاحی ۶۱.۸ درصد رایج‌ترین سطح در بازارها است که اغلب در طول پیشرفت زیگزاگ موج ۲ مورد احترام قرار میگیرد و در بسیاری از الگوهای مثلثی مشهود است. اصلاح ۷۸.۶ درصد نسبتاً عمیق است و اغلب در موقعیت موج ۲، به ویژه پس از یک حرکت طولانی قیمت، رخ میدهد.



Figure 5-1: Fibonacci retracement

در این نمودار، سطوح اصلاح فیبوناچی را با استفاده از سقف نوسان در سمت چپ بالای نمودار و کف نوسان در قسمت پایین نمودار ترسیم کرده‌ایم. ابتدا توجه کنید که چگونه قیمت در مراحل اولیه اصلاح، با لمس سطح اصلاحی ۳۸.۲ درصد واکنش نشان می‌دهد. سپس، ببینید که چگونه قیمت با نزدیک شدن به سطوح اصلاحی عمیق ۶۱.۸ درصد و ۷۸.۶ درصد، متوقف شده و از آنها جهش میکند. بدیهی است که هر سطح اصلاحی شاهد واکنش قیمت نخواهد بود. اما همانطور که بعداً خواهیم آموخت، هنگامی که بدانیم در شمارش امواج در کجا قرار داریم، میتوانیم بهتر پیش‌بینی کنیم که کدام سطوح یا مناطق فیبوناچی از نظر احتمال بازگشت، مهم‌ترین مناطقی هستند که باید زیر نظر داشته باشیم.

گسترش های فیبوناچی

ابزار گسترش فیبوناچی تا حدودی در بین معامله گران سوء تفاهم شده است. برخلاف ابزار اصلاح، ابزار گسترش یک اصلاح خارجی را اندازه گیری میکند که فراتر از نقاط نوسان انتخاب شده حرکت میکند. درست مانند اصلاحات، برای اندازه گیری یک گسترش به دو نقطه نوسان نیاز است. رایج ترین سطوح گسترش شامل ۱۲۷.۲ درصد، ۱۶۱.۸ درصد، ۲۰۰ درصد و ۲۶۱.۸ درصد است. اغلب اوقات، هنگامی که از ابزار گسترش استفاده میکنیم، به دنبال پیش بینی میزان احتمالی حرکت یک موج ایمپالس هستیم. به این ترتیب، ما شروع و پایان یک اصلاح را به عنوان نقاط شروع و پایان انتخاب میکنیم. گسترش های فیبوناچی در مقایسه با اصلاحات فیبوناچی کمتر مورد استفاده قرار میگیرند و روابط بین امواج از دیدگاه گسترش، نسبت به روابط درون اصلاحات داخلی، کمتر قابل اعتماد هستند. با این حال، آنها میتوانند بینشی در مورد قدرت یک حرکت و نقطه پایان احتمالی آن به ما ارائه دهند.

سطح گسترش ۱۲۷.۲ درصد اغلب برای محاسبه پایان موج ایمپالس ۵ استفاده میشود. برای انجام این کار، شما از شروع و پایان موج ۴ برای محاسبه سطح گسترش استفاده میکنید. پایان موج ۵ اغلب در یا نزدیک این سطح گسترش ۱۲۷.۲ درصد رخ میدهد. **سطوح گسترش ۲۰۰ درصد و ۲۶۱.۸ درصد در محاسبه منطقه پایان موج ایمپالس ۳ مفید هستند.** برای انجام این کار، شما معمولاً از شروع و پایان موج ۲ برای محاسبه سطوح استفاده میکنید. ناحیه بین این دو سطح گسترش اغلب به عنوان نقطه پایان موج ۳ عمل میکند. اکنون توجه خود را به یک نمودار قیمت واقعی معطوف میکنیم.



Figure 5-2: Fibonacci extension

توجه کنید که ما یک گسترش فیبوناچی را از کف نوسان در سمت چپ نمودار تا سقف نوسان که کمی بالاتر است رسم کرده‌ایم. خط نقطه‌چین با شیب رو به بالا این دو نقطه انتخاب شده را روی نمودار نشان می‌دهد. می‌توانید حرکت قیمت همپوشانی را ببینید که نشان می‌دهد این ساختار احتمالاً یک الگوی اصلاحی است و ما انتظار یک حرکت ایمپالس پس از این اصلاح را داریم. اولین گسترش، سطح ۱۲۷.۲ درصد است. زیر آن سطح ۱۶۱.۸ درصد قرار دارد. توجه کنید که چگونه قیمت با نزدیک شدن به این سطح متوقف شد، سطحی که چندین بار به عنوان حمایت و مقاومت عمل کرد. سومین گسترش در نمودار، سطح ۲۰۰ درصد است که به رنگ سبز رسم شده است. در نهایت، سطح گسترش ۲۶۱.۸ درصد را داریم که قبل از اینکه قیمت با قدرت به سمت بالا بازگردد، به عنوان یک ناحیه حمایتی کلیدی عمل میکند.

پروجکشن‌های فیوناچی

پروجکشن‌های فیوناچی، که در برخی پلتفرم‌ها به عنوان گسترش‌های فیوناچی نیز شناخته میشوند، یکی دیگر از کاربردهای مهم فیوناچی هستند که در معاملات مبتنی بر تئوری امواج الیوت بسیار مفید است. همانطور که ممکن است از بحث‌های قبلی ما در مورد اصلاحات و گسترش‌ها به یاد داشته باشید، این ابزارها فقط به دو نقطه نوسان برای محاسبه سطوح مربوطه نیاز دارند. با ابزار پروجکشن فیوناچی، برای محاسبه سطوح آن به سه نقطه نوسان نیاز داریم. این یکی از مواردی است که آن را از دو ابزار فیوناچی دیگر متمایز میکند.

اساساً، گسترش‌های فیوناچی سطوح قیمتی هستند که با انتخاب یک حرکت قیمت از نوسان A به B و اصلاح مربوطه آن در نوسان C ایجاد میشوند. هنگامی که این نقاط در جای خود قرار میگیرند، سطوح پروجکشن نسبت‌های فاصله از نوسان A به B را که از نوسان C اندازه‌گیری میشود، منعکس میکنند. **رایج‌ترین سطوح پروجکشن فیوناچی شامل ۶۱.۸ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۲۷.۲ درصد و ۱۶۱.۸ درصد است.** با ابزار پروجکشن، ما سعی میکنیم تخمین بزنیم که یک موج خاص (که در همان جهت موجی که ما در حال اندازه‌گیری آن هستیم حرکت میکند) احتمالاً تا کجا پیش خواهد رفت. این ابزار به ویژه زمانی مفید است که بخواهیم نقاط پایان احتمالی موج ۳ یک ایمپالس، موج ۵ یک ایمپالس و موج C یک اصلاح مسطح یا زیگزاگ معمولی را پیدا کنیم. ما میتوانیم طول موج‌های ۳ و ۵ را با استفاده از نسبت فیوناچی طول موج ۱ پیش‌بینی کنیم. همانطور که بعداً خواهیم آموخت، هر دو موج ۳ و ۵ روابط فیوناچی خاصی با موج ۱ دارند. علاوه بر این، میتوانیم با مقایسه حرکت قیمت موج C با طول موج A، به دنبال نقطه پایان احتمالی موج C باشیم. ما تمام این موارد را در بخش‌های آینده با جزئیات بیشتری بررسی خواهیم کرد، اما در حال حاضر، درک نحوه استفاده از ابزار پروجکشن فیوناچی مهم است.

با نگاهی به سطوح مختلف گسترش، طول موج ۵ اغلب برابر یا ۰.۶۱۸ برابر طول موج ۱ است. به این ترتیب، **سطوح پروجکشن ۶۱.۸ درصد و ۱۰۰ درصد اغلب برای تعیین پایان احتمالی موج ۵ در مقایسه با موج ۱ استفاده میشوند.**

طول موج C اغلب برابر با طول موج A است، اما گاهی اوقات تقریباً ۱۲۷ درصد طول موج A است. به این ترتیب، **سطوح پروجکشن ۱۰۰ درصد و ۱۲۷ درصد به طور منظم در پیش‌بینی پایان موج C در مقایسه با موج A استفاده میشوند.**

طول موج ۳ اغلب ۱.۶۱۸ برابر طول موج ۱ است. این یکی از قوی‌ترین روابط فیبوناچی بین امواجی است که در یک جهت حرکت میکنند. این یک رابطه بسیار مهم است که هنگام تعیین پایان احتمالی موج ۳ باید به خاطر داشته باشید. به عنوان مثال، اگر پروجکشن موج ۳ نتواند تقریباً به ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ برسد، ممکن است بخواهیم شمارش خود را مجدداً ارزیابی کرده و احتمال اینکه ساختار مورد نظر در واقع اصلاحی باشد نه ایمپالس، را در نظر بگیریم.



در این مثال، میتوانید سطوح پروجکشن فیبوناچی را که با استفاده از سه نقطه نوسان A، B و C رسم شده‌اند، مشاهده کنید. آنها را با امواج A، B و C اشتباه نگیرید. این نقاط نوسان هیچ ارتباطی با شمارش امواج ندارند. آنها صرفاً برای کمک به تجسم نقاط در ساخت سطوح پروجکشن فیبوناچی استفاده میشوند.

با شروع از بالای نمودار، اولین پروجکشن سطح ۶۱.۸ درصد است که به رنگ سبز رسم شده است. پس از آن، سطح ۱۰۰ درصد را داریم که چند بار به عنوان حمایت عمل میکند. درست بالای آن، سطح ۱۲۷.۲ درصد و آخرین سطح، سطح ۱۶۱.۸ درصد را مشاهده خواهید کرد. توجه کنید که پس از تکمیل نوسان C، حرکت قیمت تا سطح ۱۶۱.۸ درصد بالا میرود و سپس بازگشت کرده و در محدوده‌ای که توسط سطوح ۱۶۱.۸ درصد و ۱۰۰ درصد ایجاد شده است، تثبیت میشود. شما باید بتوانید ساختار پنج موجی را به سمت بالا مشاهده کنید.

مناطق زمانی فیبوناچی

نسبت زمانی فیبوناچی آخرین ابزار فیبوناچی است که مورد بحث قرار میدهیم. هنگامی که بیشتر معامله‌گران تحلیل خود را انجام میدهند، اغلب بر اساس قیمت فرضیاتی را مطرح میکنند، اما به ندرت تحلیل زمانی را در نظر میگیرند.

تحلیل زمانی دقیقاً چیست؟

به زبان ساده، همانطور که نسبت‌های فیبوناچی میتوانند سطوح قیمتی را که احتمالاً منجر به واکنش‌های قیمتی میشوند به ما نشان دهند، نسبت‌های زمانی میتوانند سطوح زمانی را که ممکن است واکنش‌های قیمتی در آن رخ دهند، به ما اطلاع دهند. یک سطح زمانی به سادگی یک زمان آینده است که احتمالاً یک واکنش قیمتی یا نقطه عطف در آن رخ میدهد. آن را به عنوان حمایت و مقاومت بر اساس زمان در نظر بگیرید. یکی از قوی‌ترین سیگنال‌های معاملاتی که میتوانید دریافت کنید زمانی است که قیمت و زمان در یک بازه باریک همسو میشوند. برای رسم نسبت زمانی فیبوناچی، به دو نقطه مرجع نیاز داریم: یک سقف نوسان و یک کف نوسان. نسبت زمانی فیبوناچی سپس به صورت خطوط عمودی که به آینده امتداد میابند رسم میشود. **مهم‌ترین نسبت‌های زمانی عبارتند از: ۳۸.۲ درصد؛ ۶۱.۸ درصد؛ ۱۰۰ درصد؛ و ۱۶۱.۸ درصد.**

به خاطر داشته باشید که نسبت‌های زمانی فیبوناچی به اندازه سایر ابزارهای فیبوناچی که مبتنی بر قیمت هستند قابل اعتماد نیستند، اما موارد خاصی وجود دارد که نسبت‌های زمانی بسیار ارزشمند ثابت میشوند. مهم‌ترین آنها زمانی است که ما به دنبال نقطه پایان موج ۴ هستیم. **اصلاحات ساده موج ۴ معمولاً بین ۶۱.۸ درصد و ۱۰۰ درصد از زمان سپری شده در تشکیل موج ۳ به پایان میرسند.** دانستن این گرایش به ما کمک میکند تا از ورود زودهنگام به موج پنجم جلوگیری کنیم.

بهترین راه برای اعمال نسبت‌های زمانی فیبوناچی این است که آنها را به جای نقاط سخت و سریع در طول سری زمانی، به عنوان مناطق در نظر بگیریم. **اصلاحات تند موج ۲ اغلب ۳۸.۲**

درصد تا ۶۱.۸ درصد از زمان موج ۱ را به خود اختصاص میدهند. اصلاحات ساده موج ۴ اغلب ۶۱.۸ درصد تا ۱۰۰ درصد از زمان موج ۳ را به خود اختصاص میدهند. از این دو گرایش، رابطه دوم قوی‌تر است. بیایید ببینیم این در یک نمودار قیمت چگونه به نظر میرسد.



Figure 5-4: Fibonacci time zone

در این نمودار، نوسان از کف به سقف را انتخاب کرده‌ام، همانطور که با خط چین در نزدیکی مرکز نمودار مشاهده میکنید. پس از انتخاب این دو نقطه مرجع، نسبت‌های زمانی فیبوناچی به طور خودکار در امتداد محور زمان به صورت خطوط عمودی رسم میشوند. اولین نسبت زمانی، نسبت ۳۸.۲ درصد است که به رنگ قرمز نشان داده شده است، و دومی نسبت ۶۱.۸ درصد است. توجه کنید که چگونه این اصلاح نوسان قبلی تقریباً دقیقاً در این سطح به پایان رسید. همچنین، در سمت راست نمودار، نسبت‌های زمانی ۱۰۰ درصد و ۱۶۱.۸ درصد را رسم شده

داریم.



Figure 5-5: Fibonacci time zone

در این مثال، من از نوسان از سقف به کف برای محاسبه پروجکشن‌های زمانی ۶۱.۸ درصد و ۱۰۰ درصد استفاده کرده‌ام. آیا می‌توانید ببینید که اصلاح قیمت در کجا به پایان می‌رسد؟ دقیقاً در وسط این منطقه، قبل از اینکه عرضه شروع به افزایش کند. منطقه زمانی فیبوناچی ۶۱.۸ درصد - ۱۰۰ درصد، پایان حرکت اصلاحی را نشان می‌دهد و بلافاصله پس از آن، قیمت‌ها به یک کف جدید می‌رسند. اگر این منطقه را رسم نکرده بودیم، ممکن بود زودتر وسوسه شویم که موقعیت فروش بگیریم. پس از رسم این خطوط نسبت، میدانستیم که باید صبر کنیم زیرا احتمالاً اصلاح از نظر زمانی هنوز به پایان نرسیده بود. بارها و بارها پیش آمده که پروجکشن زمانی فیبوناچی مرا از ورود زودهنگام به یک موقعیت نجات داده است.

به پایان این فصل رسیدیم. امیدوارم با انواع مختلف مطالعات فیبوناچی و نحوه استفاده از آنها راحت شده باشید. به یاد داشته باشید که هنگام تجزیه و تحلیل نسبت‌های زمان و قیمت به منظور یافتن نقاط عطف بالقوه، همیشه باید آنها را به عنوان مناطق در نظر بگیرید نه نقاط ثابت منفرد.

در دو فصل آینده، قصد داریم عمیق‌تر به هنر ترکیب نسبت‌های فیبوناچی با امواج مختلف در چرخه کلی بپردازیم.

فصل ۶: فیوناچی و فاز ایمپالس

ترکیب تئوری امواج الیوت و فیوناچی

تحلیل تئوری امواج الیوت و تحلیل فیوناچی دست در دست هم پیش میروند. تئوری امواج الیوت یک چارچوب برای ما فراهم میکند که از طریق آن میتوانیم ساختارهای مختلف حرکت قیمت را در بازار تجزیه و تحلیل کنیم، و استفاده از ابزارهای مبتنی بر فیوناچی به ما کمک میکند تا اهداف با احتمال بالای پایان امواج را در ساختار کلی شناسایی کنیم.

بسیاری از معامله‌گران وجود دارند که خود را در تحلیل فیوناچی ماهر میدانند. با این حال، بدون درک صحیح و اجرای منسجم آن با اصل تئوری امواج الیوت، این معامله‌گران به سادگی از تمام مزایایی که میتوان از یک رویکرد جامع‌تر که هر دو را ترکیب میکند، به دست آورد، بهره‌مند نمیشوند. ساختار ریاضی در الگوهای تئوری امواج الیوت با دنباله فیوناچی، به ویژه با نسبت‌های مشتق شده از فیوناچی، مرتبط است. بنابراین، ضروری است که این دو به عنوان اجزایی که یک کل را تشکیل میدهند در نظر گرفته شوند تا مفاهیم متقابلاً منحصر به فرد. به همین دلیل است که گاهی اوقات می‌شنوید که برخی از معامله‌گران شکایت میکنند که سعی کرده‌اند از مفاهیم فیوناچی استفاده کنند اما هیچ موفقیتی با آن پیدا نکرده‌اند. مشکل در مفاهیم نیست، بلکه در کاربرد آن مفاهیم است. این بدان معناست که شما نمیتوانید به سادگی به واکنش قیمت به هر سطح فیوناچی به طور دلخواه تکیه کنید، بلکه باید ایده روشنی از موقعیت خود در ساختار کلی موج داشته باشید. این به شما امکان میدهد تا با موفقیت بالاترین نسبت‌های احتمالی فیوناچی را برای آن چرخه موج خاص اعمال کنید.

در این فصل، ما بر روابط در فاز ایمپالس تمرکز خواهیم کرد. مفاهیمی را که در مورد تئوری امواج الیوت و فیوناچی آموختیم، ادغام کرده و به یک روش منسجم‌تر و مبتنی بر آمار تبدیل خواهیم کرد. امیدوارم شما نیز از یادگیری این موضوع به اندازه من از ارائه آن به شما هیجان زده باشید.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج ۲

رابطه قیمتی

بیاید توجه خود را به تصویر زیر معطوف کنیم:

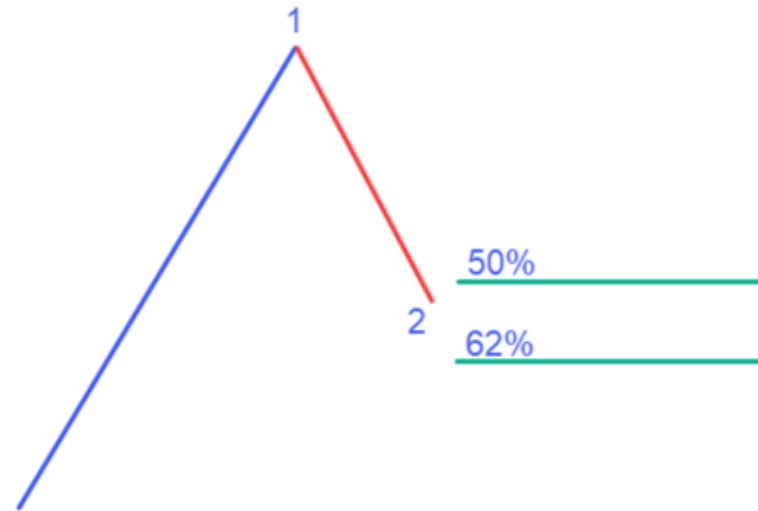


Figure 6-1: Fib ratios for Wave 2

در این تصویر، خط آبی نشان دهنده یک حرکت ایمپالس در موج ۱ است و خط قرمز نشان دهنده یک اصلاح در برابر موج ۱ است که موج ۲ نامیده میشود. ما از ابزار اصلاح فیبوناچی برای اندازه‌گیری ابتدای موج ۱ تا انتهای موج ۱ استفاده میکنیم. با انتخاب این دو نقطه، نمودار به طور خودکار سطوح فیبوناچی از پیش تعیین شده شما را رسم میکند. **رایج‌ترین اصلاح فیبوناچی برای موج ۲، یک اصلاح ۵۰ تا ۶۲ درصدی از موج ۱ است.**

توجه: به خاطر سادگی، هنگام صحبت در مورد نسبت‌های فیبوناچی، رقم اعشار را گرد خواهیم کرد. به عنوان مثال، من اغلب به نسبت ۶۱.۸ درصد به عنوان ۶۲ درصد اشاره میکنم، و همین کار را با بسیاری از نسبت‌های دیگر نیز انجام خواهیم داد. این فقط از نظر بحث آسان‌تر است و تغییر اساسی در آنچه در مورد آن صحبت میکنیم ایجاد نمیکند. **باز هم، اصلاح موج ۲ اغلب بین ۵۰ تا ۶۲ درصد طول موج ۱ به پایان میرسد.** به نمودار قیمت زیر نگاهی بیندازید.



Figure 6-2: 50% - 62% Fib retracement

در این نمودار، قیمت به صورت ایملپالس صعود میکند و سقف موج ۱ را ایجاد میکند. سپس، شروع به تثبیت و حرکت به سمت پایین میکند و موج اول را اصلاح میکند. در میان خطوط اصلاحی که توسط ابزار اصلاح فیبوناچی رسم شده‌اند، به سطوح اصلاحی ۵۰ درصد و ۶۲ درصد توجه کنید. هنگامی که قیمت به این منطقه میرسد، برای مدتی قابل توجه بین این دو مرز تثبیت میشود و سپس به روند کلی خود ادامه میدهد. قیمت با شروع از این منطقه تثبیت قوی، به راحتی سقف موج ۱ را در حرکت به سمت موج ۳ پشت سر میگذارد.



Figure 6-3: 50% - 62% Fib retracement

در اینجا مثال دیگری از اصلاح موج ۲ آورده شده است. قیمت با یک حرکت قوی در موج ۱ شروع میشود. پس از آن، در مرحله اصلاح موج ۲، اصلاح صعودی خود را آغاز میکند. به محض اینکه قیمت با سطح ۵۰ درصد تعامل پیدا میکند، اصلاح به پایان میرسد و قیمت‌ها شروع به حرکت نزولی به سمت موج ایمپالس ۳ میکنند. شما باید بتوانید تقسیم ۵ موجی را در موج ۳ ببینید که در نزدیکی پایین سمت راست نمودار به پایان میرسد.

رابطه زمانی

اکنون، بیایید به رابطه زمانی بین این دو موج بپردازیم.

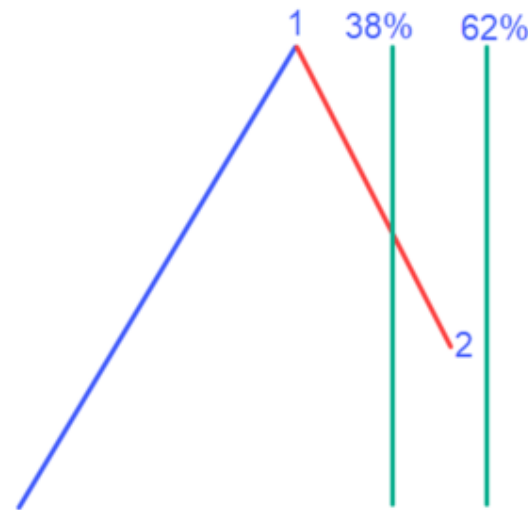


Figure 6-4: Time ratios for Wave 2

در این نمودار، خط آبی نشان دهنده یک حرکت ایمپالس در موج ۱ و خط قرمز نشان دهنده اصلاح در موج ۲ است. با استفاده از دو نقطه مرجع (شروع و پایان موج ۱)، نسبت‌های زمانی فیبوناچی در آینده رسم شده‌اند. معمولاً، موج ۲ اغلب بین ۳۸ تا ۶۲ درصد از زمان سپری شده در طول تشکیل موج ۱ را به خود اختصاص می‌دهد. توجه داشته باشید که موج ۲ اغلب یک اصلاح ساده و تند به شکل زیگزاگ است که تمایل دارد نسبتاً سریع رخ دهد و آن را به یک اتفاق کوتاه مدت تبدیل میکند. در زیر یک مثال واقعی در نمودار قیمت آورده شده است.



Figure 6-5: 38% - 62% time ratio

در این مثال، حرکت قیمت منجر به یک اصلاح نسبتاً عمیق میشود، که همان چیزی است که برای یک اصلاح موج ۲ معمولی انتظار داریم. به مؤلفه زمانی در این مثال توجه کنید. قیمت وارد منطقه زمانی ۳۸ تا ۶۲ درصد میشود، به سمت بالا جهش میکند و دیگر به عقب نگاه نمیکند. در نهایت، سقف موج ۱ را در آنچه مطمئناً به نظر میرسد حرکت قیمت موج ۳ است، پشت سر میگذارد.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج ۳

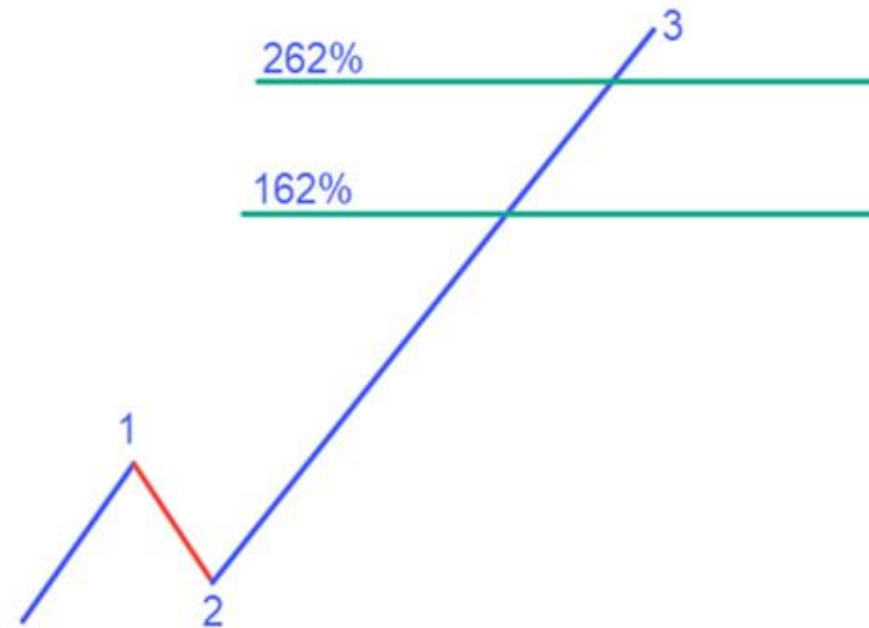


Figure 6-6: Fib ratios for Wave 3

اکنون بیایید به بررسی مهم‌ترین روابط برای موج ۳ بپردازیم. در این نمودار، موج ۱ اولیه را با خط آبی مشاهده میکنید که به دنبال آن یک اصلاح عمیق موج ۲ با خط قرمز و یک موج ۳ که در همان جهت موج ۱ به سمت بالا حرکت میکند، نشان داده شده است. همانطور که موج ۲ رابطه قوی با موج ۱ دارد، موج ۳ نیز رابطه قوی با موج ۱ دارد. در واقع، از بین تمام روابط در فاز ایمپالس که مورد بحث قرار میدهیم، رابطه بین موج ۱ و ۳ قابل اعتمادترین و مهم‌ترین است. برای سنجش میزان حرکت قیمت موج ۳، از ابزار پروجکشن فیبوناچی استفاده خواهیم کرد

به یاد داشته باشید که برای محاسبه سطوح پروجکشن فیبوناچی به سه نقطه مرجع نیاز داریم: نوسان A، نوسان B و نوسان C. در این مورد، ما به یک حرکت صعودی نگاه میکنیم، بنابراین با ابتدای موج ۱ که نوسان A است شروع میکنیم و به انتهای موج ۱ که نوسان B است میرسیم. در نهایت، انتهای موج ۲ را داریم که نوسان C است. پس از انتخاب این سه نقطه مرجع، سطوح پروجکشن باید به صورت خطوط افقی روی نمودارهای شما ظاهر شوند.

اکنون به رابطه مهم میرسیم. **موج ۳ اغلب ۱۶۲ درصد طول موج ۱ است.** گاهی اوقات، **در یک بازار با روند بسیار قوی، تا ۲۶۲ درصد طول موج ۱ نیز امتداد میابد.** اگر ویژگی‌های موج ۳ را درک کنید، این موضوع برای شما منطقی‌تر خواهد بود. به عنوان یک قانون تخطی‌ناپذیر، موج ۳ نمیتواند کوتاه‌ترین موج در بین امواج ایمپالس ۱، ۳ و ۵ باشد. در مرحله بعد، یکی از دستورالعمل‌های مهم تئوری امواج الیوت به ما میگوید که موج ۳ اغلب موج گسترده است و به همین دلیل، تمایل دارد طولانی‌ترین موج در بین امواج ۱، ۳ و ۵ باشد. در طول موج ۳، بسیاری از معامله‌گرانی که نسبت به روند در موج ۱ تردید داشتند، اکنون به این روند پیوسته‌اند. با شکستن سقف موج ۱ توسط قیمت، معامله‌گران و سرمایه‌گذاران بیشتری سوار بر این روند میشوند و قیمت‌ها را بیشتر در جهت روند سوق میدهند. بیاید به یک مثال واقعی در زیر نگاه کنیم.



Figure 6-7: Fib ratios for Wave 3

در این مثال، چهار سطح مختلف پروجکشن فیبوناچی را مشاهده میکنید که با استفاده از سه نقطه مرجع رسم شده‌اند: شروع موج ۱، پایان موج ۱ و پایان موج ۲. ابتدا میبینیم که قیمت با رسیدن به سطح پروجکشن ۱۲۷ درصد متوقف میشود. پس از آن، حرکت نزولی یک بار دیگر با نزدیک شدن به سطح ۱۶۱.۸ درصد کند میشود. توجه کنید که چگونه قیمت قبل از یک حرکت نزولی دیگر به ناحیه قیمت ۲۷۲ درصد که در این مورد به عنوان قوی‌ترین مانع عمل میکند، به این سطح باز می‌گردد تا آن را آزمایش کند. پس از رسیدن به آخرین مانع کلیدی، قیمت با ورود به موج ۴ به سمت بالا اصلاح میشود.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج ۴

در ادامه، رایج‌ترین روابط برای موج ۴ در مقایسه با موج ۳ را مورد بحث قرار خواهیم داد.

رابطه قیمتی

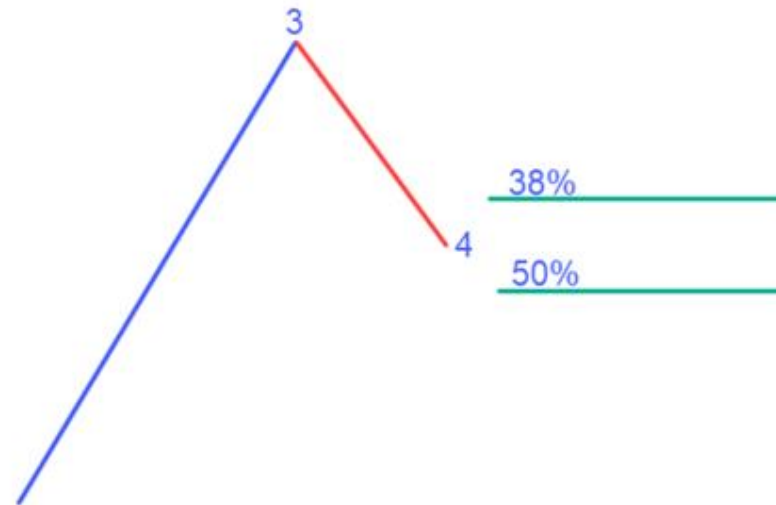


Figure 6-8: Fib ratios for Wave 4

در این نمودار، یک موج ۳ صعودی را مشاهده خواهید کرد که به دنبال آن اصلاح موج ۴ آمده است. موج ۴ اغلب بین ۳۸ تا ۵۰ درصد از قلمرو موج ۳ را اصلاح میکند.

به خاطر داشته باشید که در یک بازار با روند بسیار قوی، موج ۴ ممکن است تنها ۲۴ درصد از موج ۳ را اصلاح کند. با این حال، در اکثریت قریب به اتفاق موارد، محدوده ۳۸ تا ۵۰ درصد اغلب مورد احترام قرار میگیرد و برای اهداف اجرای معاملات با احتمال بالا، قابل اعتمادترین محسوب میشود. همانطور که احتمالاً میدانید، برای محاسبه این سطوح باید از ابزار اصلاح فیبوناچی استفاده کنیم. دو نقطه مرجع، شروع موج ۳ و پایان موج ۳ خواهند بود. با مقایسه موج ۴ و موج ۲، ممکن است متوجه شوید که اصلاح موج ۴ در بیشتر موارد کم عمق‌تر است.



Figure 6-9: Fib ratios for Wave 4

اکنون، بیاید به یک اصلاح موج ۴ در یک نمودار واقعی نگاهی بیندازیم.

در این نمودار، من شروع موج ۳ و پایان موج ۳ را به عنوان دو نقطه مرجع برای رسم سطوح اصلاح فیبوناچی انتخاب کرده‌ام. یک اشتباه که برخی از معامله‌گران هنگام رسم سطوح اصلاح موج ۴ مرتکب میشوند این است که به جای شروع موج ۳، شروع موج ۱ را به عنوان اولین نقطه مرجع در نظر میگیرند. مطمئن شوید که این اشتباه را مرتکب نمیشوید، در غیر این صورت خروجی‌های اصلاح به طور نادرست روی نمودار علامت‌گذاری میشوند. پس از انتخاب نقاط نوسان صحیح و رسم سطوح اصلاح فیبوناچی برای موج ۴، می‌خواهیم صبر کنیم تا قیمت به این سطح برسد و سپس معاملات جدید را آغاز کنیم. در این مورد خاص، قیمت‌ها به راحتی از سطح ۳۸ درصد عبور میکنند، اما در نهایت در سطح ۵۰ درصد مقاومت قوی پیدا میکنند که سقف اصلاح موج ۴ از آب درآمد.

رابطه زمانی

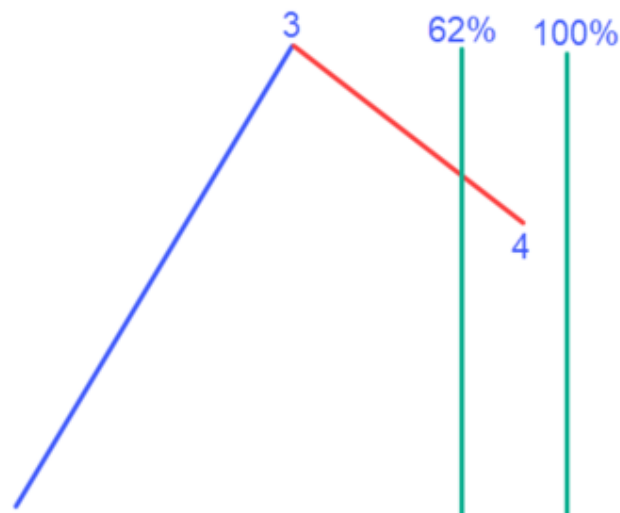


Figure 6-10: Time ratios for Wave 4

اکنون، بیایید به رابطه زمانی بین امواج ۳ و ۴ نگاهی بیندازیم. اگر در بحث قبلی ما در مورد رابطه زمانی بین امواج ۱ و ۲ به خاطر داشته باشید، خواهید دید که یک موج ۲ تند اغلب بین ۳۸ تا ۵۰ درصد از زمانی را که موج ۱ برای تشکیل شدن نیاز دارد، به خود اختصاص می‌دهد. پس، در مورد روابط زمانی بین امواج ۳ و ۴ چطور؟ رایج‌ترین رابطه زمانی بین این دو موج این است که موج ۴ بین ۶۲ تا ۱۰۰ درصد از زمان تکمیل موج ۳ را به خود اختصاص می‌دهد. دلیل این امر این است که موج ۴ اغلب یک اصلاح جانبی طولانی است و ممکن است به یک الگوی اصلاحی مثلثی یا ترکیبی تبدیل شود که زمان زیادی برای شکل‌گیری نیاز دارد. این رابطه زمانی بین این دو موج بسیار قابل اعتمادتر از رابطه زمانی بین موج ۱ و موج ۲ است. این دستورالعملی است که من معتقدم واقعاً باید مراقب آن باشید. در زیر نمونه‌ای از نسبت‌های زمانی فیبوناچی برای اصلاح موج ۴ آورده شده است.



Figure 6-11: Time ratio for Wave 4

در این مثال، یک اصلاح عمیق در موج ۲ و یک حرکت تند صعودی که به دنبال آن می‌آید و منجر به موج ۳ میشود را مشاهده میکنید. تمام این نوع فرآیندهای فکری و ملاحظات باید در ارزیابی شمارش امواج در نظر گرفته شوند. همانطور که میبینیم، پس از رسیدن به اوج موج ۳، قیمت شروع به عقب‌نشینی میکند که به نظر میرسد یک اصلاح تند است و منجر به منطقه زمانی مهم ۶۲ تا ۱۰۰ درصد فیبوناچی میشود. قیمت شروع به توقف و تثبیت در وسط منطقه میکند و سپس در موج ۵ به سمت بالا شکسته میشود.

بنابراین، امیدوارم کم‌کم قدر روابط فیبوناچی بین امواج مختلف در چرخه کلی تئوری امواج الیوت را درک کنید. در ادامه، به کشف رایج‌ترین روابط فیبوناچی در موج ۵ خواهیم پرداخت.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج ۵

ما در این فصل مطالب زیادی را پوشش دادیم، اما هنوز یک موج مهم دیگر در دنباله ایمپالس باقی مانده است که باید مورد بحث قرار دهیم - موج ۵. بیایید نمودار زیر را بررسی کنیم.

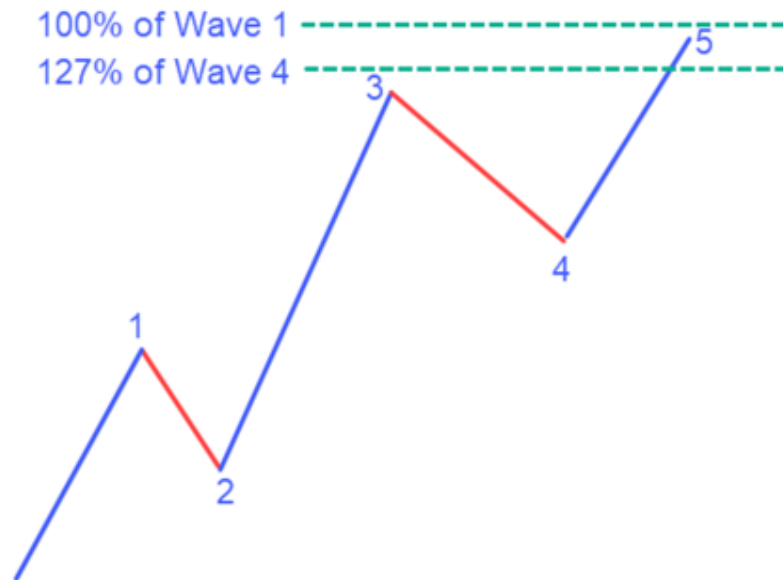


Figure 6-12: Fib ratios for Wave 5

در این تصویر، میتوانید پنج موج ایمپالس را در جای خود مشاهده کنید. همانطور که امواج ۲ و ۳ رابطه قوی با موج ۱ دارند، موج ۵ نیز چنین است. اما نکته جالب در مورد موج ۵ این است که رابطه مهمی نیز با موج ۴ دارد. این دو رابطه باید به طور همزمان برای ایجاد یک منطقه پایانی برای انتهای موج ۵ استفاده شوند. در اینجا روابط رایجی وجود دارد که باید برای موج ۵ به خاطر بسپاریم. موج ۵ و موج ۱ از نظر طول با هم برابر هستند، به این معنی که طول موج ۵ اغلب برابر با طول موج ۱ است. علاوه بر این، موج ۵ اغلب یک گسترش ۱۲۷ درصدی از موج ۴ است. برای استفاده از این روابط، برای سنجش میزان حرکت قیمت موج ۵ به دو ابزار نیاز داریم.

اولین ابزار، ابزار پروجکشن فیبوناچی است که از آن برای پروجکت کردن طول موج ۱ از انتهای موج ۴ برای یافتن نقطه پایان احتمالی موج ۵ استفاده خواهیم کرد. با مراجعه به دستورالعمل‌های تئوری امواج الیوت، یکی از امواج در بین امواج ۱، ۳ و ۵ طولانی‌تر از دو موج دیگر خواهد بود، و دو موج کوتاه‌تر تمایل به برابری خواهند داشت. از نظر آماری، موج ۳ اغلب طولانی‌ترین موج در بین این سه موج است، به این معنی که امواج ۱ و ۵ اغلب طول یکسانی دارند. به این ترتیب، از پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ برای یافتن نقطه پایان موج ۵ با درجه مربوطه استفاده میشود.

همچنین، برای رسم گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴ به ابزار گسترش فیبوناچی نیاز خواهیم داشت. برای اندازه‌گیری این گسترش، از انتهای موج ۳ و انتهای ارتدوکس موج ۴ استفاده خواهیم کرد. توجه به این نکته مهم است که انتهای ارتدوکس موج ۴ گاهی اوقات با اوج موج ۴ متفاوت است. دلیل این امر این است که انتهای ارتدوکس به نقطه پایانی الگو اشاره دارد که ممکن است همیشه نقطه اوج در داخل الگو نباشد. با این حال، از نظر عملی، اگر نتوانید شمارش قابل اعتمادی در اصلاح موج ۴ به دست آورید، میتوانید پس از رسم هر دو مطالعه فیبوناچی، از اوج موج ۴ به عنوان نقطه دوم استفاده کنید.

پیشرفت موج ۵ اغلب بین سطح پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ و سطح گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴ به پایان میرسد.

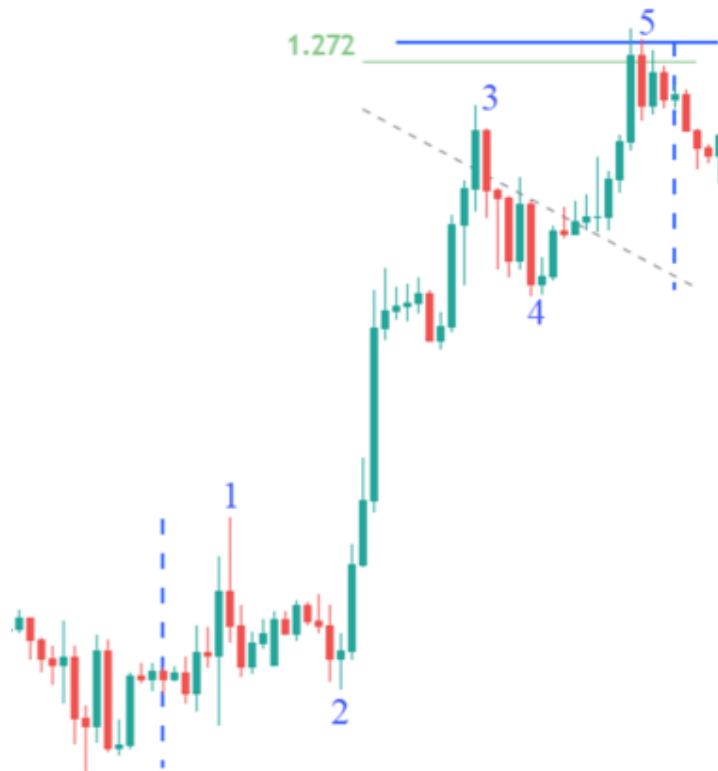


Figure 6-13: Fib ratios for Wave 5

با نگاهی به این نمودار قیمت، طول موج ۱ را مشاهده میکنید که با خط چین عمودی نشان داده شده است. ما می‌خواهیم این فاصله را از انتهای موج ۴ پروجکت کنیم. این نیز در نمودار با خط چین دوم نشان داده شده است که طول برابری با اولی دارد. توجه کنید که در سمت راست بالای نمودار، دو خط افقی داریم که بالایی آن پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ است. بر اساس این رابطه یک به یک معمولی بین موج ۱ و ۵ در نرم‌افزار نموداری، ما سه نقطه نوسان (شروع موج ۱، پایان موج ۱ و پایان موج ۴) را برای محاسبه سطح پروجکشن موج ۵ انتخاب میکنیم.

مرز دیگر این منطقه، گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴ است. میتوانید ببینید که من چگونه این کار را با مراجعه به خط چین مورب که شروع و پایان موج ۴ را به هم متصل میکند، انجام داده‌ام. پس از انتخاب نقاط مناسب، سطح گسترش ۱۲۷ درصد باید روی نمودار رسم شود. همانطور که میبینید، موج ۵ دقیقاً در منطقه‌ای که توسط این دو خط ایجاد شده است به پایان میرسد.

این پایان فصل است. در این فصل، تمام روابط مهم فیبوناچی را در ارتباط با دنباله ایملپالس بررسی کردیم. در ادامه، تمرکز خود را تغییر داده و شروع به یادگیری روابط رایج بین امواج در فاز اصلاحی خواهیم کرد. با ما همراه باشید.

فصل ۷: فیوناچی و فاز اصلاحی

این فصل بر روابط بین امواج در دنباله اصلاحی تمرکز خواهد کرد. با این حال، قبل از یادگیری این روابط، بیایید چند نکته اصلی در مورد سه موج در فاز اصلاحی چرخه تئوری امواج الیوت را به خاطر بسپاریم.

اکنون باید بدانید که پس از تکمیل موج ۵ ایمپالس، قیمت‌ها وارد فاز اصلاحی با برچسب A، B و C میشوند.

عملکرد قیمت و روانشناسی در فاز اصلاحی کاملاً متفاوت از فاز ایمپالس است. موج A فاز اصلاحی را آغاز میکند و در خلاف جهت روند قبلی حرکت میکند، اما بیشتر معامله‌گران در این مرحله نگران یکپارچگی روند نیستند. در واقع، بسیاری از معامله‌گران اصلاح در موج A را صرفاً یک پولبک دیگر در داخل روند میدانند، بنابراین فرصت خوبی برای افزودن به موقعیت‌های موجود خود است.

پس از تکمیل موج A، قیمت‌ها در موج B شروع به حرکت در جهت روند بزرگتر میکنند. اما معامله در جهت روند در موج B یک بازی احمقانه تلقی میشود. این ممکن است بسیاری از معامله‌گران، هم بی‌تجربه و هم باتجربه، را به این فکر وادارد که بازار برای حرکت بزرگ بعدی در داخل روند آماده میشود، اما این اتفاق نخواهد افتاد. به جای یک حرکت قوی در موج B، این یک اتفاق کوتاه مدت خواهد بود و در نتیجه، بسیاری از معامله‌گران را غافلگیر کرده و در طرف اشتباه بازار قرار میدهد. موج B اغلب نمیتواند از اوج موج ۵ عبور کند و بسیاری از معامله‌گرانی را که در طول این موج در حرکت شرکت کرده‌اند، متوقف میکند.

موج C با خود این درک را برای بیشتر فعالان بازار به همراه می‌آورد که روند بزرگتر احتمالاً به پایان رسیده و یک بازگشت در حال انجام است. موج C بسیاری از ویژگی‌های موج ۳ را دارد. اغلب میتواند یک حرکت سریع و تند باشد و تمایل دارد در محدوده موج ۴ ایمپالس قبلی یا کمی فراتر از آن به پایان برسد. در این مرحله، بسیاری از معامله‌گران متقاعد شده‌اند که روند تغییر کرده و در جهت موج C موقعیت گرفته‌اند. متأسفانه برای این تازه‌واردان خیلی دیر خواهد بود زیرا ورق برمیگردد و قیمت‌ها در جهت روند بزرگتر از سر گرفته میشوند.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج A

بیایید به تصویر زیر در مورد نسبت‌های فیبوناچی برای اصلاح موج A نگاهی بیندازیم.

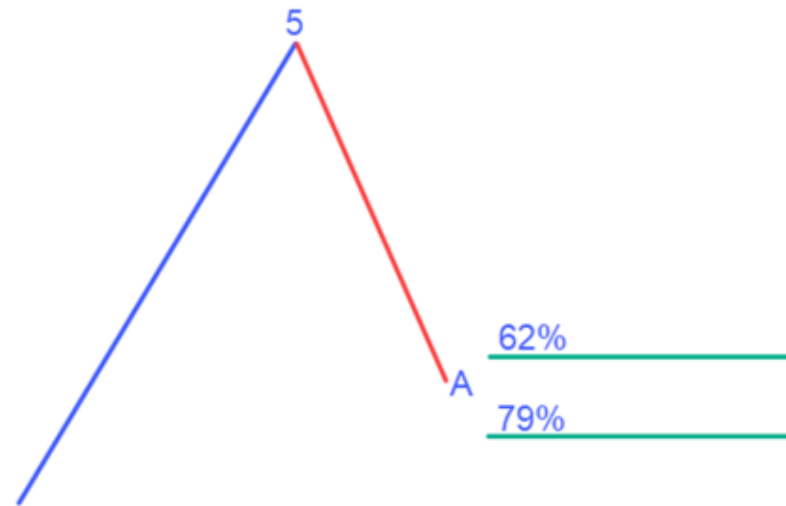


Figure 7-1: Fib ratios for Wave A

خط آبی نشان دهنده یک حرکت ایمپالس در موج ۵ است. تکمیل موج ۵ پایان فاز ایمپالس مربوطه را نشان می‌دهد. خط قرمز یک اصلاح در برابر موج ۵ را نشان می‌دهد که موج A - شروع فاز اصلاحی - است. ما از ابزار اصلاح فیبوناچی برای محاسبه محتمل‌ترین نقطه پایان برای موج A استفاده می‌کنیم. اغلب، این اصلاح بین ۶۲ تا ۷۹ درصد طول موج ۵ به پایان می‌رسد. بیایید یک مثال را در زیر ببینیم.



Figure 7-2: Fib ratios for Wave A

در این نمودار، قیمت یک دنباله ایمپالس پنج موجی نزولی خوب را شکل میدهد و موج ۵ پایین‌تر از اوج موج ۳ به پایان میرسد. بلافاصله پس از پایان موج ۵، قیمت با انتقال از فاز ایمپالس به فاز اصلاحی، افزایش میابد. با شروع از انتهای موج ۵، قیمت به تدریج از چند خط اصلاحی عبور کرده و قبل از توقف در سطح اصلاحی ۶۲ درصد و بازگشت قابل توجه به موج B فاز، متوقف میشود.

نسبت‌های فیبوناچی برای موج B

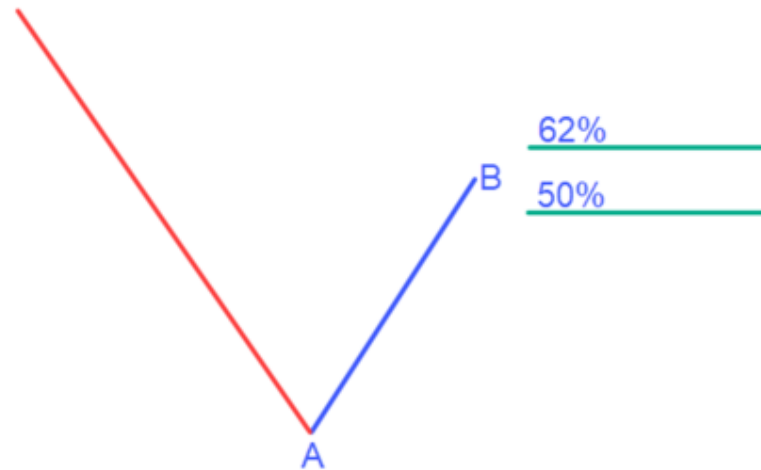


Figure 7-3: Fib ratios for Wave B

پس از تکمیل موج A در فاز اصلاحی، قیمت وارد موج B میشود. در این مثال، تصویر یک موج B صعودی پس از یک موج A نزولی را مشاهده میکنید. از آنجایی که موج B به شکل یک اصلاح با موج A مرتبط است، ما از ابزار اصلاح فیبوناچی برای محاسبه محتمل‌ترین نقطه پایان برای موج B با استفاده از طول موج A استفاده میکنیم. این موج اغلب بین ۵۰ تا ۶۲ درصد طول موج A به پایان میرسد. همانطور که موج ۲ تمایل دارد به عمق قلمرو قیمتی موج ۱ حرکت کند، موج B نیز تمایل دارد به عمق قلمرو قیمتی موج A حرکت کند. تکیه بر این نوع تنظیمات خلاف روند و استفاده از اوج موج ۵ به عنوان نقطه نوسان برای قرار دادن دستور حد ضرر، یکی از ستاپ‌های معاملاتی با بالاترین احتمال است که میتوانید در معاملات از آن استفاده کنید.

بیا یاد نگاهی به یک مثال از نسبت‌های فیبوناچی موج B در نمودار قیمت بیندازیم.



Figure 7-4: Fib ratios for Wave B

در این مثال، موج ۱ را داریم که به دنبال آن یک موج ۲ کوتاه مدت آمده است. موج ۳ با یک کندل نزولی بلند مشخص میشود. پس از تکمیل موج ۳، یک پولبک عمیق برای موج ۴ داریم که در بازارهای مالی بسیار نادر است. موج ۵ در این مورد خاص موج بلند دیگری است که به دنباله ایمپالس پایان میدهد. پس از این حرکت نزولی، فاز اصلاحی با یک حرکت تدریجی صعودی در موج A شروع میشود، قبل از اینکه یک سقوط در موج B دقیقاً در سطح اصلاحی ۵۰ درصد رخ دهد (ناحیه دایره‌ای).

نسبت‌های فیبوناچی برای موج C

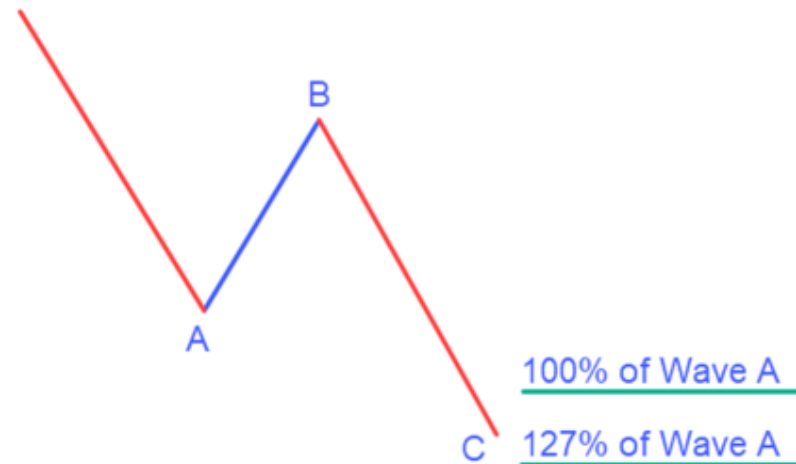


Figure 7-5: Fib ratios for Wave C

پس از تکمیل موج B، قیمت شروع به ترسیم مسیری برای موج C خواهد کرد. در این نمودار، تصویری از موج C پس از موج B را مشاهده میکنید. موج C با موج A مرتبط است، و از آنجایی که هر دو موج در یک جهت حرکت میکنند، از ابزار پروجکشن فیبوناچی برای یافتن نقطه پایان احتمالی موج C استفاده میکنیم. رایج‌ترین رابطه فیبوناچی بین موج C و موج A "برابری در طول" است. اساساً، میتوانیم انتظار داشته باشیم که طول موج C برابر با طول موج A باشد. هدف احتمالی بعدی، پروجکشن ۱۲۷ درصدی موج A خواهد بود. بیایید ببینیم این در یک نمودار قیمت چگونه به نظر میرسد.



120

اگر این روابط کار نکنند چه؟

در معاملات واقعی، مواردی وجود دارد که به نظر میرسد بازار سطوح فیوناچی را، هم در فاز ایمپالس و هم در فاز اصلاحی، نادیده میگیرد. به جای افسرده شدن در مورد این حرکات قیمت، باید واکنش‌های بازار را در نظر بگیریم تا رویکرد خود را نسبت به بازار بهتر بازبینی کنیم.

به عنوان مثال، اگر قیمت از یک سطح عبور کند، این نشان میدهد که ممکن است بازگشت در سطح بعدی رخ دهد. بدیهی است که فاصله نسبتاً زیادی برای کسب سود بیشتر از بازار وجود دارد. از طرف دیگر، اگر نقاط فیوناچی از پیش تعیین شده به دست نیایند، این نشانه‌ای برای بازبینی تفسیر و شمارش امواج ما است. باید توجه داشت که امواج در بسیاری از موارد ساختارهای ایده‌آل ندارند. معامله‌گران چندین نسخه از تفسیر روند فعلی دارند و تا زمانی که یکی از آنها کار کند به آن پایبند میمانند، یا به نسخه دیگری تغییر میدهند.

ما اکنون تمام فصل‌های مربوط به اصل تئوری امواج الیوت، نسبت‌های فیوناچی و روابط بین آنها را به پایان رسانده‌ایم. اطلاعات ارزشمند زیادی در فصل‌های گذشته وجود دارد، و من سعی کرده‌ام همه آنها را به دقیق‌ترین شکل ممکن ارائه دهم. ما اکنون تمام دانش مربوطه را برای ورود به مهم‌ترین بخش این کتاب داریم که معتقدم ممکن است منتظر آن بوده‌اید. در فصل‌های بعدی، قصد دارم تمام استراتژی‌های معاملاتی مبتنی بر تئوری امواج الیوت و فیوناچی را با جزئیات فراوان فاش کنم. با این حال، برای اینکه فصل‌های آخر جالب‌ترین و آموزنده‌ترین باشند، بیایید کمی تغییر جهت دهیم و چهار ابزار قدرتمند برای فیلتر کردن ستاپ‌های معاملاتی در بازار را کشف کنیم. ما بعداً به این ابزارها اشاره خواهیم کرد.

فصل ۸: استراتژی معاملاتی شماره ۱

از این فصل به بعد، قصد داریم به بررسی عمیق استراتژی‌های با احتمال بالای موفقیتی که در معاملاتم استفاده میکنم بپردازیم. این استراتژی‌ها تمام آنچه را که در مورد تئوری امواج الیوت و فیوناچی آموخته‌ایم در بر میگیرند. اگر در درک برخی از دروس هنوز مشکل دارید، اکیداً توصیه میکنم که دوباره به آن دروس مراجعه کنید، زیرا تمام اجزایی که در طول سفرمان تا به اینجا مورد بحث قرار داده‌ایم، به عنوان بلوک‌های سازنده برای تنظیمات معاملاتی که قصد دارم با شما به اشتراک بگذارم، عمل خواهند کرد.

پنج استراتژی اصلی وجود دارد که من اغلب در چرخه تئوری امواج الیوت معامله میکنم. من تکنیک‌های مختلف تحلیلی مربوط به تئوری امواج الیوت و فیوناچی را در یک مدل معاملاتی ادغام کرده‌ام که بالاترین فرصت‌های معاملاتی با احتمال موفقیت را در بازار ارائه میدهد. این تکنیک‌های معاملاتی حاصل سال‌ها مطالعه، آزمایش، کاربرد و اصلاح حرکات مختلف بازار هستند.

تحلیل معامله

اولین ستاپی که مورد بحث قرار خواهیم داد، ستاپ اصلاح موج ۴ است. بدیهی است که این تنظیمات خاص در طول موج ۴ رخ میدهد. موج ۴ آخرین مرحله اصلاحی در داخل ایمپالس قبل از حرکت نهایی به موج ۵ است. هدف از معامله اصلاح موج ۴، گرفتن نقطه پایان یا نزدیک به نقطه پایان موج ۴ است تا بتوانیم موج نهایی را در موج ۵ سوار شویم. هدف ما این است که سعی کنیم معامله را در نقطه پایان یا نزدیک به نقطه پایان موج ۵ ببندیم.

اگر از بحث قبلی ما در مورد الگوهای اصلاحی به خاطر داشته باشید، موج ۴ تمایل دارد یک اصلاح جانبی باشد که معمولاً به شکل یک مسطح، یک مثلث یا ترکیبی از دو مورد دیده میشود. اگرچه یک زیگزاگ میتواند در اصلاح موج ۴ ظاهر شود، اما چندان رایج نیست.

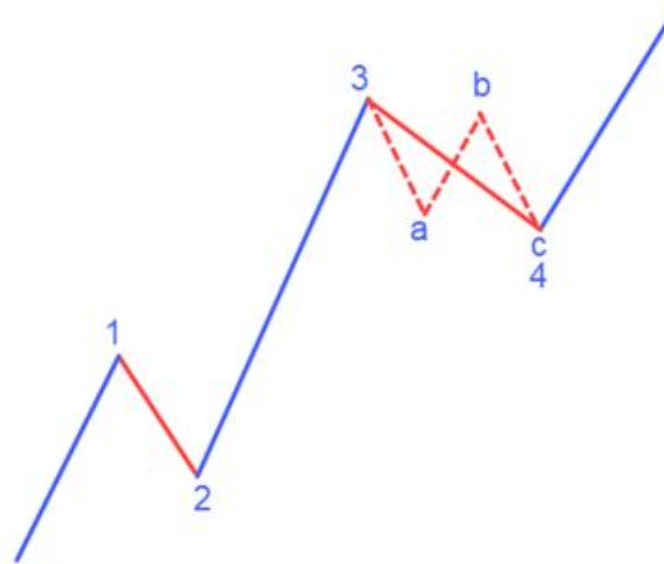


Figure 8-1: Wave 4 as a regular flat

در اینجا شکل موج ۴ را میبینید که به صورت یک اصلاح مسطح ثبت شده است. در این مثال خاص، ما به نوع مسطح منظم نگاه میکنیم. همانطور که ممکن است به خاطر داشته باشید، مسطح منظم به صورت یک اصلاح A-B-C با تقسیم ۵-۳-۳ معامله میشود. در یک مسطح منظم، موج B حداقل ۸۰ درصد از موج A را اصلاح میکند و موج C درست زیر انتهای موج A بسته میشود.

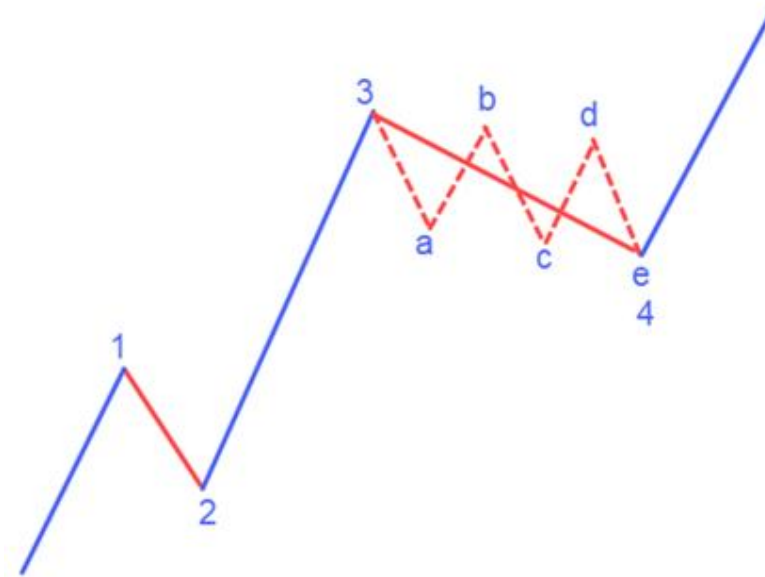


Figure 8-2: Wave 4 as a triangle

در اینجا تصویری از موج ۴ را میبینید که به صورت یک مثلث باز میشود. این میتواند در موج ۴ به صورت یک مثلث ساده همانطور که در اینجا نشان داده شده یا در داخل یک ترکیب رخ دهد. هنگامی که یک مثلث در یک ترکیب دوتایی یا سه تایی رخ میدهد، برچسب گذاری صحیح آن میتواند کاملاً چالش برانگیز باشد. خوشبختانه، یک مثلث ساده رایج تر است و برچسب گذاری آن میتواند نسبتاً سراسر باشد. در این مثال، ما یک نوع انقباضی داریم که به پنج موج با برچسب های A، B، C، D و E تقسیم میشود. ما میخواهیم منتظر تکمیل زیرموج E در داخل مثلث باشیم، که به نوبه خود اصلاح موج ۴ را تکمیل میکند. پس از آن، میتوانیم از موج بعدی که ایمپالس موج ۵ خواهد بود، بهره ببریم.

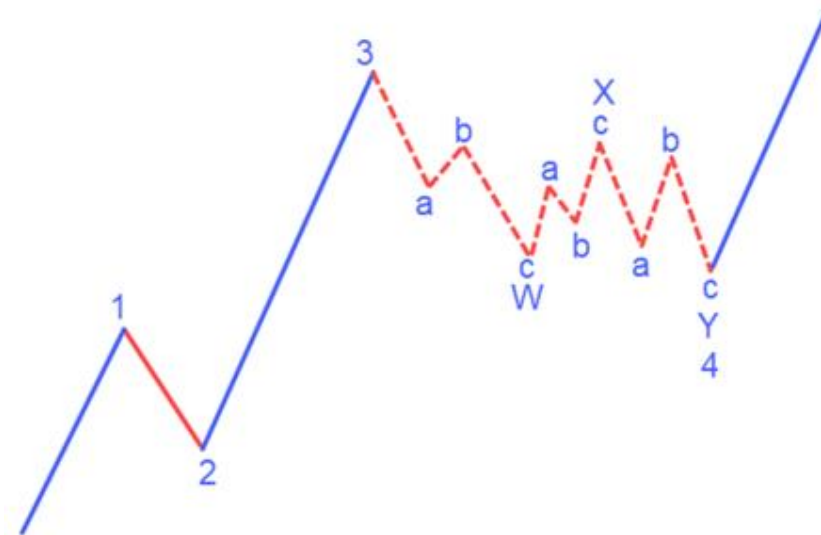
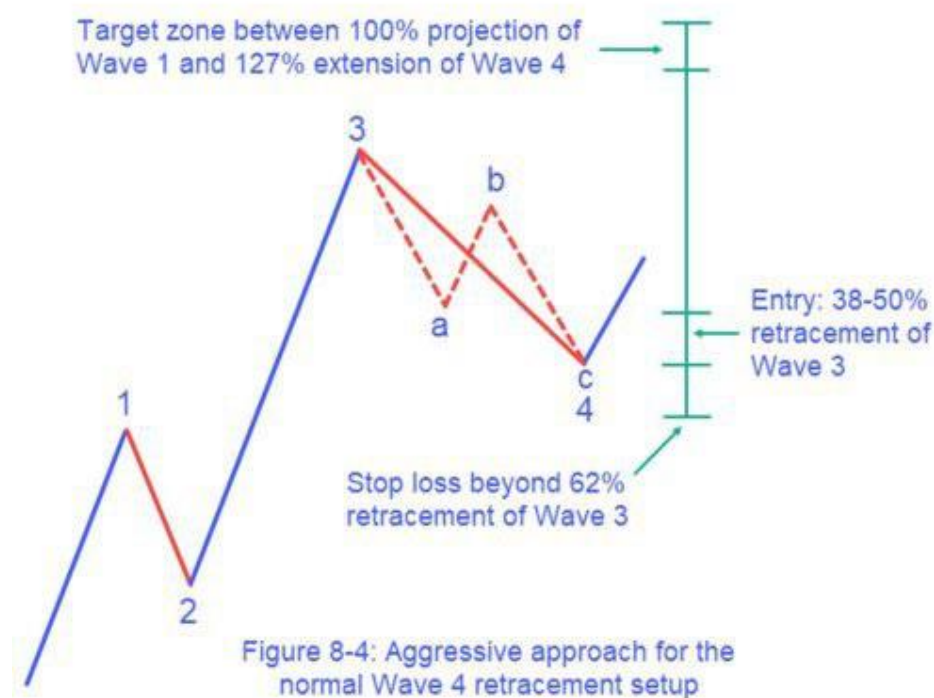


Figure 8-3: Wave 4 as a double combination

اکنون بیایید یک سطح بالاتر برویم و یک ترکیب دوتایی را در اصلاح موج ۴ تجزیه و تحلیل کنیم. در این تصویر، نمونه‌ای از ساختار ترکیب دوتایی در موج ۴ را مشاهده میکنید. به یاد داشته باشید که ترکیبات دوتایی با برجسب‌های (W)، (X) و (Y) مشخص میشوند. در این مورد خاص، ترکیب دوتایی از یک زیگزاگ در شاخه (W)، یک زیگزاگ در شاخه (X) و یک مسطح منظم در شاخه (Y) تشکیل شده است. پس از تکمیل یک ترکیب دوتایی در موج ۴ روند صعودی، انتظار داریم قیمت‌ها به سمت موج ۵ بالاتر حرکت کنند. در بخش بعدی، عمیق‌تر به ستاپ‌های اصلاح موج ۴ خواهیم پرداخت و شروع به بررسی برخی از تکنیک‌های ورود و مدیریت معاملات خواهیم کرد.

اجرای معامله - موج ۴ معمولی - رویکرد تهاجمی

از نظر عمق اصلاح در طول اصلاح موج ۴ چه انتظاری میتوانیم داشته باشیم؟ از نظر آماری، در درصد زیادی از موارد، موج ۴ بین ۳۸ تا ۵۰ درصد از موج ۳ را اصلاح خواهد کرد. در یک بازار با روند قوی، موج ۴ ممکن است تنها ۲۴ درصد از موج ۳ را اصلاح کند، و در برخی موارد کمتر رایج، ممکن است تا ۶۲ درصد از موج ۳ را اصلاح کند. با این حال، برای اهداف یافتن پایان موج ۴ از منظر یک کاربرد معاملاتی عملی، ما میخواهیم بر بالاترین محدوده از نظر آماری قابل توجه برای پایان موج ۴ تمرکز کنیم، که بین اصلاح ۳۸ درصد و ۵۰ درصد موج ۳ است. با در نظر گرفتن این موضوع، میتوانیم یک ورود تهاجمی با استفاده از یک دستور محدود در داخل این منطقه بازگشتی آغاز کنیم.



این تصویر نشان میدهد که استراتژی ما چگونه میتواند به نظر برسد. روش‌های مختلفی برای شروع ورود در این منطقه بر اساس ترجیحات شخصی و میزان ریسک‌پذیری شما وجود دارد. معمولاً، من ترجیح میدهم یک دستور محدود قرار دهم که در این منطقه اصلاحی بیشتر به سمت سطح ۳۸ درصد متمایل باشد. این ناحیه مهم‌ترین سطحی است که باید در اصلاح موج ۴ مراقب آن باشید. بارها اتفاق می‌افتد که قیمت‌ها فقط سطح ۳۸ درصد را لمس میکنند و دیگر به عقب نگاه نمیکنند. در نتیجه، اگر دستور محدود خود را خیلی عمیق در این منطقه بازگشتی قرار دهید، ممکن است خطر از دست دادن معامله را داشته باشید.

اکنون که یک منطقه مورد علاقه از نظر شروع یک معامله جدید در طول پولبک موج ۴ داریم، سوال طبیعی بعدی این است که پس از پر شدن دستور، چگونه معامله را مدیریت خواهیم کرد؟

من قویاً به یک روش مدیریت معاملات "تنظیم کن و فراموش کن" اعتقاد دارم، به این معنی که ترجیح می‌دهم از دستوراتOCO (یکی لغو کننده دیگری) استفاده کنم. اساساً، این نوع دستور به من اجازه میدهد تا به طور همزمان سطوح حد ضرر و سود خود را اضافه کنم. با فرض پر شدن دستور، هنگامی که حد ضرر یا هدف لمس شود، به طور خودکار بسته میشود. این امر همیشه مرا منظم نگه میدارد. به خاطر داشته باشید که به راحتی تمام تعصبات شما وارد عمل میشوند و تمام عینیت در معاملات از بین میرود. برای محافظت از خود در برابر این تمایلات طبیعی که همه ما خواهیم داشت، سعی میکنم بهترین تحلیلی را که میتوانم قبل از شروع واقعی معامله انجام دهم.

با این حال، ممکن است هر از چند گاهی هدف خود را بر اساس ساختار موج در حال توسعه تنظیم کنم. با این حال، به ندرت حد ضرر خود را پس از ورود به معامله تغییر میدهم. اگر اشتباه کنم، میخواهم بازار بدون اینکه مجبور به فکر کردن در مورد آن باشم، مرا از موقعیتم خارج کند. این نیاز به نظم و انضباط زیادی دارد، اما چیزی است که من برای مدت طولانی در معاملات خود گنجانده‌ام و برای من بسیار مفید بوده است.

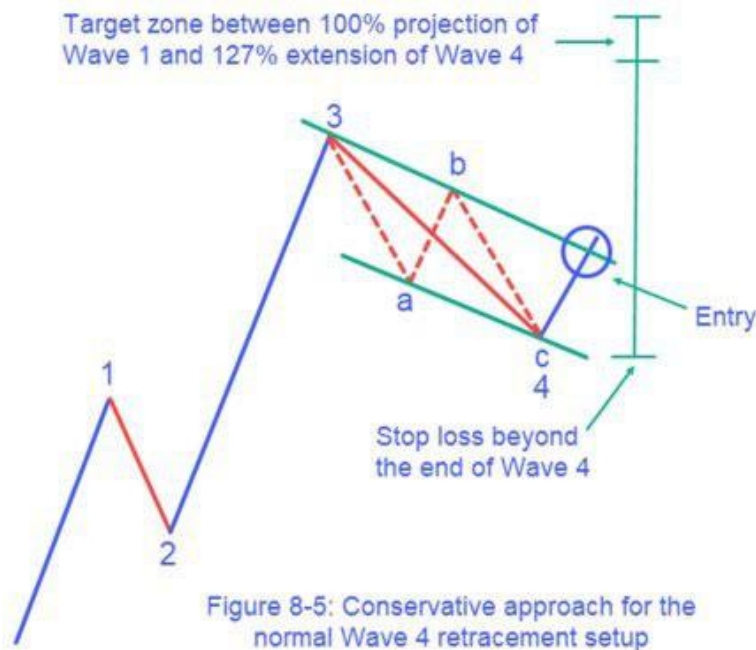
با در نظر گرفتن این موضوع، من ترجیح میدهم یک دستور حد ضرر برای این ستاپ، درست فراتر از اصلاح ۶۲ درصد موج ۳ قرار دهم. اکنون، توجه به این نکته مهم است که وقتی می‌گویم درست فراتر، لزوماً به مقدار پِیپ مطلق اشاره نمیکنم. در عوض، باید بر اساس چند نقطه منطقی با در نظر گرفتن نوسانات نمودار قیمت و تایم فریم مورد نظر شما باشد. در مورد منطقه هدف، به یاد داشته باشید که موج ۵ تمایل دارد از نظر طول با موج ۱ برابر باشد و یک گسترش ۱۲۷ درصدی از موج ۴ باشد که از نقطه پایان موج ۴ اندازه‌گیری میشود. بنابراین،

منطقی است که ما به دنبال کسب سود بین سطح پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ و سطح گسترش ۱۲۷.۲ درصدی موج ۴ باشیم.

رویکرد محافظه کارانه

اکنون، بیایید ببینیم یک استراتژی محافظه کارانه چگونه به نظر میرسد.

در مورد ستاپ اصلاح موج ۴، ممکن است مواقعی وجود داشته باشد که شما یک ورود تهاجمی را از دست بدهید یا صرفاً یک ورود محافظه کارانه‌تر را ترجیح دهید. یک تمایز که می‌خواهم بر آن تأکید کنم این است که یک رویکرد محافظه کارانه، چه این یکی و چه سایر مواردی که بعداً مورد بحث قرار خواهیم داد، ممکن است از نظر نسبت ریسک به پاداش یک فرصت معاملاتی بهتر نباشد. با این حال، باید احتمال موفقیت بالاتری داشته باشد. بنابراین، مهم است که قبل از انتخاب روشی که بیشتر به شما می‌آید، تفاوت‌های بین این دو نوع رویکرد را درک کنید. صادقانه بگویم، من بیشتر تمایل دارم روی رویکرد تهاجمی تمرکز کنم، اما وقتی یک ورود تهاجمی بالقوه را از دست داده‌ام یا به سادگی متوجه می‌شوم که الگو تمام معیارهای از پیش تعیین شده را برآورده نمی‌کند، ممکن است انتخاب کنم که ستاپ را با استفاده از رویکرد محافظه کارانه اجرا کنم.



در این تصویر، ما یک کانال کاهشی برای حرکت قیمت موج ۴ رسم میکنیم. این کار با اتصال انتهای موج ۳ و انتهای موج B و سپس رسم یک خط موازی که از انتهای موج A امتداد میابد، انجام میشود. سیگنال ورود در شکست خط روند B-۳ رخ میدهد. توجه داشته باشید که مواقع دیگری نیز وجود خواهد داشت که حرکت قیمت برای برچسبگذاری دقیق بسیار آشفته است. در این موارد، میتوانیم کانال کاهشی را با استفاده از یک خط روند فرکتالی که از انتهای موج ۳ به یک فرکتال نوسانی مرتبط رسم شده است، ایجاد کنیم. سپس میتوانیم خط موازی آن را برای ساخت کانال کاهشی اجرا کنیم.

توجه کنید که خط روند B-۳ را به رنگ سبز رسم کرده‌ایم. این نشان‌دهنده مرز بالایی کانال کاهشی است. ناحیه دایره‌ای آبی نشان‌دهنده شکست بالای این سطح است. معمولاً، شما میخواهید کندلی که خط B-۳ را میشکند، در واقع فراتر از آن بسته شود. سطح حد ضرر فراتر از کف موج ۴ قرار میگیرد. ناحیه سودآوری همانند رویکرد تهاجمی باقی میماند، که شامل

پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ و گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴ است که از انتهای موج ۴ اندازه‌گیری میشود.

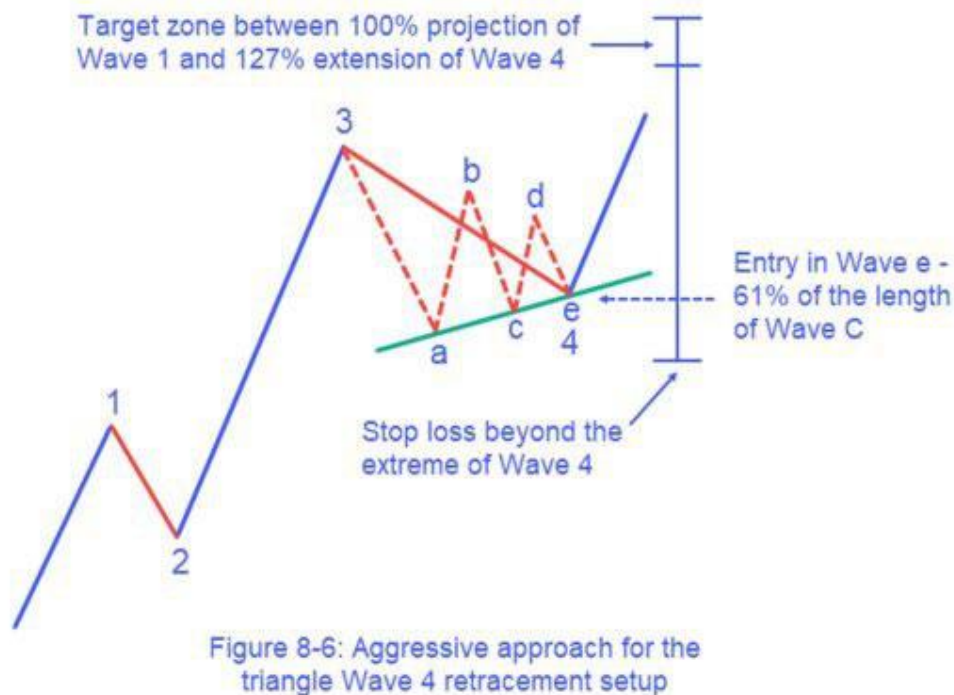
موج ۴ به عنوان یک مثلث

موج ۴ مثلثی به عنوان بخشی از ستاپ اصلاح موج ۴ در نظر گرفته میشود زیرا در داخل آن موج اصلاحی رخ میدهد. با این حال، هنگامی که ساختار موج ۴ را بتوان به عنوان یک مثلث طبقه‌بندی کرد، قوانین متفاوتی را اعمال خواهیم کرد. بیایید با بحث در مورد تکنیک تهاجمی در این مورد شروع کنیم.

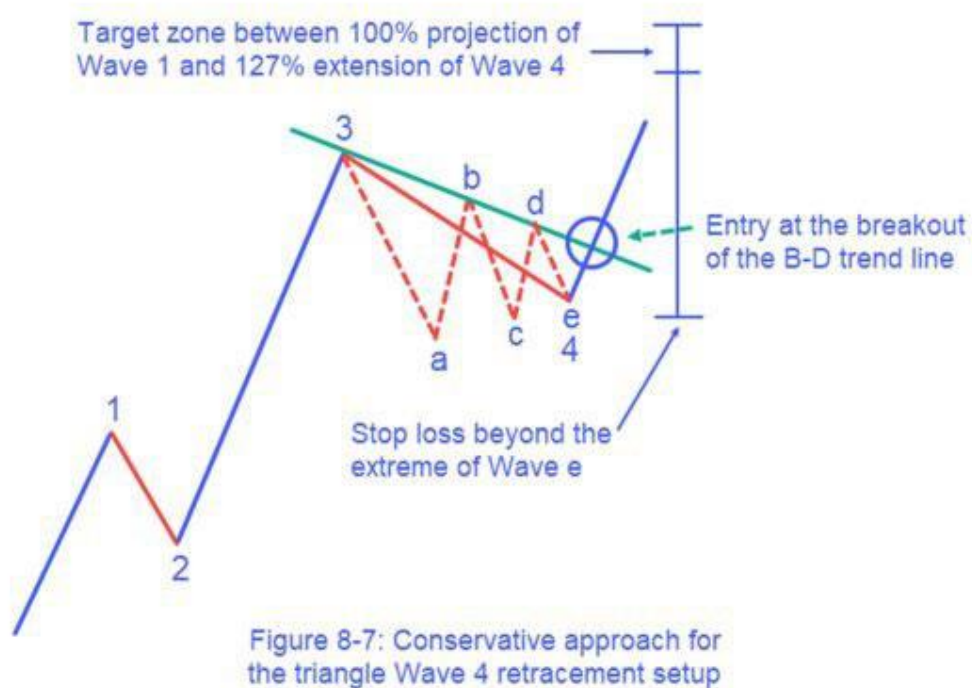
رویگرد تهاجمی

رویگرد تهاجمی ما بر اساس رابطه بین موج C و موج E مثلث است. این رابطه در مورد نوع انقباضی اعمال میشود. به طور خاص، موج E مثلث تمایل دارد ۶۲ درصد طول موج C مثلث باشد. اساساً، میتوانیم از این رابطه برای شروع یک ورود تهاجمی زمانی که موج E مثلث به ۶۲ درصد طول موج C میرسد، با استفاده از ابزار پروجکشن فیبوناچی استفاده کنیم. برای پروجکت کردن انتهای موج E مثلث، از انتهای موج B به عنوان اولین نقطه مرجع، انتهای موج C به عنوان نقطه مرجع دوم استفاده میکنیم و سپس یک پروجکشن ۶۲ درصدی فیبوناچی از این طول را از انتهای موج D اعمال میکنیم. این سطح به عنوان نقطه ورود تهاجمی به تنظیمات مثلث موج ۴ عمل خواهد کرد.

در این نمودار، ناحیه دایره‌ای نشان میدهد که در آن موج E برابر با ۶۲ درصد طول موج C است. با این رویکرد تهاجمی، ما به سادگی یک دستور محدود در آن سطح قرار میدهیم و منتظر اجرای دستور میمانیم. پس از انجام این کار، حد ضرر فراتر از اوج موج ۴ قرار میگیرد. منطقه هدف همچنان یکسان است: بین پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ و گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴. اگر خود را به درستی برای معامله این ستاپ آماده کنیم، نسبت ریسک به پاداش این معامله بسیار عالی خواهد بود.



رویکرد محافظه کارانه



بیا بیا به رویکرد محافظه کارانه برای مثلث موج ۴ بپردازیم. در صورتی که فرصت ورود تهاجمی را از دست داده ایم یا صرفاً ترجیح می دهیم شواهد بیشتری مبنی بر حرکت به سمت موج ایمپالس ۵ جمع آوری کنیم، ورود محافظه کارانه فرصت دیگری برای پیوستن به پیشرفت در موج ۵ در اختیار ما قرار می دهد. رویکرد محافظه کارانه برای مثلث موج ۴ به این صورت عمل میکند: ما یک خط روند را به زیرموج های B و D مثلث متصل می کنیم و آن را به سمت جلو و به سوی حرکت قیمت امتداد می دهیم. ورود محافظه کارانه زمانی فعال میشود که یک کندل فراتر از این خط روند B-D مثلث بسته شود. این در ناحیه دایره ای روی نمودار نشان داده شده است. پس از تأیید این شکست، باید مطمئن شوید که یک دستور حد ضرر و سود ثابت در بازار قرار می دهید. حد ضرر باید فراتر از کف موج E مثلث قرار گیرد، که اساساً انتهای ارتدوکس موج ۴ است. منطقه هدف با استفاده از پروجکشن ۱۰۰ درصدی موج ۱ و گسترش ۱۲۷ درصدی موج ۴، که هر دو از انتهای ارتدوکس موج ۴ اندازه گیری میشوند، تعیین میشود.

ابزار معاملاتی

ما به برخی از روش‌هایی که می‌توانیم ستاپ اصلاح موج ۴ را تشخیص دهیم و برخی از تکنیک‌های مختلف برای اجرای این ستاپ‌ها نگاهی انداختیم. در این بخش، به ابزارهای مختلف برای فیلتر کردن ستاپ‌های نامطلوب و تمرکز بر ستاپ با بالاترین کیفیت نگاهی خواهیم انداخت.

در زیر ابزارهای مورد نیاز برای معامله ستاپ اصلاح موج ۴ معمولی آورده شده است:

میانگین متحرک ساده ۳۴ دوره (SMA ۳۴) برای تعیین روند بلندمدت.

کانال پایه: برای تأیید حرکت قیمت موج ۳.

پروجکشن فیبوناچی: برای اندازه‌گیری طول موج ۳.

کانال موازی: برای ارائه شواهدی برای موج ۴.

RSI (شاخص قدرت نسبی): برای تأیید حمایت در بازار صعودی/مقاومت در بازار نزولی.

اصلاح فیبوناچی: برای یافتن یک ورود تهاجمی.

کانال کاهشی: برای شروع یک ورود محافظه کارانه.

گسترش و پروجکشن فیبوناچی: برای رسم یک منطقه هدف.

اینها تمام ابزارهایی هستند که برای ارزیابی کامل پایداری تنظیمات اصلاح موج ۴ معمولی به آنها نیاز خواهیم داشت. در مورد تشکیل مثلث موج ۴، ما از بسیاری از همان ابزارهایی استفاده خواهیم کرد که برای تنظیمات اصلاح موج ۴ معمولی استفاده می‌کنیم، با چند استثنا جزئی. در اینجا لیست ابزارها و مطالعاتی که برای معامله تشکیل مثلث موج ۴ به آنها تکیه خواهیم کرد آورده شده است:

میانگین متحرک ساده ۳۴ دوره (SMA ۳۴) برای تعیین روند بلندمدت.

کانال پایه: برای تأیید حرکت قیمت موج ۳.

پروجکشن فیبوناچی: برای اندازه‌گیری طول موج ۳.

کانال موازی: برای ارائه شواهدی برای موج ۴.

RSI (شاخص قدرت نسبی): برای تأیید حمایت در بازار صعودی/مقاومت در بازار نزولی.

پروجکشن فیبوناچی: برای یافتن یک ورود تهاجمی.

گسترش و پروجکشن فیبوناچی: برای رسم یک منطقه هدف.

مثال معاملاتی ۱:

ما در مورد انواع مختلف روش‌هایی که میتوانیم برای ستاپ اصلاح موج ۴ معمولی و ستاپ مثلث موج ۴ به کار ببریم بحث کرده‌ایم. علاوه بر این، مهم‌ترین مناطق از نظر آماری برای قرار دادن حد ضرر و سود را به شما نشان داده‌ام. همچنین در مورد ابزارهایی که برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل دقیق هر ستاپ بالقوه موج ۴ نیاز داریم صحبت کردیم. اکنون، بیشتر به کاربرد عملی این ابزارها و مطالعات خواهیم پرداخت. خواهید دید که چگونه از یک رویکرد تحلیلی بسیار فرآیند محور پیروی میکنم که در نهایت منجر به تأیید بالاترین کیفیت ستاپ موج ۴ برای معامله میشود. بیایید با اولین مثال شروع کنیم.



Figure 8-8: Trade analysis

در این نمودار روزانه فرانک سوئیس/ین ژاپن، مشاهده میکنید که بازار در یک روند صعودی قرار دارد. من دنباله ایمپالس را تا موج (۴) برچسب گذاری کرده‌ام و همچنین زیرمجموعه‌های درون موج (۳) را نیز مشخص کرده‌ام. این شمارش موج ترجیحی من منتهی به اصلاح موج (۴) خواهد بود. اکنون، بیا بید برخی ارزیابی‌ها را در مورد واجد شرایط بودن این ستاپ انجام دهیم.

اولین چیزی که به دنبال آن خواهیم بود، تأیید این است که موج (۳) ویژگی‌های نظریه امواج الیوت را دارد. به عبارت دیگر، می‌خواهیم مطمئن شویم که موج (۳) ذاتاً ایمپالس است، با تأیید شکست کانال پایه. همانطور که احتمالاً به خاطر دارید، کانال پایه با اتصال خطی از شروع موج (۱) به پایان موج (۲) و سپس پروجکت کردن یک خط موازی از پایان موج (۱) ساخته میشود. شما میتوانید دو خط قرمز کانال را در نمودار بالا ببینید که نشان دهنده این کانال پایه است. پس از ساخت کانال پایه، قیمت باید فراتر از آن بسته شود و به دنبال آن در جهت آن شکست ادامه یابد. این مشخصه حرکت قیمت موج ۳ است. به ناحیه دایره‌ای پایین توجه کنید که نشان دهنده شکست از کانال پایه و ادامه بعدی قیمت است.

در مرحله بعد، می‌خواهیم حداقل حرکت قیمت در موج (۳) را در مقایسه با موج (۱) بررسی کنیم. به یاد خواهید آورد که موج ۳ اغلب ۱۶۲ درصد طول موج ۱ را که از انتهای موج ۲ اندازه‌گیری میشود، طی میکند. با در نظر گرفتن این رابطه، من کمی انعطاف‌پذیری قائل میشوم، به این معنی که با یک پروجکشن قیمتی کمی پایین‌تر از ۱۶۲ درصد نیز راضی خواهم بود و همچنان راحت خواهم بود که حرکت قیمت را به عنوان موج ۳ برچسب‌گذاری کنم. حداقل الزام ۱۵۰ درصد طول موج ۱ است. پس از انتخاب شروع موج (۱)، پایان موج (۱) و پایان موج (۲) با استفاده از ابزار پروجکشن فیبوناچی، میتوانیم سطوح پروجکشن ۱۵۰ درصد و ۱۶۲ درصد را رسم شده ببینیم. همانطور که مشاهده میکنید، موج ۳ بسیار فراتر از سطح پروجکشن ۱۶۲ درصد به پایان رسیده است، بنابراین شرط ما را برآورده میکند.

همچنان در نمودار بالا، می‌خواهیم بدانیم که آیا قیمت در حین پیشرفت در موج (۴) خط روند موازی را لمس کرده است یا خیر. همانطور که می‌خواهیم حداقل طول موج (۳) را در مقایسه با موج (۱) ببینیم، می‌خواهیم ببینیم که موج (۴) خط روند موازی را لمس کرده یا حداقل بسیار نزدیک به لمس آن است. بدیهی است که میتوانیم ببینیم که قیمت در حین حرکت خود در موج (۴) در نمودار بالا (ناحیه دایره‌ای بالاتر) خط پایین کانال را لمس کرده است. از این رو، این شرط نیز برآورده شده است.



Figure 8-9: Trade analysis

نکته بعدی که برای موج ۴ بالقوه به آن اشاره میکنم، اندیکاتور RSI است. در طول یک روند صعودی، به آن حمایت بازار گاوی گفته میشود، و در طول یک روند نزولی، به عنوان مقاومت بازار خرسی عمل میکند. منطقه حمایت بازار گاوی RSI تمایل دارد در محدوده ۳۰-۵۰ رخ دهد در حالی که منطقه مقاومت بازار خرسی RSI اغلب بین محدوده ۵۰-۷۰ رخ میدهد. با بازگشت به نمودار، همانطور که به یک ورود تهاجمی طولانی احتمالی در محدوده اصلاحی ۳۸ تا ۵۰ درصد موج (۳) نگاه میکنیم، میخواهیم تأیید کنیم که مقدار RSI در منطقه حمایت بازار گاوی قرار دارد. توجه کنید که با ورود قیمت‌ها به منطقه ورود تهاجمی، مقدار RSI ثبت شده در حدود ۴۳.۷۸ است، از این رو راه را برای یک ورود طولانی احتمالی هموار میکند.



Figure 8-10: Trade analysis

در نهایت، من تأییدیه از یک تایم فریم بالاتر می‌خواهم. نمودار بالا، حرکت قیمت را در تایم فریم بالاتر بعدی - نمودار هفتگی - نشان می‌دهد. می‌بینید که برچسب‌های تئوری امواج الیوت در این نمودار نیز دست نخورده باقی مانده‌اند. این نمودار به ما کمک میکند تا تأیید کنیم که قیمت در مقایسه با خط میانگین متحرک ساده ۳۴ دوره‌ای در کجا معامله می‌شود، بنابراین بر اساس روند تایم فریم بالاتر، یک سوگیری خرید یا فروش به ما می‌دهد. در این مورد، می‌بینید که با اصلاح قیمت به موج (۴)، قیمت به خوبی بالاتر از خط ۳۴ SMA باقی ماند، به این معنی که ما فقط منتظر یک موقعیت خرید بالقوه در تایم فریم روزانه خواهیم بود.

اکنون که تمام مراحل مختلف تجزیه و تحلیل قابلیت پویایی بالقوه معامله این ستاپ اصلاحی موج را طی کرده‌ایم و هر مرحله را در طول مسیر تأیید کرده‌ایم، اکنون زمان اجرای این ستاپ است.



Figure 8-11: Aggressive approach

در این نمودار، توجه کنید که سه خط اصلاحی رسم شده است، و ما بر روی دو خط اول - سطوح اصلاحی ۳۸ درصد و ۵۰ درصد موج (۳) - تمرکز خواهیم کرد. این دو سطح منطقه ورود تهاجمی را ایجاد میکنند. در این مورد، قیمت قبل از بازگشت به سمت بالا، سطح ۳۸ درصد را لمس کرد. اگر تصمیم به استفاده از نوع دستور OCO داشتید، حد ضرر در زیر سطح اصلاحی ۶۲ درصد موج (۳) قرار می‌گرفت، و منطقه هدف با استفاده از پروجکشن ۱۰۰ درصد موج (۱) و گسترش ۱۲۷ درصد موج (۴)، که هر دو از انتهای موج (۴) اندازه‌گیری میشوند، ایجاد میشود.

گزینه‌های مختلفی برای خروج در این منطقه هدف وجود دارد. به عنوان مثال، می‌توانید تمام موقعیت خود را در سطح پایین‌تر منطقه، سطح بالاتر منطقه یا جایی بین این دو خارج کنید. از طرف دیگر، اگر ترجیح می‌دهید به تدریج از موقعیت خود خارج شوید، می‌توانید بخشی از موقعیت خود را در انتهای پایین این محدوده و سپس بقیه موقعیت خود را در نزدیکی انتهای بالای محدوده خارج کنید. چگونه و در کجا در داخل منطقه خارج می‌شوید، بستگی به ترجیحات شخصی و پارامترهای ریسک مورد نظر شما دارد.

در این مورد، توجه کنید که فاصله بین دو مرز منطقه نسبتاً زیاد است، و من معمولاً در این نوع شرایط بازار، خروج در انتهای نزدیک‌تر یا دقیقاً در وسط منطقه را انتخاب می‌کنم. همانطور که می‌بینید، استفاده از این ترفند ساده می‌توانست ما را از دست دادن یک سود قابل توجه در بازار نجات دهد.

رویکرد محافظه کارانه



Figure 8-12: Conservative approach

اکنون، بیایید نگاهی بیندازیم و ببینیم یک رویکرد محافظه کارانه در این تنظیمات چگونه خواهد بود. در این نمودار، من یک کانال کاهشی رسم کرده‌ام که حرکت قیمت را در اصلاح موج (۴) در بر میگیرد. سیگنال ورود محافظه کارانه زمانی رخ میدهد که قیمت از کانال کاهشی خارج شده و بالاتر از آن بسته شود. در این مورد، از آنجایی که ما قصد خرید داریم (long) شکست و بسته شدن باید بالاتر از خط بالایی کانال رخ دهد. این در ناحیه دایره‌ای روی نمودار نشان داده شده است. حد ضرر در زیر اوج موج (۴) قرار میگیرد، همانطور که با خط چین نشان داده شده است. منطقه هدف همانند رویکرد تهاجمی باقی میماند.

با این کار، ما اولین مثال معاملاتی را با استفاده از مدل معاملاتی و تحلیلی من بررسی کردیم. امیدوارم کم‌کم با نحوه معامله ستاپ اصلاح موج ۴ راحت شده باشید. بیایید به مثال بعدی در ارتباط با ستاپ مثلث موج ۴ برویم.

مثال معاملاتی ۲:



Figure 8-13: Trade analysis

با توجه به این نمودار که حرکت قیمت جفت ارز دلار نیوزلند/فرانک سوئیس را در تایم فریم روزانه نشان میدهد، میبینید که امواج (۱)، (۲)، (۳) و (۴) را برچسب‌گذاری کرده‌ایم. علاوه بر این، زیرمجموعه درون موج (۳) را نیز برچسب‌گذاری شده مشاهده میکنید. همچنین، اگر به حرکت قیمت در داخل موج (۴) نگاه کنیم، میتوانیم یک الگوی مثلثی با حرکت قیمت جانبی طولانی را تشخیص دهیم. هنگامی که الگوی مثلثی را در داخل موج چهارم تشخیص دادیم، فرآیند چک لیست خود را آغاز کرده و از ابزارها برای تأیید اینکه آیا این تنظیمات یک فرصت معاملاتی خوب است یا خیر، استفاده خواهیم کرد.



Figure 8-13: Trade analysis

اول، بیاپید به کانال پایه توجه کنیم. توجه کنید که شکست زیر این کانال پایه در کجا رخ میدهد، که با ناحیه دایره‌ای روی نمودار نشان داده شده است. ما یک شکست خوب به سمت پایین داریم که به دنبال آن یک ادامه در جهت نزولی رخ میدهد. همچنین، به خالص حرکت طی شده در موج (۳) در مقایسه با موج (۱) توجه کنید. پروجکت کردن طول موج (۱) از انتهای موج (۲) حداقل الزام برای موج (۳) را به ما میدهد، همانطور که با خط افقی بالایی در نمودار نشان داده شده است. قیمت به راحتی به این حداقل الزام برای موج (۳) میرسد. از این رو، با تأیید این دو فیلتر، میتوانیم مطمئن باشیم که برچسب‌گذاری برای موج (۳) به احتمال زیاد صحیح است.

همچنان، ما یک کانال شتاب داریم تا حرکت قیمت موج (۴) را تأیید کنیم.

توجه کنید که چگونه با پیشرفت موج (۴)، خط بالایی داخل کانال نقض میشود. این حداقل الزام برای موج (۴) را برآورده میکند. در زمانی که این خط بالایی کانال موازی لمس شد، نمیتوانستیم مطمئن باشیم که یک الگوی مثلثی در حال شکل‌گیری است. با پیشرفت بیشتر موج (۴)، به طور فزاینده‌ای آشکار شد که اصلاح موج (۴) در واقع یک الگوی مثلثی است.



در مرحله بعد، بیایید ببینیم از اندیکاتور RSI چه چیزی میتوانیم جمع‌آوری کنیم. در این نمودار، مشاهده میکنید که خط اندیکاتور RSI در طول تشکیل مثلث بیشتر زیر سطح ۵۰ درصد معامله میشد. با این حال، در انتهای موج E، مقدار RSI کمی بالاتر از سطح میانی است، بنابراین سطح مقاومت قوی برای این روند نزولی زمینه‌ای را تأیید میکند.



Figure 8-15: Trade analysis

در نهایت، می‌خواهیم برای دیدگاه وسیع‌تری از بازار، از اندیکاتور ۳۴ SMA تأییدیه بگیریم. برای این کار، به تایم فریم بالاتر بعدی - نمودار هفتگی - می‌رویم. از آنجایی که تشکیل مثلث در داخل ایمپالس در یک روند نزولی کلی رخ می‌دهد، همانطور که در نمودار روزانه مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده ضعف بیشتر قیمت است. ما میدانستیم که هنگام معامله یک ستاپ احتمالی موج ۴، می‌خواهیم در جهت روند بلندمدت معامله کنیم. توجه کنید که قیمت فعلی زیر خط ۳۴ SMA معامله می‌شود، که تأیید میکند ساختار مثلث در نمودار روزانه با روند بلندمدت در تایم فریم بالاتر همسو است. اکنون آماده معامله ستاپ اصلاح موج ۴ هستیم.

رویکرد تهاجمی



Figure 8-16: Aggressive approach

بیاپید به رویکرد تهاجمی نگاهی بیندازیم. شما میدانید که برای یک موج ۴ مثلی، رویکرد تهاجمی مستلزم ورود یک دستور محدود زمانی است که قیمت در داخل موج E به طولی معادل ۶۲ درصد طول موج C برسد. از آنجایی که ما به دنبال یک معامله فروش هستیم، یک دستور فروش محدود در خط افقی سبز در داخل موج E مثلث وارد میکنیم. توجه کنید که چگونه قیمت قبل از اینکه دوباره به سمت پایین رد شود، چندین بار آن سطح را لمس میکند. در این مورد، سطح ۶۲ درصد یک سطح بسیار مهم برای تماشا با تکمیل الگوی مثلث است. پس از فعال شدن دستور فروش محدود در این ستاپ معاملاتی، باید تمرکز خود را به خروج از معامله با تعیین قیمت‌های حد ضرر و سود معطوف کنیم.

147

رویکرد محافظه کارانه



Figure 8-17: Conservative approach

اکنون، بیایید ببینیم اگر از رویکرد محافظه کارانه استفاده می کردیم، این ستاپ چگونه پیش میرفت. خط روند B-D را که به رنگ آبی رسم شده است، مشاهده می کنید. ما می خواهیم منتظر بمانیم تا قیمت خط روند B-D را بشکند و زیر آن بسته شود. این شکست با ناحیه دایره ای روی نمودار نشان داده شده است. به محض اینکه کندل شکست زیر خط روند B-D بسته شد، یک دستور فروش فوری (sell market order) وارد می کنیم. بهترین محل برای قرار دادن حد ضرر، فراتر از موج E مثلث است، همانطور که با خط چین افقی نشان داده شده است. قیمت به راحتی به منطقه هدف میرسد که همانند رویکرد تهاجمی است.

تا به حال، باید کاملاً با نحوه معامله تنظیمات اصلاح موج ۴ آشنا شده باشید. این یک ستاپ اصلی در زرادخانه معاملاتی من است و ستاپی است که مشخصات ریسک به پاداش مطلوبی را ارائه میدهد. در فصل بعد، به یادگیری ستاپ معاملاتی بعدی در طول انتقال به فاز اصلاحی خواهیم پرداخت.

فصل ۹: استراتژی معاملاتی شماره ۲

تحلیل معامله

ما در حال ورود به دومین نوع ستاپ معاملاتی در چرخه تئوری امواج الیوت هستیم که در موقعیت موج ۵ رخ میدهد. موج ۵ آخرین حرکت در جهت روند کلی خواهد بود. این موج معمولاً از اوج موج ۳ عبور میکند و در منطقه‌ای به پایان میرسد که توسط رابطه ۱۰۰ درصدی امواج ۱ و ۵ و گسترش ۱۲۷ درصدی فیبوناچی موج ۴ ایجاد شده است. ما در طول ستاپ معاملاتی موج ۴، مطالب زیادی در مورد این منطقه هدف آموختیم.

ستاپی که من در داخل موج ۵ بر آن تمرکز میکنم، قطر پایانی است. به یاد داشته باشید که یک قطر پایانی میتواند در موقعیت موج ۵ یک ایمپالس یا موقعیت موج C یک اصلاح A-B-C رخ دهد. هنگامی که موج ۵ یک قطر پایانی را شکل میدهد، ما میخواهیم برای بهره‌برداری از یک واکنش قیمت خلاف روند اقدام کنیم. به عنوان یک نکته جانبی، اگرچه قطره‌های پایانی در موقعیت موج C نیز رخ میدهند، من معمولاً دوست ندارم آن ستاپ را معامله کنم زیرا به اندازه قطره‌های پایانی که در موقعیت موج ۵ رخ میدهند، قابل اعتماد یا سودآور نیستند. در نهایت، در مورد قرارداد نامگذاری ستاپ ما، من به سادگی به یک قطر پایانی که خود را در موقعیت موج ۵ نشان میدهد، تنظیمات قطر موج ۵ میگویم.

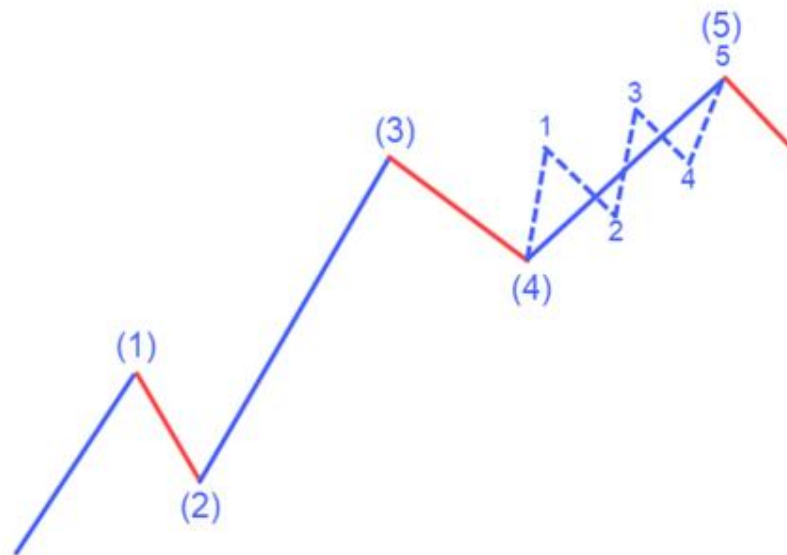


Figure 9-1: Wave 5 as an ending diagonal

با نگاهی دقیق‌تر به این تصویر، میبینید که موج (۵) به شکل یک قطر پایانی باز میشود. ما در فصل‌های قبلی در مورد قطرهای پایانی و ساختار فرعی آنها با جزئیات نسبتاً زیادی بحث کرده‌ایم. از این رو، این فقط یک یادآوری بسیار سریع است. باید به خاطر داشته باشید که قطر پایانی از پنج شاخه با برچسب‌های (۱) تا (۵) تشکیل شده است. علاوه بر این، این یک موج حرکتی است، به این معنی که در جهت روند کلی حرکت میکند. همچنین، قطر پایانی در هر یک از پنج شاخه خود به سه موج تقسیم میشود.

در نمودار بالا، من این ایمپالس را با درجه میانی برچسب‌گذاری کرده‌ام و زیرمجموعه درون موج (۵) را نیز برچسب‌گذاری کرده‌ام. درست مانند یک ایمپالس، امواج ۱، ۳ و ۵ قطر پایانی در جهت روند حرکت میکنند، در حالیکه امواج ۲ و ۴ قطر در جهت مخالف حرکت میکنند. شما باید خطی را رسم کنید که امواج ۱-۳ را به هم متصل میکند و خط دیگری که امواج ۲-۴ را در داخل ساختار قطر به هم متصل میکند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم که اغلب در یک قطر موج ۵ دیده میشود، یک "پرتاب بیش از حد" قیمت است که زمانی رخ میدهد که قیمت‌ها یک حرکت نهایی فراتر از خط روند ۱-۳ انجام میدهند.

اجرای معامله

همانطور که به ستاپ معاملاتی موج ۵ میپردازیم، باید یک برنامه مشخص برای ورود به معامله، قرار دادن حد ضرر منطقی و یافتن منطقه هدف بهینه تنظیم کنیم.

رویکرد تهاجمی

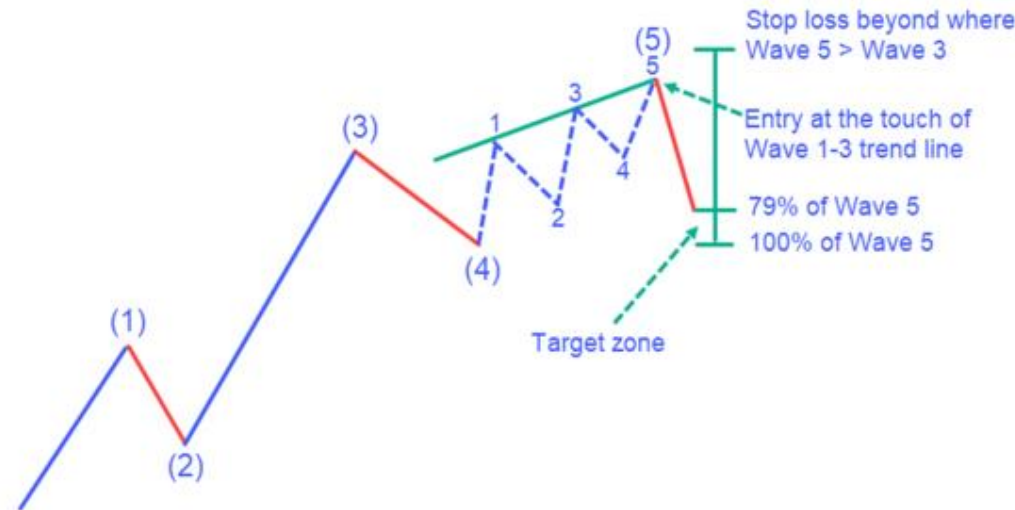


Figure 9-2: Aggressive approach

اولاً، هنگامی که بتوانیم با اطمینان امواج (۱) تا (۴) دنباله ایمپالس و یک قطر در حال ظهور را که در داخل موج (۵) ایمپالس ترسیم میشود، برچسب‌گذاری کنیم، آنگاه شروع به تماشای تشکیل امواج ۱ تا ۴ قطری میکنم قبل از اینکه به دنبال ورود در تماس با خط روند ۳-۱ یا درست قبل از آن باشم. در این تصویر، خط سبز داخل موج (۵) را مشاهده میکنید که امواج ۳-۱ ساختار قطر را به هم متصل میکند. ورود تهاجمی به این ستاپ زمانی رخ میدهد که موج نهایی ۵ قطری به سمت خط روند ۳-۱ حرکت کرده و آن را لمس کند. این اغلب موج ۵ قطری و همچنین موج (۵) را در دنباله ایمپالس تکمیل میکند. هدف ما گرفتن نقطه عطف نزدیک به اوج در طول یک روند صعودی و به طور مشابه گرفتن نقطه عطف نزدیک به پایین‌ترین سطح در طول یک روند نزولی است.

معمولاً، هنگام تلاش برای تشخیص سقف در بازار صعودی و کف در بازار نزولی، باید بسیار مراقب باشید. بیشتر اوقات، به نظر من بهتر است از چنین اقداماتی اجتناب کنید. با این حال، هنگامی که یک قطر پایانی در موقعیت موج (۵) ظاهر میشود، میتوانیم با این نوع معامله خلاف روند پرریسک، شانس را به نفع خود افزایش دهیم. این یکی از معدود مواردی است که محو کردن روند کلی منطقی به نظر میرسد.

در مورد دستور حد ضرر، قرار دادن حد ضرر باید از منظر اصل تئوری امواج الیوت و رابطه بین امواج در ساختار کلی منطقی باشد. با در نظر گرفتن این موضوع، ممکن است حدس بزنید که حد ضرر در چارچوب این رویکرد تهاجمی کجا باید قرار گیرد. ما میدانیم که در ساختار قطر، موج ۳ کوتاه‌تر از موج ۱ و موج ۵ کوتاه‌تر از موج ۳ خواهد بود. از این رو، منطقی است که حد ضرر را فراتر از قیمتی قرار دهیم که در آن موج ۵ بزرگتر از موج ۳ خواهد بود.

در مورد منطقه هدف چطور؟ اگر بخش‌های قبلی در مورد روابط موج را به خاطر داشته باشید، به یاد خواهید آورد که موج A اغلب یک اصلاح ۶۲ تا ۷۹ درصدی از موج ۵ است. بدیهی است، این موجی است که ما به دنبال گرفتن آن هستیم زیرا بلافاصله پس از پایان موج (۵) دنبالای ایملاس قرار دارد. با این حال، در این تصویر، منطقه هدف از سطوح اصلاحی ۷۹ درصد و ۱۰۰ درصد موج (۵) تشکیل شده است. چرا این اختلاف ظاهر میشود؟

خب، هنگامی که موج (۵) تکمیل میشود، موج (A) به دنبال اصلاح حدود ۶۲ تا ۷۹ درصد از موج ۵ خواهد بود. اما هنگامی که موج (A) با یک ساختار قطری در موقعیت موج (۵) پیشی میگیرد، میتواند یک واکنش بسیار تندتر باشد - واکنشی که اغلب قیمت را به ابتدای تشکیل قطر باز میگرداند. در چنین شرایطی، ما انتظار یک اصلاح عمیق‌تر در طول اصلاح موج (A) را داریم. به این ترتیب، ما منطقه اصلاحی ۷۹ تا ۱۰۰ درصد موج (۵) را به عنوان محتمل‌ترین هدف پس از یک قطر پایانی موج (۵) انتخاب میکنیم.

رویکرد محافظه کارانه

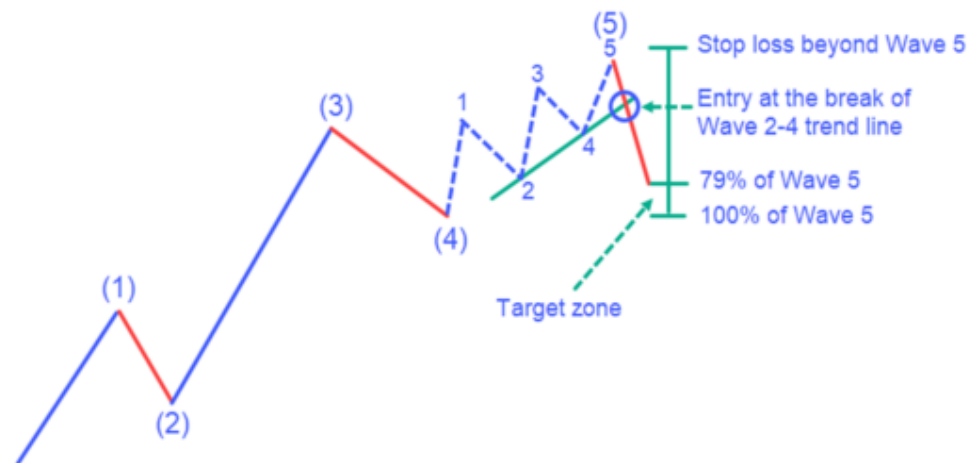


Figure 9-3: Conservative approach

اکنون بیاید توجه خود را به رویکرد محافظه کارانه برای قطر پایانی معطوف کنیم. برخلاف خط روند ۳-۱ که برای رویکرد تهاجمی از اهمیت حیاتی برخوردار است، خط روند ۴-۲ در داخل قطر، خط روند کلیدی برای رویکرد محافظه کارانه خواهد بود. ابتدا باید خط روند ۴-۲ را در داخل ساختار قطر با پیشرفت موج ۵ در داخل قطر رسم کنیم. به طور خاص تر، هنگامی که قیمت به خط روند ۳-۱ میرسد و سپس شروع به معکوس شدن میکند، می خواهیم مطمئن شویم که خط روند ۴-۲ از قبل در جای خود قرار دارد. در مرحله بعد، منتظر میمانیم تا قیمت خط را بشکند و بالاتر از آن بسته شود تا یک ورود به معامله فعال شود. در هر صورت، هنگامی که قیمت خط روند ۴-۲ قطر پایانی را میشکند، باید قبل از اجرای ورود، آن را با بسته شدن یک کندل بالاتر از آن سطح تأیید کنیم. ناحیه دایره ای در این تصویر نشان میدهد که ورود محافظه کارانه در داخل موج پنجم قطر پایانی کجا رخ میدهد.

حد ضرر فراتر از اوج موج ۵ قرار میگیرد. این به عنوان موج ۵ از (۵) برچسب گذاری میشود و موج پنجم ساختار قطری را در داخل موج پنجم ساختار ایمپالس با درجه بزرگتر تکمیل میکند. معمولاً، من میخواهم از اندیکاتور میانگین محدوده واقعی، که به آن اندیکاتور ATR نیز گفته میشود، برای کمک به ارزیابی نوسانات بازار استفاده کنم. معمولاً، من دوست دارم یک محاسبه ATR بر اساس دوره بازگشت ۱۴ دوره ای استفاده کنم و آن مقدار پیم را به انتهای موج ۵ تعیین شده برای قیمت حد ضرر اضافه کنم. این اغلب میتواند به جلوگیری از خروج زودهنگام در صورتی که ساختار قطری بیشتر گسترش یابد، کمک کند. در صورتی که قطر بیشتر گسترش یابد، ممکن است نیاز به ارزیابی شمارش زیرموج ها و تنظیم خط روند ۲-۴ بر اساس آن داشته باشیم.

در مورد سودآوری، همانند رویکرد تهاجمی خواهد بود.

توجه: ممکن است مواردی وجود داشته باشد که شکست با یک کندل بسیار قوی، مانند کندل ماروبوزو، ظاهر شود و تا عمق قلمرو قیمت در جهت معامله گسترش یابد. هنگامی که این اتفاق میافتد، ممکن است لازم باشد نسبت ریسک به پاداش را ارزیابی کنید تا مطمئن شوید که ستاپ معاملاتی هنوز یک فرصت بالقوه ارائه میدهد. در صورتی که اینطور نیست، یا ترجیح میدهید منتظر ورود بهتری باشید، ممکن است بخواهید منتظر یک پولبک احتمالی پس از شکست برای قیمت اجرای مطلوب تر باشید. با این حال، در درصد خوبی از موارد، ممکن است خطر عدم پولبک قیمت به دلیل ماهیت سریع حرکت قیمت وجود داشته باشد. در هر صورت، باید تصمیم بگیرید که کدام سناریو با پیشرفت رویداد برای شما بهتر عمل میکند. این فقط پس از انجام تعداد زیادی معامله قابل انجام است.

ابزار معاملاتی

در اینجا برخی از نکاتی که هنگام معامله تنظیمات قطری موج ۵ باید به خاطر داشته باشیم آورده شده است. برخلاف تنظیمات اصلاح موج ۴ که یک بازی ادامه روند است، تنظیمات قطری موج ۵ یک بازی خلاف روند است. اساساً، میتوانید تنظیمات قطری موج ۵ را به عنوان حالتی در نظر بگیرید که در آن ما به دنبال محو کردن رضایت پس از یک روند صعودی طولانی و خرید از معامله گران و سرمایه گذاران وحشت زده پس از یک روند نزولی طولانی هستیم. مومنتوم پشت پیشرفت موج ۵ بسیار ضعیف تر از مومنتوم در طول پیشرفت موج ۳ خواهد بود.

این اغلب به عنوان یک واگرایی در نوسانگر و بسیاری از اندیکاتورهای مومنتوم دیگر در طول یک روند صعودی ثبت میشود. ما اغلب یک الگوی واگرایی نزولی را مشاهده خواهیم کرد

زیرا قیمت در موج ۵ نسبت به موج ۳ اوج بالاتری میسازد در حالیکه نوسانگر در همان زمان اوج پایین‌تری میسازد. برعکس، ما اغلب یک الگوی واگرایی صعودی را مشاهده خواهیم کرد زیرا قیمت در موج ۵ نسبت به موج ۳ کف پایین‌تری میسازد در حالیکه نوسانگر در همان زمان کف بالاتری میسازد.

موج ۵ همیشه یک موج حرکتی خواهد بود، به این معنی که میتواند یا به شکل ایمپالس یا به شکل ساختار قطری باشد. اکنون، هنگامی که زیرساختار به صورت یک ساختار قطری در داخل موج ۵ ظاهر میشود، یک تنظیمات معاملاتی با احتمال موفقیت بالاتر نسبت به سایر ساختارهای موج ۵ ارائه میدهد. گاهی اوقات، من دیده‌ام که منطقه هدف تنها در چند کندل پس از شکست خط روند ۲-۴ به دست می‌آید. اگرچه این همیشه صادق نیست و رخداد معمولی نیست، اما گهگاه اتفاق می‌افتد. این نشان دهنده ماهیت قدرتمند الگو است.

اکنون، بیایید به ابزارهایی که برای تنظیمات قطری موج ۵ نیاز داریم نگاهی بیندازیم. هنگامی که نسبتاً مطمئن هستیم که یک ساختار قطری در موقعیت موج ۵ در حال ظهور است، شروع به برچسب‌گذاری زیرموج‌هایی که ساختار قطری را تشکیل میدهند، خواهیم کرد. علاوه بر در نظر گرفتن تمام اطلاعاتی که در مورد ساختارهای قطری در برچسب‌گذاری میدانیم، می‌خواهیم بر روی برخی ابزارهای مکمل دیگر برای فیلتر کردن ستاپی که بهترین فرصت‌های معاملاتی را ارائه میدهند، تمرکز کنیم. اینها عبارتند از:

کانال پایه: برای تأیید حرکت قیمت موج ۳.

پروجکشن فیوناچی: برای اندازه‌گیری طول موج ۳.

نوسانگر: برای تأیید واگرایی بین موج ۵ و موج ۳.

خط روند: برای تعیین محرک‌های ورود تهاجمی و محافظه‌کارانه.

اصلاح فیوناچی: برای رسم منطقه هدف.

اکنون، بیایید به بررسی برخی از نمونه‌های نمودار واقعی با استفاده از تکنیک مورد بحث بپردازیم.

مثال معاملاتی ۱



Figure 9-4: Trade analysis

در این نمودار یورو/ین ژاپن، مشاهده میکنیم که یک روند نزولی برای مدت قابل توجهی در جریان بوده است. من دنباله ایمپالس را با استفاده از درجه میانی برچسب گذاری کرده‌ام. همچنین، به پنج شاخه‌ای که قطر پایانی را تشکیل میدهند و با اعداد ۱ تا ۵ برچسب گذاری شده‌اند، توجه کنید. هنگامی که توانستیم تشخیص دهیم که یک الگوی قطری در موقعیت موج (۵) در حال ظهور است و چهار موج اول داخل قطر را برچسب گذاری کردیم، میتوانستیم شروع به تجزیه و تحلیل برخی دیگر از ابزارها و مطالعات مکمل مرتبط کنیم تا به ما در تعیین مناسب بودن معامله این تنظیمات بالقوه کمک کند.

ابتدا با نگاهی دقیق‌تر به کانال پایه در روند درجه میانی شروع میکنیم. به کانال پایه در سمت چپ بالای نمودار توجه کنید که به دلیل موج ۱ نسبتاً کوتاه در این مثال ایجاد شده است. همانطور که ناحیه دایره‌ای نشان میدهد، قیمت به راحتی کانال پایه را شکسته و زیر آن بسته شده است، که حرکت قیمت موج (۳) را تأیید میکند.

در مرحله بعد، برای اندازه‌گیری طول موج (۳) در مقایسه با موج (۱)، به ابزار پروجکشن فیبوناچی مراجعه خواهیم کرد. همانطور که احتمالاً به خاطر دارید، حداقل الزامی که من برای حرکت قیمت موج (۳) میخواهم ببینم، پروجکشن ۱۵۰ درصدی موج (۱) است که از انتهای موج (۲) اندازه‌گیری میشود. قیمت توانست مدت کوتاهی پس از شکست کانال پایه به سمت پایین، به این حداقل سطح برسد. از این رو، با تکمیل این دو روش تحلیلی برای تأیید حرکت قیمت موج (۳)، اکنون میتوانیم مطمئن باشیم که موج (۳) برچسب‌گذاری شده به احتمال زیاد صحیح است.

نکته بعدی که میخواهم تأیید کنم این است که آیا موج (۵) از موج (۳) عبور کرده است یا خیر. در واقع، این یک الزام برای یک موج (۵) قابل معامله تحت نظریه امواج الیوت نیست (توجه داشته باشید که حتی اگر موج (۵) نتواند فراتر از موج (۳) تکمیل شود، ما همچنان یک موج (۵) کوتاه شده داریم)، اما اکیداً توصیه میشود که موج (۵) با این استراتژی خاص، اوج موج (۳) را بشکند. باز هم، ما فقط به اجرای ستاپ با بالاترین احتمال موفقیت اهمیت میدهیم. در این مثال، موج (۵) از اوج موج (۳) پایین‌تر میرود و شرط این فیلتر برآورده شده است.



Figure 9-5: Trade analysis

اکنون بیایید به عنوان فیلتر نهایی به نوسانگر نگاهی بیندازیم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، الگوی واگرایی نشانه مهمی از یک نقطه عطف احتمالی در حرکت قیمت است. هنگامی که بتوانیم یک واگرایی بین امواج (۳) و (۵) و نوسانگر را تأیید کنیم، شواهد برای شروع این تنظیمات خلاف روند بیشتر تقویت میشود. توجه کنید که چگونه قیمت‌ها در پایان موج میانی به سمت پایین حرکت میکنند در حالی که نوسانگر در همان دوره کف‌های بالاتری را ثبت میکند. این به ما میگوید که روند فعلی در حال تضعیف است. به این ترتیب، یک نقطه عطف ممکن است قریب الوقوع باشد. از این رو، میتوانیم نتیجه بگیریم که این فرصت خاص یک تنظیمات معاملاتی قوی را ارائه میدهد.

رویکرد تهاجمی



اولاً، ما یک خط روند رسم میکنیم که انتهای امواج ۱ و ۳ قطر پایانی را به هم متصل میکند تا خط روند ۳-۱ را ایجاد کنیم، و همچنین یک خط روند رسم میکنیم که انتهای امواج ۲ و ۴ قطر را به هم متصل میکند تا خط روند ۴-۲ را ایجاد کنیم. با نگاهی دقیقتر به خط روند ۳-۱، سیگنال ورود تهاجمی با لمس این خط روند توسط قیمت فعال میشود. در این مثال، میتوانید محل وقوع آن را که با ناحیه دایره‌ای نشان داده شده است، مشاهده کنید. قیمت خط روند ۳-۱ را لمس میکند و سپس بلافاصله معکوس میشود. حد ضرر در سطحی قرار میگیرد که طول موج ۵ قطری بزرگتر از طول موج ۳ باشد. منطقه هدف با استفاده از سطوح اصلاحی ۷۹ درصد و ۱۰۰ درصد موج (۵) ایجاد میشود.

رویکرد محافظه کارانه



اکنون، بیا بید ببینیم چگونه میتوانستیم این ستاپ را با استفاده از رویکرد محافظه کارانه معامله کنیم. ورود محافظه کارانه برای ستاپ قطری موج ۵ مستلزم شکست و بسته شدن بالاتر از خط روند ۲-۴ است. با برآورده شدن این شرط، دستور خرید محافظه کارانه برای این معامله فعال میشود. ما میخواهیم یک دستور خرید فوری (market buy order) در باز شدن کندل بعدی قرار دهیم.

در این رویکرد، حد ضرر در زیر اوج موج ۵ قرار میگیرد. توجه کنید که سطح حد ضرر فضای کمی در زیر موج ۵ برچسب گذاری شده فراهم میکند که نوسانات بازار را جبران میکند. ما نمیخواهیم به سادگی حد ضرر را چند پیپ زیر نقطه پایان قطر قرار دهیم، فقط در صورتی که ساختار کمی بیشتر گسترش یابد. ما از همان منطقه هدف برای رویکرد محافظه کارانه استفاده میکنیم که در رویکرد تهاجمی استفاده کردیم. میتوانید ببینید که چگونه قیمت قبل از معکوس شدن، کمی از انتهای بالای منطقه عبور کرد.

مثال معاملاتی ۲



Figure 9-8: Trade analysis

امیدوارم با تجزیه و تحلیل و معامله تنظیمات قطری موج ۵ آشنا شده باشید. در این نمودار دلار استرالیا/دلار کانادا، یک روند صعودی را مشاهده میکنید که از یک الگوی ایمپالس پنج موجی با درجه میانی تشکیل شده است. توجه کنید که موج (۲) به عمق قلمرو موج (۱) اصلاح میکند. سپس، یک رالی قوی در موج (۳) داریم که به نظر میرسد از نظر مومنتوم بسیار قوی‌تر از حرکت قیمت قبلی در موج (۱) است. موج (۴) همانطور که انتظار میرفت، کشیده به نظر میرسد. در این مورد، تشکیل امواج (۲) و (۴) از دستورالعمل تناوب پیروی میکند.

پس از پایان موج (۴)، قیمت به شکلی نسبتاً کند شروع به حرکت صعودی میکند. با پیشرفت قیمت، به طور فزاینده‌ای آشکار میشود که حرکت قیمت در حال شکل دادن به یک قطر پایانی در موقعیت موج (۵) است.

اکنون بیاید این تحلیل را کمی بیشتر پیش ببریم و شروع به بررسی برخی از ابزارهای مرتبط کنیم که میتوانند در ارزیابی این تنظیمات به ما کمک کنند. همانطور که قبلاً انجام دادیم، با کانال پایه شروع خواهیم کرد. توجه کنید که قیمت همانطور که در ناحیه دایره‌ای نشان داده شده است، کانال پایه را شکسته و بالاتر از آن بسته شده است. متعاقباً، یک پیگیری قوی وجود دارد که به پیشرفت بیشتر قیمت کمک میکند. این نشانه قوی است که آنچه ما به آن نگاه میکنیم شبیه به یک حرکت قیمت معمولی موج (۳) است.

در مرحله بعد، از پروجکشن فیوناچی استفاده خواهیم کرد. رسم ابزار پروجکشن فیوناچی با استفاده از شروع موج (۱)، پایان موج (۱) و پایان موج (۲) به ما امکان میدهد حداقل الزام برای موج (۳) - پروجکشن ۱۵۰ درصدی موج (۱) که از انتهای موج (۲) پروجکت شده است - را تعیین کنیم. خط پایینی در شکل نشان میدهد که حداقل الزام برای موج (۳) در کجا برآورده شده است. با این موارد، ما هم از شکست کانال پایه و هم از ابزار پروجکشن فیوناچی تأییدیه گرفته‌ایم که موج (۳) در واقع حرکات قیمت مشخصه را نشان میدهد.

بخش بعدی فرآیند بررسی این است که آیا موج (۵) از اوج موج (۳) فراتر رفته است یا خیر. باز هم، ما نمیخواهیم یک موج (۵) کوتاه شده را معامله کنیم. با مراجعه دقیق به قسمت بالایی نمودار بالا، واضح است که موج (۵) از اوج بالای موج (۳) فراتر رفته است. این در واقع در طول اولین شاخه ساختار قطری رخ داد، با این حال، در آن زمان، ما نمیتوانستیم بدانیم که حرکت قیمت در حال ظهور احتمالاً منجر به یک ساختار قطری پایانی میشود. با پیشرفت حرکت قیمت، به طور فزاینده‌ای آشکار شد که یک الگوی قطری پایانی در موقعیت موج (۵) در حال شکل‌گیری است. اکنون بیاید ببینیم آیا میتوانیم در طول پیشرفت موج (۵) اطلاعات بیشتری از نوسانگر جمع‌آوری کنیم یا خیر.



Figure 9-9: Trade analysis

از این نمودار، مشاهده میکنید که اوج موج (۳) با یک مقدار بالای نوسانگر مطابقت دارد. با حرکت قیمت‌ها به سمت بالا در موج (۵)، توجه کنید که چگونه نوسانگر اوج‌های پایین‌تری را ثبت میکند. این یک الگوی واگرایی نزولی بین حرکت قیمت موج (۵) و نوسانگر ایجاد میکند. در این مرحله، تمام مطالعات موجود در ابزار ما برای قطر پایانی موج (۵) به پایان احتمالی روند صعودی غالب اشاره میکنند و ما را از وجود یک ستاپ با احتمال موفقیت بالا آگاه می‌سازند. مرحله بعدی یافتن بهترین مکان برای ورود به این ستاپ خاص خواهد بود.

رویکرد تهاجمی



Figure 9-10: Aggressive approach

رویکرد تهاجمی مستلزم اجرای دستور ورود در تماس با خط روند ۳-۱ ساختار قطری است. اگر به خط روند آبی بالاتر در این نمودار مراجعه کنید، میتوانید محل وقوع آن تماس را مشاهده کنید. در این مورد، با لمس خط روند، یک دستور فروش آغاز میشود. حد ضرر در جایی قرار میگیرد که طول موج ۵ از طول موج ۳ بیشتر شود. این سطح با خط آبی در بالای نمودار نشان داده شده است. منطقه هدف با سطوح اصلاحی ۷۹ درصد و ۱۰۰ درصد موج (۵) نشان داده شده است. بلافاصله پس از ورود تهاجمی، قیمت خط روند ۲-۴ را به سمت پایین شکست و به سرعت وارد این منطقه هدف شد.

با رویکرد محافظه‌کارانه، ما باید منتظر شکست و بسته شدن زیر خط روند ۲-۴ می‌ماندیم، همانطور که در ناحیه دایره‌ای مشاهده می‌شود. همچنین، حد ضرر بالاتر از اوج موج ۵ ساختار قطری قرار می‌گیرد که با پایان موج پنج ایمپالس درجه میانی نیز مطابقت دارد. به همین ترتیب، آن ناحیه به عنوان ۵ از (۵) برچسب‌گذاری شده است. منطقه هدف برای هر دو رویکرد تهاجمی و محافظه‌کارانه یکسان باقی می‌ماند. همانطور که مشاهده می‌شود، قیمت به راحتی وارد منطقه هدف شد.

بدین ترتیب، مطالعه ما در مورد یک استراتژی عالی خلاف روند که می‌توانید در صورت بروز فرصت مناسب از آن بهره ببرید، به پایان می‌رسد. در فصل بعد، به حرکت در فاز اصلاحی ادامه خواهیم داد تا یک فرصت معاملاتی عالی دیگر را کشف کنیم.

فصل ۱۰: استراتژی معاملاتی شماره ۳

تحلیل معامله

تا به حال، ما در مورد ستاپ اصلاح موج ۴ و ستاپ قطری موج ۵ بحث کرده‌ایم. اکنون، به سومین ستاپ میپردازیم که در انتهای موج B رخ میدهد. من آن را ستاپ اصلاح موج B مینامم. همانطور که آموخته‌ایم، موج ۵ آخرین حرکت در دنباله ایمپالس است. همچنین، اگر یک ساختار قطری در موقعیت موج ۵ رخ دهد، میدانیم که ممکن است یک فرصت معاملاتی قوی وجود داشته باشد. ما باید ساختار کلی قطر را همراه با سایر مطالعات فنی که برای تجزیه و تحلیل پایداری ستاپ قطری موج ۵ با شما به اشتراک گذاشتم، تأیید کنیم.

پس از تکمیل موج ۵، فاز اصلاحی آغاز میشود که با موج A شروع میشود. پس از آن موج B خواهد آمد که در جهت روند قبلی حرکت میکند. با این حال، قادر به ادامه نخواهد بود و به این ترتیب، فرصت بسیار خوبی برای یک معامله خلاف روند فراهم میکند.

به عنوان معامله‌گران تئوری امواج الیوت، یاد میگیریم که این الگوی تکرارشونده را تشخیص دهیم و بارها و بارها آن را ببینیم. ما با اطمینان به خریداران ناآگاه در طول روند صعودی میفروشیم و از فروشندگان ناآگاه در طول روند نزولی میخریم. این فرصت به ما این امکان را میدهد که از شاخه موج C بهره ببریم که اغلب بسیاری از همان ویژگی‌های موج ۳ ایمپالس را دارد. به این ترتیب، ستاپ اصلاح موج B یک فرصت معاملاتی قوی با یک الگوی بسیار مشخص در طول چرخه موج ارائه میدهد. با این حال، بیایید با دقت بیشتری به برخی از روش‌های مختلفی که میتوانیم انتظار داشته باشیم موج B از طریق آنها رخ دهد، نگاهی بیندازیم.

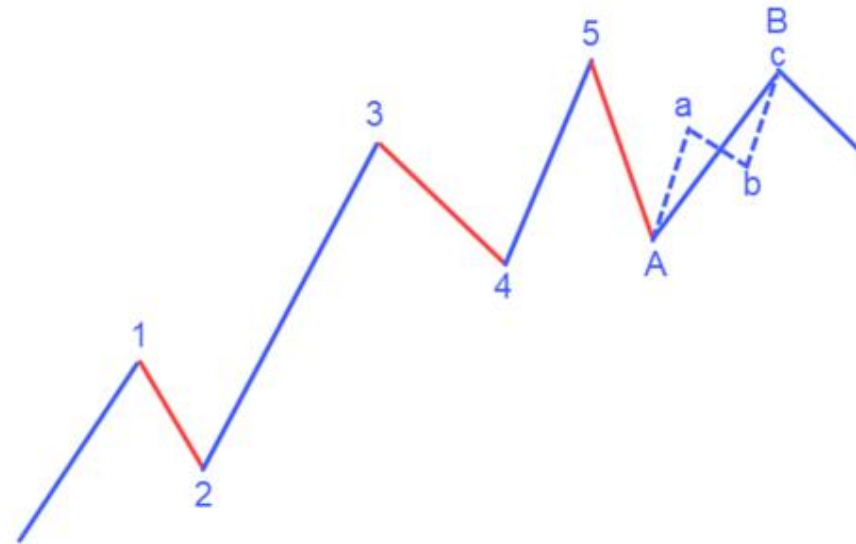


Figure 10-1: Wave B as a zigzag

یکی از روش‌های رایج برای شکل‌گیری موج B، یک زیگزاگ ساده است، همانطور که در تصویر بالا نشان داده شده است. به علامت‌گذاری a-b-c با حروف کوچک برای زیگزاگ که در داخل موج B بزرگتر رخ می‌دهد، توجه کنید. به یاد داشته باشید که زیگزاگ نیز یک تقسیم ۵-۳-۵ دارد. گاهی اوقات، ممکن است برای دیدن زیرمجموعه‌های کوچکتر، نیاز به زوم کردن به یک تایم فریم کوچکتر داشته باشید.

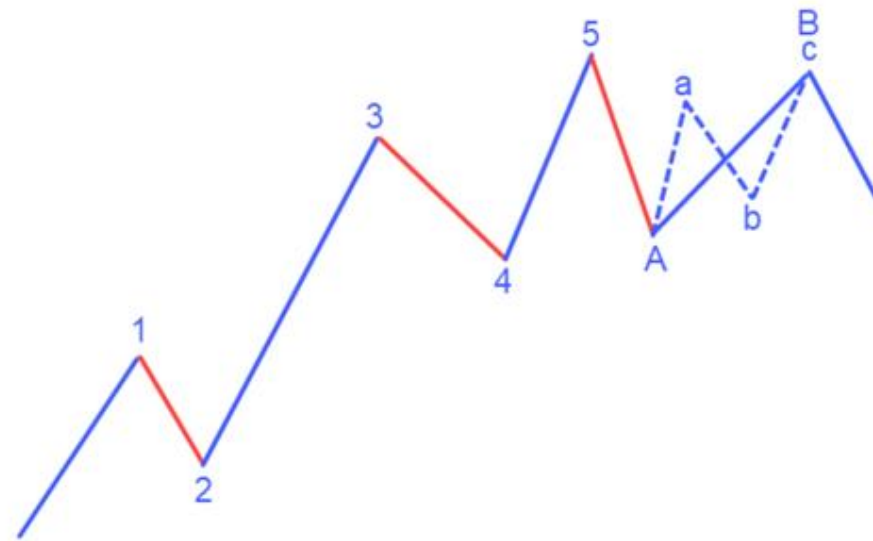


Figure 10-2: Wave B as a regular flat

در اینجا تصویری از موج B به صورت یک مسطح منظم آورده شده است. به تقسیمات فرعی a-b-c در داخل اصلاح موج B بزرگتر توجه کنید. در یک مسطح منظم، موج b حداقل ۸۰ درصد از موج a را اصلاح میکند و سپس موج c کمی فراتر از انتهای موج a حرکت خواهد کرد.

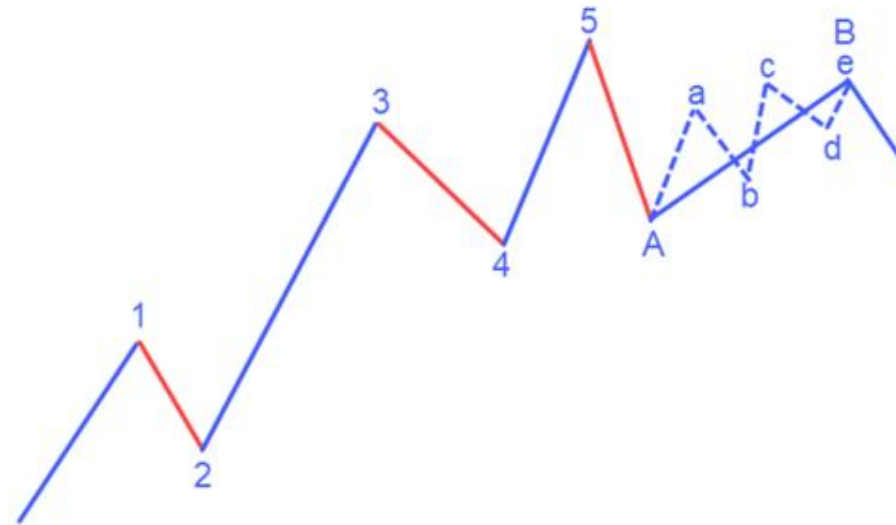


Figure 10-3: Wave B as a triangle

موج B همچنین میتواند به شکل یک الگوی مثلثی باشد. در این تصویر، پس از تکمیل موج ۵، یک حرکت نزولی تند در موج A رخ میدهد. به دنبال آن یک دوره کم نوسان وجود دارد که در آن حرکت قیمت به نظر میرسد محدود به یک محدوده است. هنگامی که این در موقعیت موج B رخ میدهد، اغلب نشانه‌ای از این است که یک مثلث ممکن است در حال شکل‌گیری باشد. این مثلث از پنج شاخه با برچسب‌های a، b، c، d و e تشکیل شده است. درست مانند یک مثلث در موقعیت موج ۴، مثلث در موقعیت موج B نیز با یک شاخه دیگر دنبال میشود که در جهت مبدأ آن حرکت خواهد کرد.

اجرای معامله

رایج‌ترین نسبت‌های فیبوناچی که می‌توانیم برای اصلاح موج B انتظار داشته باشیم چیست؟ خب، موج B معمولاً بین ۵۰ تا ۶۲ درصد از موج A را اصلاح میکند. من دریافته‌ام که در درصد بیشتری از موارد، موج B معمولاً نزدیک‌تر به سطح ۶۲ درصد اصلاح میکند تا سطح ۵۰ درصد. هنگامی که قیمت‌ها در این منطقه اصلاحی برمیگردند، اغلب می‌توانیم انتظار داشته باشیم که کل اصلاح A-B-C یک الگوی زیگزاگ باشد. مواقعی خواهد بود که موج B اصلاح عمیق‌تری خواهد داشت، مانند سطح اصلاحی ۷۹ درصد. معمولاً، هنگامی که این نوع اصلاح عمیق رخ میدهد، بازار نوعی از الگوی مسطح را برای اصلاح A-B-C بزرگتر شکل میدهد.

تکنیکی که همچنین میتواند به ما در تشخیص اینکه آیا ساختار اصلاحی A-B-C یک زیگزاگ یا مسطح تشکیل میدهد کمک کند، مطالعه زیرمجموعه‌های درون موج A است. به طور خاص‌تر، اگر موج A فاز اصلاحی به نظر برسد که به سه موج کوچکتر تقسیم میشود، احتمال بیشتری وجود دارد که کل ساختار یک مسطح باشد، و به این ترتیب، موج B میتواند فراتر از منطقه اصلاحی تعیین شده ما اصلاح کند. از طرف دیگر، اگر موج A اصلاحی به نظر برسد که به پنج موج کوچکتر تقسیم میشود، احتمال بیشتری وجود دارد که کل ساختار اصلاحی یک زیگزاگ باشد، و موج B احتمالاً در منطقه اصلاحی تعیین شده ما به پایان میرسد. با این حال، همیشه تشخیص یک زیرمجموعه واضح در شاخه A فاز اصلاحی امکان‌پذیر نیست. با این وجود، قطعاً چیزی است که باید مراقب آن باشید زیرا میتواند به شما در پیش‌بینی عمق شاخه B کمک کند.

رویکرد تهاجمی



Figure 10-4: Aggressive approach

در اینجا تصویری از روش تهاجمی برای تنظیمات اصلاح موج B آورده شده است. اگرچه این تصویر دقیقاً در مقیاس نیست، اما میتواند چارچوب لازم برای درک مکانیک اساسی این تکنیک را در اختیار ما قرار دهد. در این مثال خاص، ما یک ساختار زیگزاگ در داخل اصلاح موج B بزرگتر داریم. رویکرد تهاجمی مستلزم یک دستور محدود برای ورود، زمانی است که قیمت در طول پیشرفت خود در موج B وارد منطقه اصلاحی ۵۰ تا ۶۲ درصد شود.

یک دستور حد ضرر فراتر از اوج موج ۵ قرار میگیرد، همانطور که در تصویر نشان داده شده است. این سطح یک منطقه منطقی برای محافظت از معامله در صورتی فراهم میکند که نظر کلی ما درست باشد اما اصلاح موج B منجر به اصلاح عمیقتری شود. همانطور که قبلاً ذکر شد، این حالت زمانی معمول است که کل اصلاح A-B-C آماده تشکیل یک سطح منظم باشد. در چنین حالتی، قرار دادن حد ضرر فراتر از اوج موج ۵ این فضای تنفس اضافی را در معامله برای ما فراهم میکند.

منطقه هدف برای این استراتژی، رابطه مهم بین موج A و موج C را در نظر میگیرد. به طور خاص، موج C اغلب مسافتی معادل طول موج A را طی خواهد کرد. این رایج‌ترین رابطه بین موج C و موج A است. دومین رابطه رایج بین این دو موج این است که موج C حدود ۱۲۷ درصد طول موج A امتداد خواهد یافت. به این ترتیب، من این دو سطح پروجکشن موج A را برای رسم محتمل‌ترین منطقه هدف برای پایان موج C در نظر میگیرم. ما انتظار داریم موج C بین پروجکشن ۱۰۰ درصد و ۱۲۷ درصد موج A به پایان برسد. میتوانید منطقه هدف حاشیه‌نویسی شده را که در تصویر بالا مشخص شده است، مشاهده کنید.

رویکرد محافظه کارانه

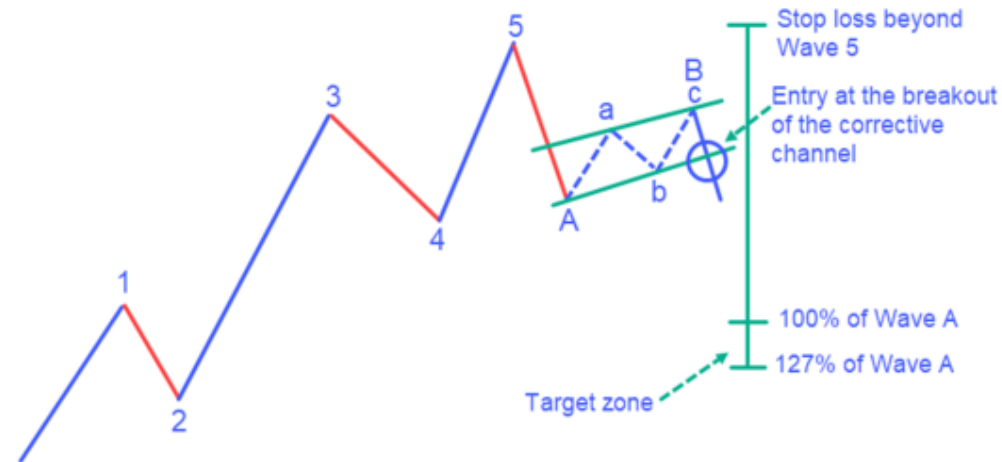


Figure 10-5: Conservative approach

اکنون، بیایید در مورد ورودی‌های محافظه‌کارانه صحبت کنیم. با مراجعه به این نمودار، می‌توانید اصلاح موج B را ببینید که به صورت یک زیگزاگ باز میشود. ما یک کانال اصلاحی در اطراف ساختار زیگزاگ با اتصال ابتدای زیرموج a به انتهای زیرموج b در داخل زیگزاگ رسم می‌کنیم و آن خط را به جلو امتداد می‌دهیم. سپس، یک خط موازی از آن خط را از انتهای زیرموج a الگوی زیگزاگ رسم می‌کنیم. این کار کانال اصلاحی را همانطور که در این تصویر دیده میشود، ایجاد میکند. گزینه محافظه‌کارانه سیگنال را در شکست کانال اصلاحی ایجاد میکند. این شکست همانطور که در ناحیه دایره‌ای در این تصویر نشان داده شده است، مشخص شده است. متوجه خواهید شد که ورود محافظه‌کارانه مدتی پس از ورود تهاجمی فعال میشود. اساساً، گزینه دوم نسبت به گزینه اول به تأیید بیشتری از بازار نیاز دارد. در نتیجه، هنگام استفاده از گزینه دوم، تمایل به داشتن نرخ برد بالاتری خواهیم داشت در حالی که مقداری از پتانسیل سود را از دست می‌دهیم.

حد ضرر و منطقه هدف برای این گزینه همانند رویکرد تهاجمی باقی میماند.

در بخش بعدی، ابزارهایی را که برای معامله ستاپ اصلاح موج B به آنها تکیه خواهیم کرد، بررسی خواهیم کرد.

ابزار معاملاتی

با موج B، باید متوجه باشیم که این موج یک فرصت کم‌ریسک برای معامله در خلاف جهت روند غالب ارائه می‌دهد. دلیل اصلی این امر این است که ما یک سطح بسیار قوی داریم که در این معامله به آن تکیه می‌کنیم - اوج موج ۵. این اوج نوسان بزرگ در یک روند صعودی نشان‌دهنده یک سطح مقاومت قوی است، و کف نوسان بزرگ در یک روند نزولی نشان‌دهنده یک سطح حمایت قوی است. علاوه بر این، از آنجایی که این ستاپ در نزدیکی پایان چرخه ۳-۵ تئوری امواج الیوت رخ می‌دهد، به راحتی در نمودار قیمت قابل تشخیص است.

تحلیلگران فنی سنتی، ستاپ اصلاح موج B را به عنوان الگوی سر و شانه تشخیص می‌دهند، به طوری که انتهای موج ۳ شانه چپ، انتهای موج ۵ سر و انتهای موج B شانه راست را نشان می‌دهد. با این حال، برخلاف تحلیلگر فنی سنتی که از الگوی سر و شانه استفاده می‌کند و برای سیگنال ورود به شکست خط گردن متکی است، یک معامله‌گر تئوری امواج الیوت می‌تواند از ورودی‌های بهتری، به ویژه در مورد تکنیک تهاجمی، بهره‌مند شود. رویکرد تئوری امواج الیوت امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تر حرکت قیمت را فراهم می‌کند و مزیت بسیار بیشتری ارائه می‌دهد.

بنابراین اکنون، بیایید ابزارهایی را که برای معامله تنظیمات اصلاح موج B نیاز داریم، به شرح زیر بررسی کنیم:

پروجکشن فیبوناچی: برای اندازه‌گیری طول موج ۳.

نوسانگر: برای تأیید واگرایی بین موج ۳ و موج ۵.

تأیید شخصی: برای تأیید پایان موج ۵.

اصلاح فیبوناچی: برای رسم منطقه ورود تهاجمی.

کانال اصلاحی: برای تعیین ورود محافظه‌کارانه.

پروجکشن فیبوناچی: برای رسم منطقه هدف.

با در نظر گرفتن تمام این پیشینه، به بررسی برخی از نمونه‌های نمودار واقعی برای معامله ستاپ اصلاح موج B خواهیم پرداخت.

175

اکنون ببینیم پس از تشخیص این ستاپ بالقوه چگونه میتوانستیم پیش برویم و اجزای مختلف این ستاپ معاملاتی را بررسی کنیم. اولین چیزی که تجزیه و تحلیل خواهیم کرد، وجود حرکت قیمت موج (۳) در ساختار ایمپالس قبلی است. برای این کار، ابتدا ابزار پروجکشن فیبوناچی را اعمال میکنیم و طول موج (۳) را در رابطه با طول موج (۱) اندازهگیری میکنیم. در این مورد، موج (۳) به راحتی فراتر از حداقل طول مورد نیاز امتداد یافته است. علاوه بر این، برای این تنظیمات خاص، میبینیم که موج (۵) از اوج موج (۳) فراتر رفته است. هنگامی که این اتفاق میافتد، میدانیم که این یک حرکت قیمت معمولی موج (۵) است و میتواند یک تنظیمات معاملاتی با احتمال موفقیت بالاتر ارائه دهد.

در مرحله بعد، تجزیه و تحلیل دیگری را در این نمودار قیمت انجام خواهیم داد تا ببینیم تأیید شخصی برای موج (۵) چه چیزی به ما میگوید. برای این کار، باید یک خط روند رسم کنیم که انتهای موج (۲) را به انتهای موج (۴) متصل میکند (به خاطر داشته باشید که ما میخواهیم انتهای دو موج را به هم متصل کنیم، نه اوجهای آنها). پس از رسم آن خط روند، از آن به عنوان نقطه مرجع برای اندازهگیری زمان از انتهای موج (۵) تا لمس خط روند (۲)-(۴) استفاده خواهیم کرد. علاوه بر این، زمانی را که برای تکمیل موج (۵) سپری میشود نیز اندازهگیری خواهیم کرد. سپس، این دو را از منظر زمان مقایسه میکنیم تا ببینیم آیا تأیید شخصی برای موج (۵) رخ داده است یا خیر. در نهایت، ما میخواهیم زمان از انتهای موج (۵) تا لمس خط روند (۲)-(۴) کمتر یا مساوی زمان تکمیل موج (۵) باشد. در این مورد، زمان لمس خط روند (۲)-(۴) به وضوح کمتر از زمان تکمیل موج (۵) است. به این ترتیب، میتوانیم بگوییم که تأیید شخصی برای موج (۵) رخ داده است که شرط این فیلتر را برآورده میکند.



در مرحله بعد، به دنبال تأیید وجود یک الگوی واگرایی خواهیم بود. در این تصویر، مشاهده میکنید که موج (۵) در مقایسه با موج (۳) کف پایینتری را تشکیل میدهد. در همین حال، نوسانگر در موج (۵) در مقایسه با اوج خود در موج (۳)، کف بالاتری را ثبت میکند. به این ترتیب، میتوان یک الگوی واگرایی صعودی بین حرکت قیمت و نوسانگر را تأیید کرد. اکنون، با در نظر گرفتن تمام آن مطالعات، میتوانیم با اطمینان بگوییم که یک فرصت با احتمال موفقیت بالا در این تنظیمات اصلاح موج (B) وجود دارد. ما به دنبال یک مکان مطلوب برای ورود به این معامله به امید گرفتن انتهای اصلاح موج (B) خواهیم بود.

رویکرد تهاجمی

رویکرد تهاجمی



Figure 10-8: Aggressive approach

بیا باید ابتدا رویکرد تهاجمی را اعمال کنیم. ورود تهاجمی این ستاپ معاملاتی زمانی رخ میدهد که قیمت وارد منطقه اصلاحی شود که توسط سطوح اصلاحی ۵۰ درصد و ۶۲ درصد موج (A) ایجاد شده است. همانطور که مشاهده میکنید، یک دستور خرید محدود در هر نقطه از آن منطقه اصلاحی فعال میشود. در مورد حد ضرر، ما میخواهیم آن را زیر اوج موج (۵) قرار دهیم، همانطور که خط افقی آبی در پایین این نمودار نشان میدهد. منطقه هدف با استفاده از سطوح پروجکشن ۱۰۰ درصد و ۱۲۷ درصد موج (A) که از نقطه پایان موج (B) اندازه گیری میشود، رسم شده است. میتوانید ببینید که چگونه قیمت وارد منطقه هدف شد و منجر به یک خروج سودآور در هر نقطه از این منطقه شد.

رویکرد محافظه کارانه



Figure 10-9: Conservative approach

با رویکرد محافظه کارانه، ما باید منتظر شکست و بسته شدن قیمت بالاتر از کانال اصلاحی باشیم. برای رسم این کانال، خطی از ابتدای موج a به انتهای موج b زیگزاگ رسم میکنیم و آن را به جلو امتداد میدهیم. سپس، یک خط موازی از انتهای موج a زیگزاگ رسم میکنیم. همانطور که در ناحیه دایره‌ای در این نمودار نشان داده شده است، ورود محافظه کارانه زمانی فعال میشود که قیمت از این کانال اصلاحی عبور کرده و بالاتر از آن بسته شود. حد ضرر همانند رویکرد تهاجمی در زیر اوج موج (۵) قرار میگیرد و منطقه هدف نیز مشابه است - بین سطوح پروجکشن ۱۰۰ و ۱۲۷ درصد موج (A) که از انتهای موج (B) اندازه‌گیری میشود. همانطور که مشاهده میکنید، پس از شکست کانال، قیمت به راحتی وارد منطقه هدف شد.

حد ضرر در زیر اوج موج (۵) قرار میگیرد. علاوه بر این، برای منطقه سودآوری بالقوه، ما از پروجکشن ۱۰۰ درصد و ۱۲۷ درصد فیبوناچی موج (A) برای پر کردن آن نقش استفاده خواهیم کرد.

اگرچه این رویکرد محافظهکارانه ممکن است نرخ برد بالاتری نسبت به تکنیک تهاجمی داشته باشد، اما این امر به قیمت کاهش سود تحقق یافته شما در رابطه با ضرر بالقوه شما در معامله تمام خواهد شد. در حالیکه این ممکن است همیشه چندان آشکار نباشد، اما به طور نسبی، رویکرد تهاجمی به طور کلی سطح اجرای مطلوبتری را ارائه میدهد.

مثال معاملاتی ۲



Figure 10-10: Trade analysis

در این نمودار ۴ ساعته دلار استرالیا/فرانک سوئیس، امواج ایمپالس برچسب‌گذاری شده را در حین حرکت در یک روند صعودی مشاهده میکنید. همچنین امواج (A) و (B) فاز اصلاحی متعاقب آن را نیز میبینید. در داخل موج (B) علامت‌گذاری‌های a-b-c نشان‌دهنده حرکت سه موجی به سمت بالا است. این ساختار به نظر یک الگوی زیگزاگ معمولی است. اکنون، بیایید عمیق‌تر به ساختار کلی بپردازیم و تعیین کنیم که آیا یک فرصت معاملاتی ایده‌آل ممکن است وجود داشته باشد یا خیر.

اولاً، من پروجکشن فیبوناچی موج (۱) را برای تعیین حداقل طول موج (۳) رسم کرده‌ام. خط پایینی نشان‌دهنده این حداقل - سطح پروجکشن ۱۵۰ درصد - است. قیمت‌ها به راحتی به این سطح میرسند و در واقع، بسیار فراتر از آن حرکت میکنند. علاوه بر این، میبینید که موج (۵) از اوج نوسان موج (۳) فراتر رفته است و بدین ترتیب، شرط دوم برآورده شده است.

مثال معاملاتی ۲



Figure 10-10: Trade analysis

در مرحله بعد، می‌خواهیم تأیید شخصی برای موج (۵) را تجزیه و تحلیل کنیم. ما با رسم یک خط روند که انتهای موج (۲) و موج (۴) را به هم متصل میکند، شروع میکنیم. متوجه خواهید شد که به دلیل حرکت قیمت بسیار کوتاه در داخل موج (۴)، نمیتوانیم به طور مؤثر این فیلتر را در این مورد خاص اعمال کنیم. همانطور که میدانید، برای تأیید شخصی موج (۵)، زمان لازم برای لمس خط روند (۲)-(۴) از انتهای موج (۵) نباید بیشتر از زمان تشکیل موج (۵) باشد. به دلیل زاویه‌ای که از خط روند (۲)-(۴) حاصل میشود، ما قادر به اعمال عملی این تحلیل در این مثال نیستیم. این وضعیت ممکن است گهگاه رخ دهد، و هنگامی که این اتفاق می‌افتد، نباید در مورد پیامدهای آن دچار سردرگمی شوید. در عوض، شما به سادگی این فیلتر را به طور کلی برای آن ستاپ خاص نادیده می‌گیرید زیرا هیچ اطلاعات ارزشمندی ارائه نمیدهد.



Figure 10-11: Trade analysis

در نهایت، ما نوسانگر (Awesome Oscillator) را در این نمودار قرار داده‌ایم تا تأیید کننده واگرایی بین حرکت قیمت و نوسانگر باشد. همانطور که میبینید، موج (۵) در نمودار قیمت، قله بالاتری نسبت به موج (۳) تشکیل میدهد، در حالیکه نوسانگر در همین بازه زمانی، قله پایین‌تری را ثبت میکند. این موضوع، الگوی واگرایی نزولی بین موج‌های (۳)-(۵) و نوسانگر ایجاد میکند. این الگوی واگرایی، به عنوان شواهد بیشتری در حمایت از سناریوی اصلاح موج (B) عمل میکند.

بنابراین، با در نظر گرفتن این پیش‌زمینه، ما می‌خواهیم شروع به نظارت بر حرکت قیمت با تکمیل موج (A) به امید یک موقعیت خرید (Long) کنیم.

رویکرد تهاجمی



Figure 10-12: Aggressive approach

ما میدانیم که ورود تهاجمی برای این الگو زمانی رخ میدهد که قیمت وارد ناحیه اصلاحی ۵۰ تا ۶۲ درصدی موج (A) شود. توجه کنید که ما در آن ناحیه، با تشکیل زیرموج a درون موج (B) یک دستور فروش محدود (Sell Limit) قرار داده‌ایم. در آن زمان، ما حتی زیرموج a را روی نمودار مشخص نکرده بودیم. در عوض، بیشتر به دانش خود از روابط فیوناچی بین امواج برای اجرای ورود تکیه میکردیم. همانطور که از این نمودار میبینید، ما میتوانستیم از یک ورود مطلوب در هر نقطه‌ای از این ناحیه بهره‌مند شویم.

به عنوان بخشی از دستور OCO (یک لغو دیگری)، حد ضرر (Stop Loss) را فراتر از انتهای موج (۵)، همانطور که با خط افقی آبی نشان داده شده، قرار میدهم. ناحیه هدف شامل سطوح پروجکشن فیوناچی ۱۰۰ و ۱۲۷ درصدی موج (A) است.

توجه کنید که در این الگو، قیمت پس از تکمیل زیرموج e درون موج (B) شروع به حرکت نزولی میکند. قیمت وارد ناحیه هدف شد، اما به مرز پایینی ناحیه نرسید. همانطور که تاکنون چندین بار اشاره کرده‌ام، رایج‌ترین رابطه برای موج (C) رابطه یک به یک با موج (A) است، به این معنی که اغلب به فاصله‌ای برابر با موج (A) حرکت کرده و در آنجا به پایان میرسد.

رویکرد محافظه کارانه



Figure 10-13: Conservative approach

بیا ببینیم چگونه می‌توانستیم با استفاده از رویکرد محافظه‌کارانه این الگو را معامله کنیم. ما با رسم کانال اصلاحی برای حرکت قیمت درون موج (B) شروع خواهیم کرد. پس از قرار گرفتن کانال اصلاحی، منتظر شکست و بسته شدن قیمت در زیر این کانال خواهیم ماند. کندل درون ناحیه دایره‌ای نشان می‌دهد که سیگنال شکست در کجا رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد یک کندل استیک ماروبوزوی نزولی قوی باشد که نزدیک به پایین‌ترین قیمت شروع شده و نزدیک به بالاترین قیمت بسته شده است. پس از تکمیل این کندل، ما با استفاده از یک دستور بازار (Market Order) برای ورود، یک موقعیت فروش (Short) باز خواهیم کرد. همانطور که اکنون به خوبی میدانیم، نحوه مدیریت خروج به این صورت است که حد ضرر (Stop Loss) را فراتر از انتهای موج (5) و حد سود (Take-Profit) را درون ناحیه هدف قرار می‌دهیم. هم سطح حد ضرر و هم ناحیه هدف در این نمودار مشخص شده‌اند. پس از شکست به سمت پایین، قیمت برای ورود به ناحیه هدف مشکل چندانی نداشت. اکنون که مکانیک معامله الگوی اصلاحی موج B را با جزئیات نسبتاً زیادی بررسی کرده‌ایم، باید در استفاده از آن به تنهایی راحت‌تر شوید. در ادامه، شروع به یادگیری یک الگوی معاملاتی مهم خواهیم کرد که در ابتدای هر چرخه امواج الیوت رخ می‌دهد.

فصل ۱۱: استراتژی معاملاتی شماره ۴

تحلیل معامله

ما در این کتاب استراتژی‌های نسبتاً زیادی را بررسی کرده‌ایم و امیدوارم کم‌کم در حال جمع‌بندی همه چیز باشید. در این فصل، چهارمین الگوی معاملاتی در مجموعه ابزارهای خود را خواهیم آموخت. این الگو در انتهای فاز اصلاحی موج C رخ می‌دهد.

موج C به فاز اصلاحی پایان می‌دهد و همچنین یک چرخه کامل امواج الیوت با یک درجه را تکمیل می‌کند. از آنجایی که این الگو در پایان یک چرخه کامل رخ می‌دهد، من آن را الگوی تکمیل موج C می‌نامم. به زودی به طور عمیق‌تری به مکانیک معامله این الگو خواهیم پرداخت. اما ابتدا، بیایید برخی از اشکال فازهای اصلاحی درون یک چرخه کامل امواج الیوت را بررسی کنیم.

اکنون که دو روش رایج برای باز شدن الگوی اصلاحی A-B-C را میدانیم که عبارتند از «زیگزاگ» و «فلت منظم»، هر دوی این تغییرات را در ساختار اصلاحی بررسی خواهیم کرد، ابتدا با اصلاح زیگزاگ شروع می‌کنیم.

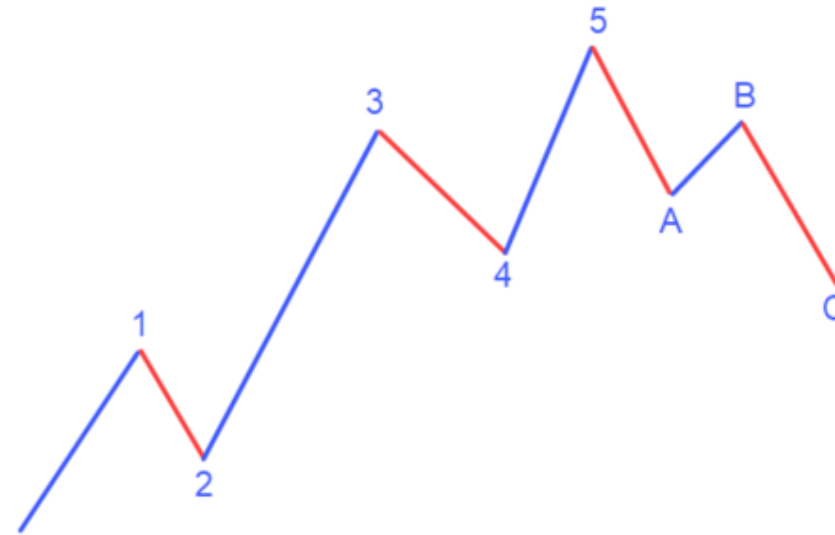


Figure 11-1: Corrective phase as a zigzag

در اینجا تصویر یک الگوی اصلاحی A-B-C را میبینید که به شکل یک زیگزاگ ساده باز میشود. معمولاً، ما شاهد یک اصلاح نسبتاً تند موج A پس از ایمپالس موج ۵ خواهیم بود. به دنبال آن، یک بازگشت موج B رخ میدهد که کمتر از سطح بازگشت ۷۹ درصدی موج A خواهد بود، و معمولاً در محدوده ۵۰ تا ۶۲ درصد برای شاخه B در زیگزاگ قرار میگیرد. علاوه بر این، شاخه B در خود زیگزاگ اغلب یک الگوی زیگزاگ خواهد بود. پس از تکمیل موج B، موج C فاز اصلاحی آغاز میشود. قیمت معمولاً در طول پیشروی موج C از انتهای موج A فراتر رفته و در فاصله‌ای که اغلب برابر با فاصله طی شده در موج A است، به پایان میرسد. علاوه بر این، زمان تشکیل موج A اغلب معادل زمان تشکیل موج C است. اگرچه این رابطه زمانی همیشه به اندازه رابطه یک به یک در طول قابل اعتماد نیست، اما چیزی است که میتواند گهگاه در تحلیل ما مفید باشد.

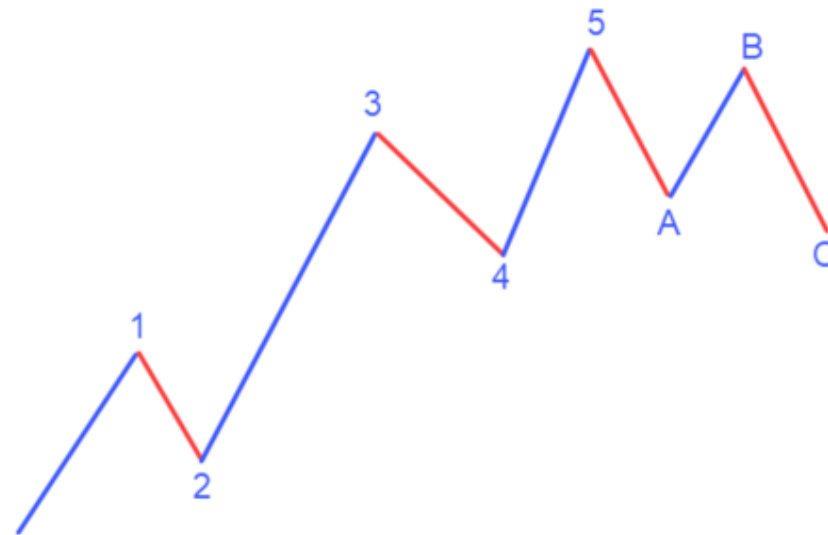


Figure 11-2: Corrective phase as a regular flat

حال، بیا بید به یکی دیگر از تغییرات رایج در فاز اصلاحی نگاهی بیندازیم. در این تصویر، میبینید که ساختار اصلاحی A-B-C به شکل یک فلت منظم باز میشود. به خاطر داشته باشید که در یک فلت منظم، موج B حداقل ۸۰ درصد موج A را اصلاح خواهد کرد. علاوه بر این، موج C کمی فراتر از انتهای موج A امتداد خواهد یافت. با رفتن به صفحات بعدی، شروع به جمع‌آوری تکنیک‌های مختلف مدیریت معامله خواهیم کرد که میتوانند در این الگو اعمال شوند.

اجرای معامله

رویکرد تهاجمی

اجرای معامله

رویکرد تهاجمی

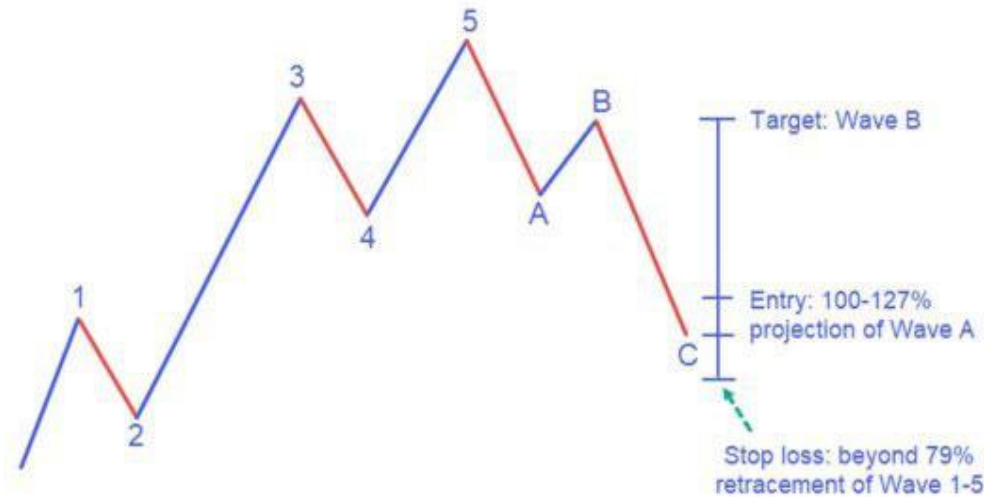


Figure 11-3: Aggressive approach

بیاید در مورد برخی از تکنیک‌هایی که برای معامله الگوی تکمیل موج C از آنها استفاده خواهیم کرد، صحبت کنیم. با رویکرد تهاجمی شروع خواهیم کرد. همانطور که ممکن است حدس بزنید، ورود تهاجمی برای الگوی تکمیل موج C زمانی فعال می‌شود که قیمت وارد ناحیه‌ای شود که توسط سطوح پروجکشن ۱۰۰ و ۱۲۷ درصدی موج A، اندازه‌گیری شده از انتهای موج B، ایجاد شده است. ما معمولاً می‌خواهیم از یک دستور محدود (Limit Order) برای ورود تهاجمی استفاده کنیم، زیرا قیمت در حال حرکت به داخل این ناحیه است. من ترجیح می‌دهم دستور ورود محدود را نزدیک‌تر به سطح ۱۰۰ درصد قرار دهم، زیرا این سطح نشان دهنده نقطه پایانی با احتمال بالاتر برای موج C است. بسته به هر موقعیت خاص، ممکن است با یک دستور محدود برای ورود یک سوم موقعیت در سطح ۱۰۰ درصد، یک دستور محدود برای ورود یک سوم دیگر موقعیت در نقطه میانی ناحیه، و آخرین دستور برای ورود یک سوم نهایی موقعیت در سطح ۱۲۷ درصد، به تدریج وارد معامله شوم.

اجرای معامله

رویکرد تهاجمی

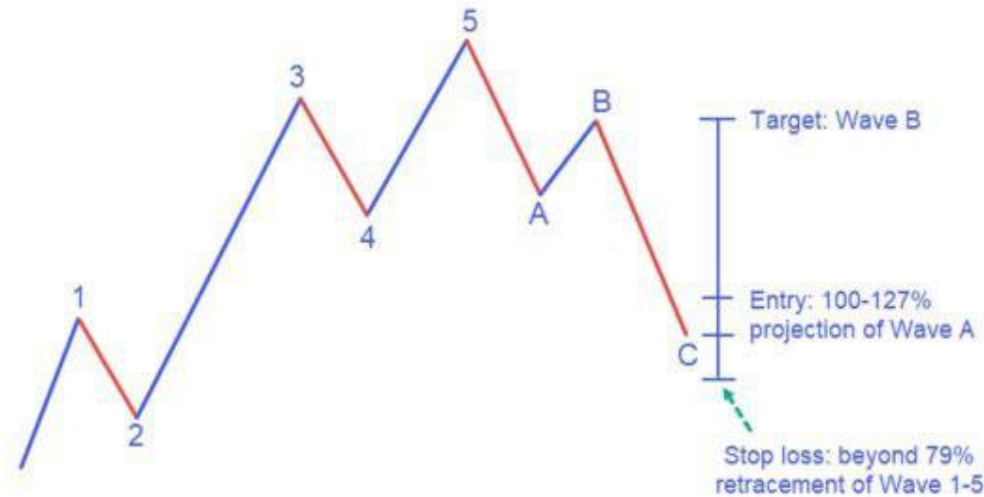


Figure 11-3: Aggressive approach

در مورد حد ضرر (Stop Loss) برای این الگو، ما از سطح بازگشت ۷۹ درصدی دنباله ایمپالس قبلی با همان درجه استفاده خواهیم کرد. به طور خاص‌تر، حد ضرر فراتر از سطح بازگشت ۷۹ درصدی امواج (۱) تا (۵) ایمپالس قبلی قرار خواهد گرفت. هدف (Target) درست قبل از اوج نوسانی (Swing High) دیده شده در موج B قرار خواهد گرفت. اساساً، برای یک موقعیت خرید (Long) اوج نوسانی درون موج B به عنوان بالاترین هدف برای این الگو استفاده خواهد شد. برعکس، برای یک موقعیت فروش (Short) کف نوسانی درون موج B به عنوان پایین‌ترین هدف برای این الگو استفاده خواهد شد. بر اساس برخی عوامل دیگر که هنگام مطالعه الگوهای واقعی در نمودارهای قیمت مورد بحث قرار خواهیم داد، تغییراتی در این مورد وجود خواهد داشت، اما در حال حاضر، درک این جایگاه‌های اصلی مهم است.

رویکرد محافظه کارانه

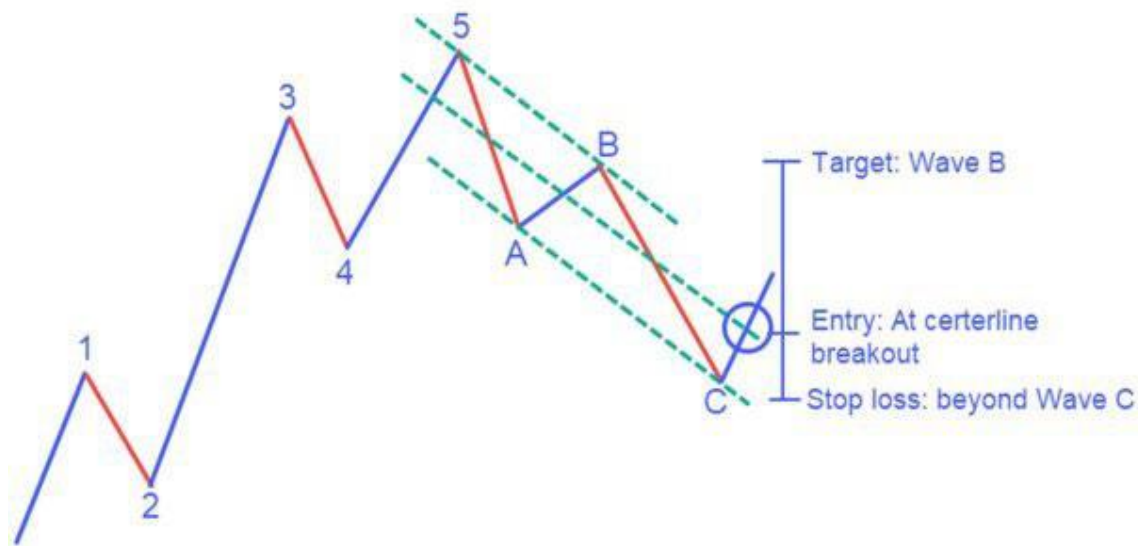


Figure 11-4: Conservative approach

در مورد رویکرد محافظه کارانه برای الگوی تکمیل موج C، میتوان از تغییر یافته ای از تکنیک کانال استفاده کرد. ما یک کانال اصلاحی رسم خواهیم کرد و از خط میانی کانال برای فعال کردن ورود محافظه کارانه استفاده خواهیم کرد. برای ایجاد کانال، با خط روند امواج B-۵ شروع می کنیم - یک خط روند انتهای موج ۵ ایمپالس قبلی را به انتهای موج B متصل میکند. سپس، یک خط موازی از انتهای موج A امتداد داده میشود و کانال اصلاحی را تکمیل میکند. در نهایت، یک خط میانی درون کانال اصلاحی رسم خواهد شد. بیشتر پلتفرم های نموداری به شما امکان میدهند یک خط میانی را درون یک کانال قیمت رسم کنید. با این حال، اگر نرم افزار نموداری شما این ویژگی را ندارد، میتوانید به سادگی یک خط روند موازی رسم کرده و آن را به صورت دستی در مرکز کانال قرار دهید.

به ناحیه دایره‌ای در این نمودار توجه کنید که نقطه شکست را نشان می‌دهد. نقطه شکست زمانی رخ می‌دهد که قیمت از خط میانی کانال اصلاحی فراتر رفته و در آن سوی آن بسته شود. در مورد قرار دادن حد ضرر (Stop-Loss) ما می‌خواهیم آن را فراتر از انتهای موج C قرار دهیم. به خاطر داشته باشید که اگر شکست خط میانی در واقع موج ۱ دنباله ایمپالس جدید باشد، انتهای موج C نیز با ابتدای موج ۱ همبستگی خواهد داشت. به این ترتیب، هرگونه بازگشت موج ۱ نباید از بازگشت ۱۰۰ درصدی موج ۱ فراتر رود. این یک قانون تغییرناپذیر در نظریه امواج الیوت است و ما می‌توانیم از این قانون برای قرار دادن یک حد ضرر منطقی برای این الگو استفاده کنیم. با این حال، اگر متوجه شویم که قیمت از انتهای موج C فراتر میرود، این امر شمارش موج ۱ ما را پس از پایان موج C باطل می‌کند. در چنین سناریویی، احتمال بیشتری وجود دارد که موج C هنوز در حال پیشرفت باشد. آیا می‌بینید که چگونه دانستن و درک قوانین و دستورالعمل‌های مختلف در نظریه امواج الیوت می‌تواند به ما در تعیین مناسب‌ترین مناطق برای ورود و خروج از معاملات کمک کند؟

در نهایت، ناحیه هدف همانند رویکرد تهاجمی که قبلاً ذکر شد، باقی خواهد ماند.

برخلاف بسیاری از امواج در چرخه کلی امواج الیوت که رابطه ذاتی با یک یا چند موج دیگر در چرخه دارند، موج ۱ یک ایمپالس واقعاً هیچ رابطه فیوناچی قابل اعتمادی با امواج قبلی در چرخه کلی به ما ارائه نمی‌دهد. به این ترتیب، پیش‌بینی پایان موج ۱ پس از پایان موج C دشوار است. بنابراین، ما برای کسب سود در طول الگوی تکمیل موج C به روش‌های دیگری نیاز خواهیم داشت. با این حال، من دریافته‌ام که در این الگو، اوج موج B اغلب به عنوان مقاومت در یک موقعیت خرید و به عنوان حمایت در یک موقعیت فروش عمل می‌کند. بنابراین، منطقی‌ترین هدف برای الگوی تکمیل موج C، اوج نوسانی دیده شده در موج B است. گاهی اوقات، زمانی که موج ۱ نسبتاً کوتاه از آب در می‌آید، هدف در طول پیشروی موج ۳ محقق می‌شود. از طرف دیگر، زمانی که موج ۱ نسبتاً طولانی از آب در می‌آید، هدف بسیار سریع به دست می‌آید.

در بخش بعدی، ابزارهایی را که برای معامله مؤثر الگوی تکمیل موج C به آنها تکیه خواهیم کرد، مورد بحث قرار خواهیم داد.

جعبه ابزار معاملاتی

بیایید بحث خود را در مورد الگوی تکمیل موج C ادامه دهیم. همانطور که اکنون باید بدانید، این الگو با یک چرخه کامل امواج الیوت با یک درجه همزمان است. پس از تکمیل این چرخه، شاهد از سرگیری حرکت بازار در جهت روند درجه بزرگتر خواهیم بود. از آنجایی که این الگو در نزدیکی پایان چرخه ۳-۵ رخ می‌دهد، اغلب تشخیص آن در نمودار قیمت بسیار آسان است.

در نتیجه، ما اغلب زمان کافی برای تجزیه و تحلیل حرکت قیمت منتهی به این الگو و آمادگی برای آن را داریم. ما میتوانیم دو روش ورود مختلف را در نظر بگیریم، که در آن رویکرد تهاجمی به ما امکان میدهد کمی زودتر از رویکرد محافظهکارانه وارد موقعیت شویم. هر دوی این تکنیکها مشخصات ریسک خاص خود را خواهند داشت. شما میتوانید هنگام شروع یک موقعیت جدید، از یکی از آنها، یا دیگری، یا ترکیبی از هر دو استفاده کنید.

در اینجا ابزارهای فنی مختلف در جعبه ابزار ما برای معامله مؤثر الگوی تکمیل موج C آورده شده است:

کانال اصلاحی: برای تأیید حرکت قیمت موج C؛

اصلاح فیبوناچی: برای تأیید ناحیه ورود؛

پروجکشن فیبوناچی: برای تعیین ناحیه ورود تهاجمی؛

کانال اصلاحی: برای تعیین ورود محافظهکارانه؛

اصلاح فیبوناچی: برای تعیین محل قرار دادن حد ضرر؛

در ادامه، به برخی از نمونههای نموداری ملموس میپردازیم که تمام این مطالعات مختلف را برای الگوی تکمیل موج C در بر میگیرند.

مثال معامله ۱

مثال معامله ۱



Figure 11-5: Trade analysis

اکنون توجه خود را به اولین مثال معاملاتی برای الگوی موج (C) معطوف میکنیم. در این نمودار ۴ ساعته دلار استرالیا در برابر دلار نیوزلند، میتوانید ساختار ایمپالس پنج موجی را مشاهده کنید که به دنبال آن یک دنباله اصلاحی سه موجی با برچسب‌های (A) (B) و (C) آمده است. به نظر می‌رسد این اصلاح (A)-(B)-(C) یک ساختار زیگزاگ باشد.

همزمان با تکمیل چرخه ۳-۵ امواج الیوت توسط قیمت، ما با تجزیه و تحلیل حرکت قیمت از طریق کانال اصلاحی شروع خواهیم کرد. در این نمودار، میبینید که کانال اصلاحی با اتصال نقاط انتهایی امواج (۵) و (B) و رسم یک خط موازی از آن خط روند از انتهای موج (A) ترسیم شده است. ما میخواهیم حرکت قیمت درون کانال اصلاحی محصور شود. به طور خاص، از آنجایی که هدف این کانال اصلاحی اندازه‌گیری حرکت قیمت برای موج (C) است، میخواهیم اطمینان حاصل کنیم که موج (C) از کانال اصلاحی فراتر نمی‌رود. این شرط در این مورد برآورده شده است، اگرچه به نظر میرسد دو کندل در انتهای موج (C) کمی خارج از کانال اصلاحی حرکت کرده‌اند. مواقعی وجود خواهد داشت که این اتفاق می‌افتد، به ویژه در نقطه پایانی یا نقطه برگشت در انتهای موج (C). به همین دلیل، من به طور اکیداً الزام نمیکنم که کل حرکت قیمت درون موج (C) در داخل کانال اصلاحی باقی بماند. حال، این ممکن است منجر به ابهام در مورد اینکه منظور من از «فراتر رفتن از کانال اصلاحی» چیست، شود؟ اما نگران نباشید، من یک دستورالعمل عینی در زیر دارم.

اگر کل یک کندل، از بالاترین تا پایین‌ترین قیمت، خارج از کانال اصلاحی باشد، آن را حرکتی فراتر از کانال اصلاحی در نظر میگیرم. این تعریف سخت‌گیرانه‌تر عینی‌تر است و در بیشتر موارد، اگر از این دستورالعمل پیروی کنید، به این فیلتر پایبند خواهید بود.

در مرحله بعد، مایلیم ببینیم که حرکت قیمت موج (C) وارد ناحیه اصلاحی ۵۰ تا ۷۹ درصدی امواج ۱-۵ ایمپالس قبلی شود. این ناحیه اصلاحی جنبه مهمی از الگوی تکمیل موج (C) است. به خطی که شروع موج (۱) و انتهای موج (۵) را در محاسبه این سطوح به هم متصل میکند، توجه کنید. مشابه حداقل مورد نیاز برای موج (۳) که به عنوان بخشی از برخی از استراتژی‌های قبلی خود مورد بحث قرار دادیم، سطح اصلاحی ۵۰ درصد به عنوان حداقل مورد نیاز برای ورود به یک موقعیت جدید در این الگو عمل میکند.

ما همیشه نمیتوانیم مطمئن باشیم که آیا کل ساختار ۳-۵ در واقع امواج (۳) و (۴) درجه بزرگتر هستند یا چیز دیگری در چرخه کلی. هنگامی که این امر نامشخص است، احتمال بیشتری وجود دارد که اصلاح در مراحل دیگری در چرخه کلی رخ دهد. بر این اساس، من ترجیح میدهم از محدوده رایج‌تر ۵۰ تا ۷۹ درصدی ایمپالس قبلی به عنوان فیلتر مهم ناحیه ورود استفاده کنم. همچنین، ما نمیخواهیم قیمت از آستانه ۷۹ درصد فراتر رود. وقتی این اتفاق می‌افتد، احتمالاً ما ایمپالس قبلی یا اصلاح A-B-C، یا هر دو را به اشتباه برچسب زده‌ایم.

رویکرد تهاجمی

اکنون که درک کردید چرا از اصلاح ۵۰ تا ۷۹ درصدی ایمپالس قبلی به عنوان فیلتر ناحیه ورود خود استفاده میکنم، مستقیماً به استراتژی مربوط به موج (C) میپردازیم. ناحیه ورود تهاجمی برای الگوی تکمیل موج (C) با استفاده از پروجکشن ۱۰۰ و ۱۲۷ درصدی موج (A) که از انتهای موج (B) اندازه‌گیری میشود، ایجاد میگردد. به خاطر خواهید آورد که خطوط بیرونی در این نمودار نشان‌دهنده اصلاح ۵۰ و ۷۹ درصدی ایمپالس قبلی هستند. بنابراین، در این مورد، ناحیه ورود تهاجمی کاملاً در داخل ناحیه اصلاحی موج ۱-۵ قرار دارد. ما میتوانیم یک دستور خرید محدود (Buy Limit) را در هر نقطه‌ای از این ناحیه برای باز کردن یک موقعیت قرار دهیم. حد ضرر (Stop Loss) در زیر فیلتر ناحیه ورود بزرگتر (سطح ۷۹ درصد در نمودار) قرار خواهد گرفت. پس از فعال شدن ورود خرید، ما به دنبال کسب سود درست زیر اوج قیمت درون موج (B) خواهیم بود.

توجه داشته باشید که دستور خرید محدود شما در هر نقطه‌ای از ناحیه ورود تهاجمی اجرا میشود، و با شروع حرکت قیمت به سمت بالا، خطر چندانی برای فعال شدن حد ضرر وجود نداشت. همانطور که در قسمت بالایی این نمودار مشاهده میشود، سطح حد سود درست زیر اوج موج (B) فعال شد.



Figure 11-6: Aggressive approach

اکنون، امیدوارم کم کم درک کنید که چگونه میتوانیم این الگو را در نمودارهای واقعی بازار اعمال کنیم. بیایید به مثال دوم در زیر برویم.



مثال معامله ۲

در این مثال، ما نمودار ۴ ساعته دلار استرالیا در برابر ین ژاپن را مشاهده میکنیم. پس از یک ایمپالس پنج موجی، یک فاز اصلاحی در ساختار (Y)-(X)-(W) داریم. اجازه ندهید این موضوع شما را گیج کند، زیرا مفاهیم معامله اصلاح (Y)-(X)-(W) مشابه اصلاح (A)-(B)-(C) خواهد بود. به خاطر داشته باشید که اصلاح (Y)-(X)-(W) به سادگی یک ترکیب دوتایی یا یک سه تایی دوتایی است، همانطور که اغلب به آن اشاره میشود. در این مورد، ما یک ساختار زیگزاگ برای موج (W) و یک ساختار زیگزاگ دیگر در موج (Y) داریم، و موج (X) موج اتصال بین این دو زیگزاگ است. بنابراین، این ساختار یک الگوی زیگزاگ دوتایی است.

بیا یاد ادامه دهیم و ارزیابی سریعی از این الگوی معاملاتی انجام دهیم. ابتدا، کانال اصلاحی را با ایجاد خط روند (۵)-(X) و کشیدن یک خط موازی از آن از انتهای موج (W) رسم خواهیم کرد. ما میخواهیم مطمئن شویم که حرکت قیمت موج (Y) کاملاً از کانال خارج نمیشود. همانطور که میبینید، در نزدیکی نقطه پایانی شاخه (Y)، برخی از کندلها وجود دارند که به زیر خط پایینی کانال اصلاحی نفوذ کردهاند. با این حال، از آنجایی که بخشی از آن کندلها در داخل کانال باقی ماندهاند، این شرط برآورده میشود. در مرحله بعد، میخواهیم مطمئن شویم که قیمت در فاز اصلاحی وارد ناحیه اصلاحی ۵۰ تا ۷۹ درصدی شده است و در عین حال، از آستانه اصلاحی ۷۹ درصدی پایینتر نرفته است. همانطور که از این نمودار می بینید، این شرط نیز به طور کامل برآورده شده است.



Figure 11-8: Trade analysis

رویکرد تهاجمی



Figure 11-9: Aggressive approach

اکنون زمان آن رسیده است که ناحیه ورود تهاجمی را روی این نمودار رسم کنیم. با استفاده از ابزار پروجکشن فیبوناچی، طول موج (W) را از انتهای موج (X) پروجکت میکنیم. سطوح مورد نظر سطوح پروجکشن ۱۰۰ و ۱۲۷ درصدی خواهند بود که ناحیه ورود را تشکیل میدهند. توجه کنید که چگونه برخی از کندلها درست قبل از شروع حرکت قیمت به سمت بالا، مرز بالایی این ناحیه ورود را لمس میکنند. حد ضرر در زیر سطح اصلاحی ۷۹ درصدی قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، قیمت حد سود ما به راحتی پس از قرار گرفتن در حدود بالای موج (X) به دست خواهد آمد.

رویکرد محافظه کارانه



Figure 11-10: Conservative approach

بیاپید به رویکرد محافظه کارانه بپردازیم. در این نمودار، خط میانی کانال اصلاحی نیز رسم شده است. سیگنال ورود زمانی رخ میدهد که قیمت از خط میانی این کانال اصلاحی عبور کرده و بالاتر از آن بسته شود. کندل قوی صعودی در ناحیه دایره‌ای، سیگنال ورود محافظه کارانه را تأیید میکند. توجه کنید که این یک کندل صعودی قوی است که شبیه الگوی کندل استیک ماروبوزو است. پس از باز شدن موقعیت خرید، شاهد دو بار بازگشت قیمت به سمت پایین برای آزمایش خط میانی کانال بودیم. پس از دومین آزمایش مجدد، قیمت حرکت تند خود را به سمت بالا آغاز کرد و سطح هدف را لمس کرد. حد ضرر در زیر انتهای موج Y قرار خواهد گرفت. هدف نیز همانند رویکرد تهاجمی - اوج نوسانی موج (X) باقی خواهد ماند.

با این توضیحات، فصل مربوط به الگوی تکمیل موج C را به پایان میرسانیم. در فصل بعد، آخرین الگوی معاملاتی در مجموعه ابزارهای معاملاتی خود را مورد بحث قرار خواهیم داد - الگویی که هر معامله گر امواج الیوت نمیخواهد آن را از دست بدهد.

فصل ۱۲: استراتژی معاملاتی شماره ۵

تحلیل معامله

تاکنون، ما چهار الگوی معاملاتی مختلف را در چارچوب امواج الیوت مورد بحث قرار داده‌ایم: الگوی اصلاح موج ۴، الگوی مورب موج ۵، الگوی اصلاح موج B و الگوی تکمیل موج C. در این فصل، پنجمین و آخرین الگوی معاملاتی با احتمال موفقیت بالا در مجموعه ابزارهای معاملاتی خود را با شما به اشتراک خواهم گذاشت. این الگو پس از یک چرخه کامل امواج الیوت رخ میدهد. هدف آن بهره‌برداری از موج ۳ در طول یک دنباله ایمپالس جدید است. من این الگو را الگوی ادامه موج ۳ مینامم.

ما میدانیم که پس از تکمیل موج C فاز اصلاحی، کل چرخه تکرار خواهد شد. با تکرار آن، میتوانیم سعی کنیم یکی از گریزان‌ترین و در عین حال سودآورترین شاخه‌های کل چرخه امواج الیوت - موج ۳ - را شکار کنیم. موج ۳ پدیده‌ای شگفت‌انگیز تلقی میشود. اگر بتوانیم به موقع در حرکت موج ۳ سوار شویم، این امر به ما امکان میدهد سود بسیار بیشتری نسبت به سایر امواج در چرخه کلی به دست آوریم.

پس از پایان موج C در یک بازار صعودی کلی، من به دنبال شروع موج ۱ برای فاز ایمپالس جدید میگردم و سپس منتظر پولبک در موج ۲ یا شکست بالای انتهای موج ۱ میمانم تا سوار موج ۳ شوم. همین امر برای یک بازار نزولی کلی اما به صورت معکوس صادق است. جزئیات دقیق ورود برای معامله الگوی ادامه موج ۳ را کمی بعد بررسی خواهیم کرد، اما در حال حاضر، مهم است که درک کنید این الگو در کجای چرخه کلی امواج الیوت رخ میدهد.

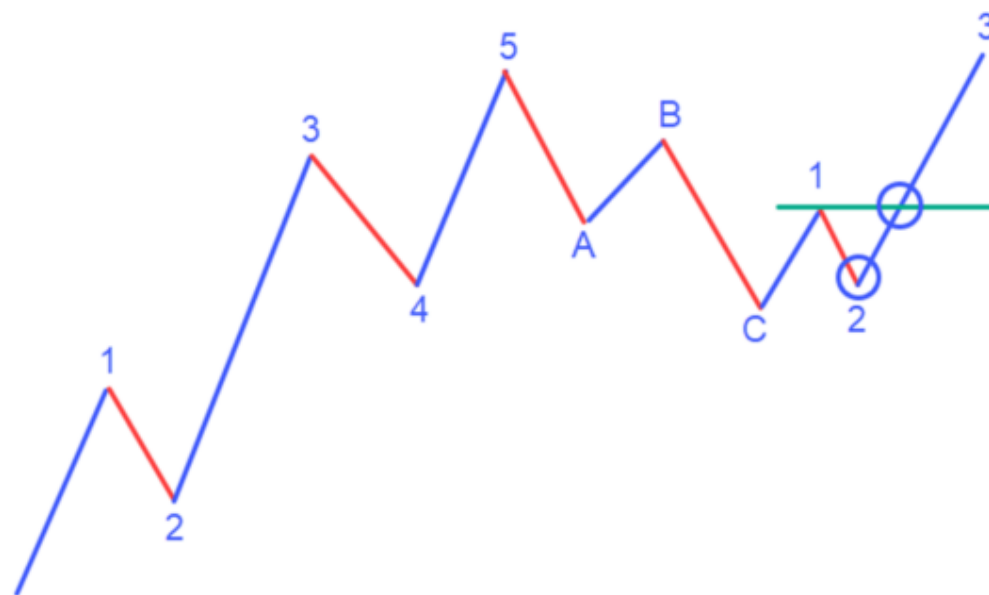


Figure 12-1: Wave 3 continuation setup

این تصویر یک چرخه کامل ۳-۵ را نشان می‌دهد که شامل ۵ موج ایمپالس و ۳ موج اصلاحی است. علاوه بر این، ادامه روند صعودی پس از فاز اصلاحی A-B-C را نیز نشان می‌دهد. دو ناحیه دایره‌ای در این نمودار، دو ناحیه مهم را نشان می‌دهند که می‌توانیم سعی کنیم از آنها برای سوار شدن بر حرکت قیمت درون موج ۳ بهره ببریم. از آنجایی که موج ۳ معمولاً طولانی‌ترین موج در کل چرخه امواج الیوت است، بسیار توصیه می‌شود که در مراحل اولیه پیشرفت آن، روی آن تمرکز کنیم. گاهی اوقات، انجام این کار آسان‌تر از گفتن آن است، زیرا ساختار کلی که این الگو را در خود جای می‌دهد، می‌تواند در شرایط واقعی بازار به سختی قابل تشخیص باشد. با این وجود، به دلیل ماهیت بسیار سودآور معامله موج ۳، این تلاش کاملاً ارزشمند است.

اجرای معامله

رویکرد تهاجمی



تکنیک‌های بهینه ورود برای الگوی ادامه موج ۳ مستلزم درک این موضوع است که محتمل‌ترین نقاط پایانی موج ۲ کجا خواهند بود. همانطور که ممکن است از فصل‌های قبلی به یاد داشته باشید، موج ۲ تمایل دارد یک بازگشت نسبتاً عمیق باشد. در درصد زیادی از موارد، انتظار داریم که موج ۲ بین سطوح ۵۰ و ۶۲ درصدی موج ۱ را اصلاح کند. بر اساس اهمیت آماری این ناحیه، من از این ناحیه به عنوان ورود تهاجمی برای الگوی ادامه موج ۳ استفاده خواهم کرد. اگر متوجه شوم که موج ۱ نسبتاً بلند است و رفتار ایمپالس نشان می‌دهد، دستور ورود محدود خود را به سطح اصلاحی ۵۰ درصد نزدیک‌تر قرار می‌دهم. با این حال، اگر متوجه شوم که موج ۱ اندازه نسبتاً متوسطی دارد یا نسبتاً کوچک است، ترجیح می‌دهم دستور ورود محدود خود را به سطح اصلاحی ۶۲ درصد نزدیک‌تر قرار دهم. با این حال، در بسیاری از موارد، من به سادگی یک دستور ورود محدود را در حدود نقطه میانی این دو سطح قرار می‌دهم.

باز هم، همانطور که چندین بار در این کتاب به آن اشاره کرده‌ام، روش‌های زیادی وجود دارد که می‌توانید رویکرد تهاجمی را در معاملات خود بگنجانید. هیچ روش جادویی وجود ندارد که همیشه کارساز باشد. شما باید حرکت قیمت و تمایل کلی خود را تجزیه و تحلیل کنید و سپس تصمیم بگیرید که می‌خواهید دستور ورود را در کجای ناحیه بازگشتی با احتمال بالا قرار دهید.

حال، در مورد حد ضرر (Stop Loss) باید آن را فراتر از انتهای موج C قرار دهید که همزمان با شروع موج ۱ چرخه جدید است. همانطور که قبلاً میدانید، یکی از قوانین تغییرناپذیر در امواج الیوت این است که موج ۲ هرگز نمیتواند بیش از ۱۰۰ درصد موج ۱ را اصلاح کند. اگر این اتفاق بیفتد، شمارش کلی ما نیاز به ارزیابی مجدد دارد زیرا فرض اولیه ما در جایی اشتباه بوده است. این اطلاعات بسیار ارزشمندی است که می‌توانیم از آن در تعیین سطح حد ضرر برای این الگو استفاده کنیم. در مرحله بعد، بیایید در مورد جنبه سود بالقوه این معامله بحث کنیم. اگر تا به حال توجه کرده باشید، باید بدانید که موج ۳ اغلب یک پروجکشن ۱۶۲ درصدی از موج ۱ است که از انتهای موج ۲ اندازه‌گیری میشود. در این تصویر میبینید که من از سطوح ۱۵۰ درصد و ۱۶۲ درصد موج ۱ برای تشکیل ناحیه هدف برای این الگو استفاده کرده‌ام. لازم به ذکر است که اگرچه موج ۳ اغلب ۱۶۲ درصد طول موج ۱ را طی میکند، اما ما می‌خواهیم سود خود را قبل از پایان موج ۳ برداشت کنیم. من به دنبال تعیین دقیق اوج موج ۳ در یک روند صعودی نیستم، و همچنین به دنبال تعیین دقیق کف موج ۳ در یک روند نزولی نیستم. اگر بتوانم بخش عمده حرکت را بگیرم و همچنان قبل از محتمل‌ترین نقطه برگشت خارج شوم، بسیار خوشحال خواهم بود. در نتیجه، من اغلب ترجیح میدهم موقعیت خود را در سطح ۱۵۰ درصد یا در نقطه میانی سطوح ۱۵۰ درصد و ۱۶۲ درصد ببندم.

رویکرد محافظه کارانه

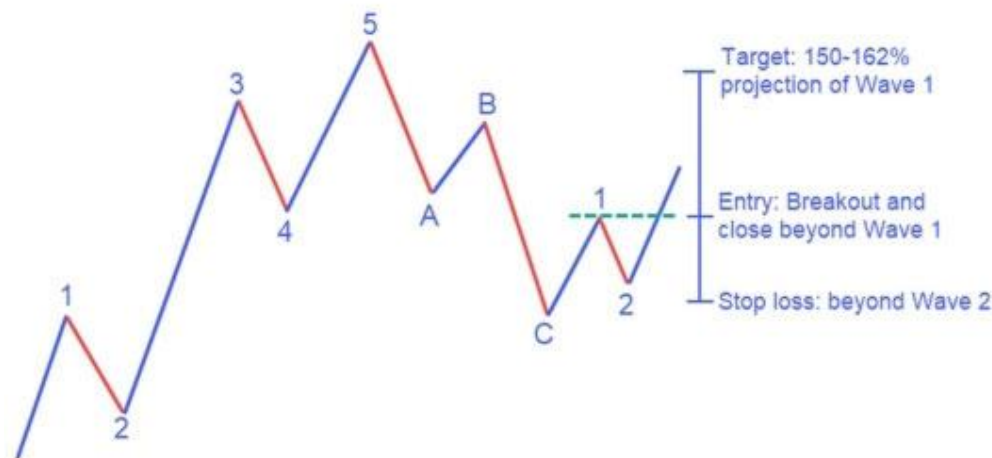


Figure 12-3: Conservative approach

بیاپید به بحث در مورد رویکرد محافظه کارانه برای الگوی ادامه موج ۳ پردازیم. در این روش، ما به تأیید بیشتری از سوی بازار نیاز داریم تا مطمئن شویم که موج ۳ در واقع در حال پیشرفت است. در این تصویر، به موج ۱-۲ پس از اصلاح A-B-C توجه کنید. هنگامی که اصلاح موج ۲ به پایان میرسد و ما میتوانیم مراحل اولیه یک موج احتمالی را تشخیص دهیم، یک خط مقاومت افقی از اوج نوسانی موج ۱ رسم خواهیم کرد (خط چین سبز). ورود محافظه کارانه زمانی اتفاق میافتد که قیمت از انتهای موج ۱ عبور کرده و بالاتر از آن بسته شود. حد ضرر (Stop Loss) برای استراتژی محافظه کارانه فراتر از انتهای موج ۲ قرار خواهد گرفت که در این مورد، پایین تر از کف نوسانی موج ۲ است. در مورد ناحیه هدف، همانند رویکرد تهاجمی باقی میماند.

اکنون، باید ایده نسبتاً خوبی از آنچه یک الگوی ادامه موج ۳ بالقوه را تشکیل میدهد، داشته باشید. به زودی به برخی از نمودارهای واقعی نگاه خواهیم کرد تا با این تکنیک راحت تر شوید. اما قبل از آن، بیاپید ابزارهای معاملاتی لازم برای این الگو را مرور کنیم.

جعبه ابزار معاملات

اگرچه موج ۳ اغلب قدرتمندترین و به طور بالقوه سودآورترین راه برای معامله است، اما گاهی اوقات برچسب‌گذاری صحیح آن بسیار دشوار است. در بسیاری از موارد، آنچه ما مراحل اولیه حرکت موج ۳ میدانیم، ممکن است در عوض موج C از آب در بیاید. در نتیجه، مهم است که در برچسب‌گذاری امواج دقت و عینیت داشته باشیم تا اطمینان حاصل کنیم که بالاترین شانس را برای شکار یک حرکت قیمت واقعی موج ۳ داریم.

یکی از بهترین نشانه‌های شاخه موج ۳، مومنتومی است که حرکت قیمت در آن را همراهی میکند. به طور خاص، شیب قیمت در یک ایمپالس موج ۳ بسیار تند است. ما اغلب شاهد ثبت یک اوج مومنتوم در پایان موج ۳ در نوسانگر و همچنین سایر اندیکاتورهای مبتنی بر مومنتوم خواهیم بود.

نکته بسیار مهم در هنگام معامله شاخه موج ۳، تمرین صبر پس از شروع حرکت قیمت در جهت مورد نظر است. اگر الگوی ادامه موج ۳ را به درستی زمان‌بندی کنیم، اغلب میتوانیم از نسبت ریسک به پاداش ۱:۳ یا بیشتر بهره‌مند شویم، به خصوص اگر از یک ورود تهاجمی برای معامله استفاده کنیم. باید صبور باشیم و اجازه دهیم معامله انجام شود و وسوسه خروج زودهنگام را نداشته باشیم. جسی لیورمور، یکی از بزرگترین معامله‌گران، زمانی گفت: هرگز تفکر من نبود که پول زیادی برایم به ارمغان آورد، بلکه نشستن من بود که پول زیادی برایم ساخت. این دقیقاً ذهنیتی است که هنگام معامله الگوی ادامه موج ۳ باید از آن استفاده کنیم. در اینجا استفاده از تکنیک ساده مدیریت معامله "تنظیم کن و فراموش کن" می‌درخشد. هنگامی که وارد معامله شدید، حد ضرر و اهداف سود را تعیین کنید، و سپس به سادگی دور شوید و اجازه دهید معامله به جریان خود ادامه دهد.

در زیر برخی از ابزارهایی که برای معامله الگوی ادامه موج ۳ به آنها تکیه خواهیم کرد آورده شده است:

اصلاح فیبوناچی: برای تجزیه و تحلیل اصلاح قبلی؛

کانال اصلاحی: برای تأیید حرکت قیمت موج ۱؛

تأیید شخصی: برای تأیید پایان موج C؛

اصلاح فیبوناچی: برای رسم ناحیه ورود تهاجمی؛

پروجکشن فیبوناچی: برای رسم ناحیه هدف؛

با در نظر گرفتن تمام اطلاعات، معتقدم که اکنون آماده‌ایم تا در بخش‌های بعدی بهترین نمونه‌های نموداری در الگوی ادامه موج ۳ را بررسی کنیم.

مثال معامله ۱



Figure 12-4: Trade analysis

اکنون توجه خود را به این نمودار قیمت ۲ ساعته جفت ارز یورو/پوند استرلینگ معطوف میکنیم. ما امواج ایمپالس (۱) تا (۵) و اصلاح (A)-(B)-(C) را با برچسب مشاهده میکنیم. از آنجا، ما به برچسب‌گذاری موج (۱) در فاز ایمپالس جدید پرداخته‌ایم.

پس از تشکیل امواج (۱) که به دنبال چرخه قبلی می‌آیند، میتوانیم ناحیه اصلاحی ۵۰ تا ۷۹ درصدی ایمپالس قبلی را رسم کنیم. اساساً، با این فیلتر، میخواهیم اصلاح (A)-(B)-(C) در داخل این ناحیه به پایان برسد. همانطور که در این مثال میبینیم، موج (C) در وسط ناحیه به پایان میرسد، بنابراین میتوانیم بگوییم که این شرط اولیه برآورده شده است.

همچنان در این نمودار، میخواهیم حرکت قیمت موج (۱) جدید را با رسم یک کانال اصلاحی تأیید کنیم و منتظر بمانیم تا موج (۱) از خط روند (۵)-(B) کانال اصلاحی عبور کرده و بالاتر از آن بسته شود. میتوانید ببینید که چگونه این شرط با ناحیه دایره‌ای برآورده شده است. بنابراین، میتوانیم بگوییم که برچسب‌گذاری موج برای ایمپالس موج (۱) جدید به احتمال زیاد صحیح است. به خاطر داشته باشید که هنگام رسم کانال اصلاحی، یک خط روند رسم میکنید که انتهای موج (۵) را به انتهای موج (B) متصل میکند (خط روند (۵)-(B)) سپس، یک خط

مثال معامله ۱



Figure 12-4: Trade analysis

موازی از آن خط روند میگیرید و آن را از انتهای موج (A) امتداد میدهید. این دو خط کانال اصلاحی را ایجاد میکنند.

پس از رسم کانال، حرکت قیمت موج (C) را با استفاده از مفهوم تأیید شخصی ارزیابی خواهیم کرد. در این مورد، می‌خواهیم تأیید کنیم که موج (C) با ارزیابی عنصر زمان برای پیشروی موج (C) تا لمس خط روند (۵)-(B) تکمیل شده است. به طور خاص، زمان لمس خط روند (۵)-(B) باید کمتر یا مساوی زمان تشکیل موج (C) باشد. در این مثال، تأیید شخصی ما این آزمون را با موفقیت پشت سر گذاشته است.

رویکرد تهاجمی

رویکرد تهاجمی



Figure 12-5: Aggressive approach

اکنون که تمام این معیارها برآورده شده‌اند، میتوانیم برای یک موقعیت خرید احتمالی در این بازار آماده شویم. ورود تهاجمی برای الگوی ادامه موج (۳) مستلزم یک دستور خرید محدود (Buy Limit) در ناحیه اصلاحی ۵۰ تا ۶۲ درصدی موج (۱) است. اگر با دقت نگاه کنید، میبینید که با حرکت قیمت به سمت پایین در موج (۲)، کمی به زیر سطح ۶۲ درصد نفوذ کرده و سپس به سرعت به سمت بالا بازگشته است. بنابراین، یک دستور خرید محدود در داخل این ناحیه میتوانست فعال شود. حد ضرر درست زیر انتهای موج (C) قرار میگیرد که همزمان با شروع موج (۱) است. ناحیه هدف با استفاده از سطوح پروجکشن ۱۵۰ و ۱۶۲ درصدی موج (۱) که از انتهای موج (۲) اندازه‌گیری میشود، ایجاد میگردد. همانطور که در سمت راست بالای نمودار مشاهده میکنید، ناحیه هدف ما به راحتی به دست آمد.

رویکرد محافظه کارانه



Figure 12-6: Conservative approach

اکنون به رویکرد محافظه کارانه میپردازیم. اگر به خاطر داشته باشید، ورود محافظه کارانه برای الگوی ادامه موج (۳) مستلزم شکست و بسته شدن قیمت فراتر از انتهای موج (۱) است. من خط افقی آبی (خط بالایی) را رسم کرده‌ام که به عنوان خط سیگنال عمل خواهد کرد. توجه کنید که در ناحیه دایره‌ای، یک کندل از این سطح عبور کرده و بالاتر از آن بسته میشود، که شکست را تأیید کرده و ورود محافظه کارانه را فعال میکند. پس از این کندل شکست، یک دستور خرید بازار (Market Buy Order) قرار داده میشود. بلافاصله پس از فعال شدن ورود محافظه کارانه، شاهد مقداری تثبیت جزئی قبل از حرکت قیمت به سمت بالا به ناحیه هدف تعیین شده بودیم. اگرچه پس از ورود، آن تثبیت جزئی وجود داشت، اما معامله هرگز در خطر واقعی فعال شدن حد ضرر قرار نگرفت. توجه کنید که حد ضرر در زیر انتهای موج (۲) قرار داده شده است، همانطور که در نمودار نشان داده شده است، در حالیکه ناحیه هدف همانند رویکرد تهاجمی باقی میماند.

مثال معامله ۲



Figure 12-7: Trade analysis

بیایید یک مثال دیگر از الگوی ادامه موج (۳) را بررسی کنیم. به فاز ایمپالس این روند نزولی توجه کنید که با (۱) تا (۵) برچسب‌گذاری شده است، و فاز اصلاحی که به سمت بالا حرکت کرده و با (۷)-(۶)-(۵) برچسب‌گذاری شده است. من ترجیح داده‌ام این ساختار اصلاحی را به جای (A)-(B)-(C) به عنوان (W)-(X)-(Y) برچسب‌گذاری کنم، زیرا به نظر می‌رسد امواج (W) و (Y) سه موج کوچکتر را تشکیل می‌دهند، که نشان می‌دهد یک ساختار ترکیبی دوتایی است. در هر صورت، چه این ساختار به عنوان (A)-(B)-(C) یا (W)-(X)-(Y) برچسب‌گذاری شده باشد، مفهوم آن یکسان خواهد بود. به خاطر داشته باشید که با یک الگوی (W)-(X)-(Y)، می‌تواند بیشتر گسترش یابد و ساختار (W)-(X)-(Y)-(X)-(Z) را نیز تشکیل دهد. اگر هنوز در مورد ترکیبات سه‌تایی و دوتایی کمی ابهام دارید، اکیداً توصیه می‌شود فصل‌های قبلی در مورد این موضوع را مرور کنید تا در برچسب‌گذاری این نوع اصلاحات راحت‌تر شوید.

اکنون، بیایید نگاهی به نحوه تجزیه و تحلیل کل تصویر بیندازیم تا ببینیم آیا یک فرصت معاملاتی مناسب وجود دارد یا خیر. پس از تکمیل موج (۱) جدید، به دنبال رسم ناحیه اصلاحی

۵۰ تا ۷۹ درصدی ایمپالس قبلی خواهیم بود. طبق این فیلتر، می‌خواهیم فاز اصلاحی در داخل ناحیه رسم شده به پایان برسد. در این مثال خاص، اصلاح دقیقاً در وسط ناحیه اصلاحی به

پایان رسید، بنابراین اولین شرط برای این الگوی معاملاتی برآورده شده است.

در ادامه به مرحله بعدی فرآیند میرویم و یک کانال اصلاحی برای کمک به تأیید حرکت قیمت موج (۱) رسم میکنیم. کانال اصلاحی با خط روندی که انتهای موج (۵) و موج (X) را به هم متصل میکند، شروع میشود. سپس یک خط موازی از این خط روند از انتهای موج (W) ترسیم میشود. به شکست نشان داده شده در ناحیه دایره‌ای توجه کنید. حرکت قیمت از خط روند (۵)-(X) عبور کرده و پایین‌تر از آن بسته میشود. بنابراین، دومین عنصر کلیدی برای این الگوی معاملاتی تأیید شده است.

اکنون باید به فیلتر تأیید شخصی پردازیم تا اعتبار یک موقعیت فروش بالقوه را بیشتر تقویت کنیم. بار دیگر، برای اهداف مقایسه زمانی به خط روند (۵)-(X) مراجعه میکنیم. در این مثال، واضح است که تأیید شخصی برای موج (Y) برآورده شده است، به طوری که زمان لمس خط روند (۵)-(X) توسط قیمت کمتر از زمان تشکیل موج (Y) است. با در نظر گرفتن این پیش‌زمینه، اکنون میتوانیم توجه خود را به اجرای معامله معطوف کنیم.

رویکرد تهاجمی



Figure 12-8: Aggressive approach

ابتدا به رویکرد تهاجمی نگاهی میاندازیم. ناحیه ورود تهاجمی با استفاده از سطوح اصلاحی ۵۰ و ۶۲ درصدی موج (۱) رسم میشود. در این مورد، اصلاح در سطح ۵۰ درصد به پایان میرسد و سپس یک نزول قوی ظاهر میشود. سطح حد ضرر فراتر از انتهای موج (۲) قرار میگیرد که همزمان با شروع موج (۱) است. ناحیه هدف از سطوح پروجکشن ۱۵۰ و ۱۶۲ درصدی موج (۱) که از انتهای موج (۲) اندازهگیری میشود، تشکیل شده است. میتوانید ناحیه هدف را در نزدیکی انتهای پایینی این نمودار مشاهده کنید. در مسیر رسیدن به این ناحیه تعیین شده، حرکات رفت و برگشتی قیمت وجود داشت، اما در نهایت، قیمت نزول خود را آغاز کرد و به شدت از سطح هدف عبور کرد.



Figure 12-9: Conservative approach

این نمای استراتژی محافظه کارانه است. ورود محافظه کارانه مستلزم شکست و بسته شدن قیمت در زیر انتهای موج (۱) است. این سطح با ناحیه دایره ای نشان داده شده است. پس از شکست، خریداران تلاش هایی برای بالا بردن قیمت انجام دادند. با این حال، با قرار دادن حد ضرر بالاتر از انتهای موج ۲، معامله در طول اجرا در هیچ خطری قرار نمی گیرد. علاوه بر این، ناحیه هدف همانند رویکرد تهاجمی باقی می ماند و حتی زمانی که روش محافظه کارانه را انتخاب می کنیم، نسبت ریسک به پاداش مناسبی را ارائه می دهد.

تاکنون، ما هر یک از پنج الگویی را که در برنامه معاملاتی کلی خود استفاده می کنیم، بررسی کرده ایم. میدانم که تاکنون اطلاعات زیادی ارائه شده است و به خاطر سپردن همه آنها بلافاصله آسان نیست. بنابراین، اکیداً توصیه می شود که هر استراتژی را چندین بار تمرین کنید تا در استفاده از آنها در شرایط واقعی بازار مهارت بیشتری کسب کنید. هرچه بیشتر با شمارش امواج و تجزیه و تحلیل امواج تمرین کنید، در معامله با الگوهای امواج الیوت اعتماد بیشتری پیدا خواهید کرد، که به نوبه خود شما را قادر می سازد سود ثابتی در بازارها کسب کنید.

نتیجه گیری

امیدوارم برای به کارگیری آنچه تاکنون آموخته‌اید در معاملات عملی خود مشتاق شده باشید. پنج استراتژی که تاکنون ارائه کرده‌ام، الگوهای معاملاتی با احتمال موفقیت بالا هستند که سال‌ها طول کشید تا آنها را آزمایش کنم و در یک مدل مؤثر نظام‌مند سازم. به نظر من، ترکیب ابزارهای امواج الیوت و فیوناچی احتمالاً بهترین ترکیبی است که میتوان در معاملات مالی ایجاد کرد. آنها یکدیگر را در کمک به ما برای تجزیه و تحلیل، تشخیص، اجرا و بهینه‌سازی فرصت‌های معاملاتی در بازارها تکمیل میکنند. ارزشی که آنها برای معامله‌گران به ارمغان آورده‌اند، بی‌زمان است.

شما دیده‌اید که من در هر استراتژی از فیلترهای زیادی استفاده میکنم. هدف اصلی از گنجاندن این همه موانع برای معاملات ما، جلوگیری از معاملات تصادفی است. هر معامله‌گر باتجربه‌ای با من موافق خواهد بود که همه ما در معرض وسوسه افزودن معاملات بیشتر هستیم. معامله تصادفی یکی از کوتاه‌ترین راه‌های از بین بردن حساب شماست. با ورود فیلترها، میخواهم بر اصل «کیفیت بر کمیت» تأکید کنم. ممکن است این اصل را در بسیاری از زمینه‌های دیگر توسط افراد مختلف شنیده باشید، و در تجارت، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اگر نتوانید به معاملات با کیفیت بالا پایبند باشید، در بلندمدت برای شکست برنامه‌ریزی میکنید.

برای به دست آوردن بهترین فرصت در بازارها، روش به تنهایی مطمئناً کافی نیست. شما همچنین به یک ذهنیت خوب و نظم و انضباط فوق‌العاده نیاز دارید. ممکن است در ظاهر کمی مبهم به نظر برسد، اما در واقع اینطور نیست. یکی از ساده‌ترین و مؤثرترین راه‌ها در حفظ یک ذهنیت مناسب و مدیریت معاملات، استفاده از یک برنامه معاملاتی است. شما میتوانید به راحتی یک برنامه معاملاتی خوب را با چند دلار تهیه کنید، یا اگر میخواهید خودتان آن را بسازید. فقط تمام آنچه را که برای اجرای مؤثر معاملات نیاز دارید تا حد امکان با جزئیات بنویسید، سپس به طور مداوم و اکیداً از آنها پیروی کنید و شاهد وقوع جادو باشید.

به یاد داشته باشید، درک و توانایی به کارگیری مداوم آنچه آموخته‌اید، دو چیز متفاوت هستند.

در نهایت، هر چیز بزرگی زمان میبرد و موفقیت در تجارت نیز از این قاعده مستثنی نیست. همانطور که چند بار در این کتاب اشاره کرده‌ام، پس از تمرین زیاد، با استراتژی‌ها، تشخیص الگو، فیلترها و موارد دیگر آشنا خواهید شد. هرچه بیشتر با این استراتژی‌ها آشنا باشید و هرچه بتوانید نظم و انضباط بیشتری را در طول زمان پرورش دهید، به موفقیت نزدیک‌تر خواهید

بود. به نظر شما وجه مشترک همه بازنده‌ها چیست؟ اگر پاسخ شما «تسلیم شدن» است، با شما موافقم. بیایید برعکس عمل کنیم: با پشتکار و اعتقاد راسخ تمرین کنیم.

به پایان این کتاب میرسیم. من به شما برای به پایان رساندن این کتاب تبریک میگویم و قویاً معتقدم که تصمیم درستی در ارتقای دانش و مهارت‌های معاملاتی خود گرفته‌اید. اکنون زمان اقدام است.

در آخر، اگر متوجه شدید که چیز مفیدی در این کتاب دریافت کرده‌اید، لطفاً چند دقیقه وقت بگذارید و یک نظر صادقانه به عنوان راهی برای کمک به سایر معامله‌گران برای یافتن راهی به سوی موفقیت بگذارید.

<https://sanibourse.com/>

<https://t.me/sanibabourse>